







کنز المصائب المجلد الثانی

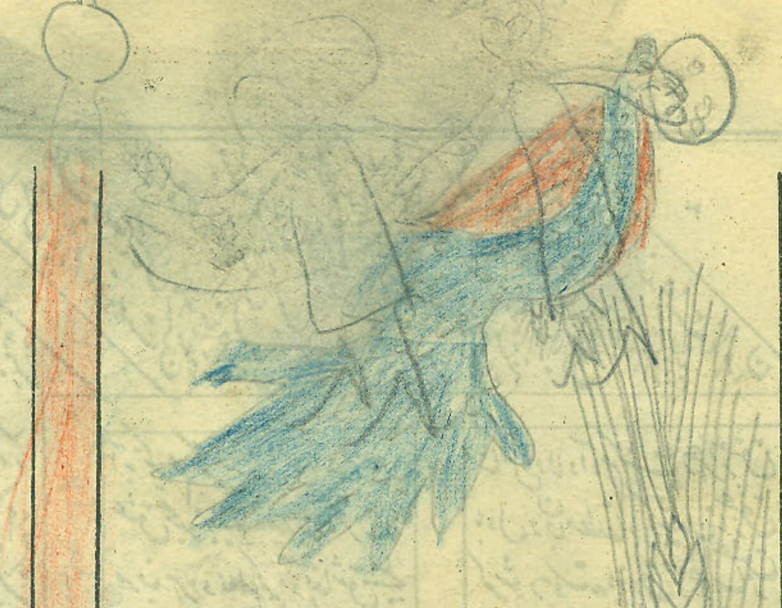
بسم الله الرحمن الرحیم

زینت سر لوح قرآنست بسم الله عشق — آیه الرحمن عرفانست ضو رماه عشق
علت ایجاد عالم اینکه رب العالمین — گشته رحمن رحیم سالکان راه عشق
الرحیم است ابتدای نهج منهاج الهدی — زیور الحمد لله تاج فوق شاه عشق
مالک یوم الدین بحفظ ملک دین — تخت عزت داده بر سلطان ذو الجاه عشق
مطلقا ایاک نعبد گه شود مطلوب یار — تا نباشد جای دل بکسیر فنا فی الله عشق
مطلب ایاک با معشوق باید تحاد — تا شود محرم به بزم خاص خلوتگاه عشق
از که جوئی استعانت با که گوئی نستعین — از عبودیت چه بنمودی شهنشاه عشق
ماسوا کلا عموما اهدنا گویان هنوز — بهر ایصال صراط مستقیم شاه عشق
حاشه لله بی تعشق راه باید بر صراط — الذین لیس منهم حلقت از درگاه عشق

ابتداء

[illegible] علیهم ز انبیا و اولیا [illegible] بنماید کسب این آگاه عشق

[illegible]



المتخلص
بقمری گلزار
حسینی

کتاب

[illegible] از تصنیفات [illegible] عاشق

گر نباشد عاشق اندر عشق با خونین رخ رو
باده نوشان بخت داده ترتیب نظام
مشرب اطفال بی معنی بخشیده هنر
ذات یکدرم نباشد قیمت انقا شقی
ناله یا هو ز موجودات کلا سربسر
کشتم این یا هو که باشد از هویت گوهر اد
اهل از اندازه عشاق پا بیرون منه
فانقش باقیست در خلوتسرای کن فکان
همه یا تکرار کردی چونکه اندر قافیه

مطلقا هر کنه میا رز دیدگاه عشق
در بیابان هلاکت خیمه و خرگاه عشق
بهر شهرت مطلقا گوینده در درگاه عشق
بیت صد در سینه عشاق لا نیا عشق
بر نیوشیدم بگوشیدم شوم آگاه عشق
عقل کفشا این هویت عشق هو کم راه عشق
هرچه میخواهی بکن اما نبود دلخواه عشق
متصل در هر نفس باید کشیدن آه عشق
عالم عشق است صد دور چه دوری راه عشق

چند از طوطی در افشان آمد بنظام
در گلستان فصاحت بر ترنم از عشق
خیمه یا ما عشاق گویان و بیدم
در بهار گلستان بر زند آواز عشق
عندلیب طبع بیرم باز از نظم ان
گلشن آرا شد بشور و شوق در بهار عشق
از فروغ جلوه عشق است عالم منجلی
جلوه نو شد در عوالم فارغ اندر عشق
وحش و نه نطق و ذهن ما لم اندر نطق
در این شمان و فا ما و بر طرف عشق
کوی بیعت ما در آفاق طبع ما
در فنا گون جهان گشته چه کار عشق
و تحقیقه و ملک بعد از ما فهمی
ان وجود بود از طینتش هم از عشق
گه جنت بجز از این سپا
اهل عرفان راه جنت
مرده صد ساله را احیا کند اعجاز عشق

دیباچه

آیه تکریم کرمنا بنی آدم تعیین
عشق محبوبیت اندر پرده عزت نیان
سربلند هر دو عالم گردد آن عاشق بلی

شامل اولاد آدم گشت از خیر عشق
با دل و جان مطلقا باید کشیدن ناز عشق
گر شود پیوسته با ذوق و صفا ساز عشق

در جهان عزلت گزینی کل ماسوا
جهد کن قمری که در عالم شود همساز عشق

ساقیا برخیز بسم الله الرحمن الرحیم
با شراب ناب دستم گیر افتادم ز دست
و بدم زاید الم از اعتبارات سفلوی
دردها را برکه گویم برملا اکو طبیب
باده گلفام می چون بشکفاند قلب ما
ایها الساقی رسد از شوق سیماجان طیب
التفاتی کن از آن می میکند صبا تو
آنچنان سرمست کن از جام صهبای عشق
به درمیخانه رفتم مست مدهوش و خراب
گویم اندر عالم مستی بیا ز نظر لبیک
زاهدا گوئی ز عشق یار و از می توبه کن
می پرستم مست هستم متصل از عشق یار

جام را می ریز و بشکن جمع شیطان رجیم
دستگیری باشد از صاحب کرم انت الکریم
ایحبیبم ای طبیبم جام ده از نعیم
ما ورا ایام را ایکاش میدیدم عقیم
بر مشام جان رسان زان باده صبر شمیم
زان می مینا شفقت کن بود مثلش عدیم
زنده گردد از نسیمش عظامات رمیم
در حجاب صاحب کهف اندر شکفت اهل الرقیم
بلکه دلدارم بگیرد دست با لطف عمیم
لن ترانی نشنوم اینجا بر استم زعیم
توبه کارم ز فعل استغفر الله العظیم
من بدانیم یار میداند شبا بجهالیتم

فرق بین العبد والمولی چه باشد یا علیم
چونکه بر ابلیس خود جا داده اندر دلم
سانه گوز روله است ما سکاکوی وی
سعی و بهش سالست اندر مدح شاه لافتی
چون سک این آستانم و رذکرم یا حسین
گر سک نا پاک خود را در نمکذار فکند
این آستانست یا دیان دین این شایان
گر برانی عین عدل و گر بخوانی عین لطف

کن عنایت یا الها تا نباشم ذمیم
هم تو خاطر جمع کن نفسم بدارروی سلیم
نی رو ابر یا چشانده ما رعنیلین و خیم
متصل از درج آورده ام در یتیم
در غراشین جان فشانم با دل و قلب صمیم
استحاله یا رک صبا نرده صاف کرد و هیچ و میم
کلب را از آستان بیرون نمیراند کریم
چون حکیمی خالی از حکمت نمیباشد حکیم

قنبری گر از عشق مرتضایم یا اله
از تفضل کن عنایت دولت فضل العظیم

دلا چه ست شراب بهار میگذرد
صفا ز باغ و چمن گاه گاه میگذرد
بلی جهان فنا جا نیگاه دل ننگست
محل حیله و مکر و فنون نیرنگست
نبی به تجربه آگه شدم ز کار جهان
بگو میت بشنوای برادر ایمان
چه عالمست چه دنیا چه روزگار حرا

زمان عهد گل و لاله زار میگذرد
ز دست اینهمه بی اختیار میگذرد
خوشست رسم دورنگی نه جای یکرنگیست
بصاحبان وفا روزگار میگذرد
خورند خون جگر عاقلان فرزانه دلان
برای مؤمن دیندار خوار میگذرد
وفا و صدق و صفا شد کیمیا نایاب

کتاب

دیباچه

لب همیشه بجنبان بگو چه بازار
برو بمنزل خلوت بباز نرد و قمار
بکف مزین و تسبیح ریزه صد دانه
بروز مسجد و شبها برو بمیخانه
بمجلسی که بمسند رشیدی نشین خاموش
زبان بگفت و شنو نرم نرم گوش بگوش
بوقت اکل طعام ایدبر زیرک
چو آب خورد رفیعت بگو غیناک
زهر اکل چرب صد خلق کالانعام
کباب و چای و چلو گشته چون شوربا حلم
هر آنکسی که بود بالدار و دولتمند
مقال هرزه او را کنند خلق پسند
بنزد خلق عزیز است هر دنی فضول
بود همه سخن احمقانه اش مقبول
بسی علانیه دیندار باطنا عیار
فرو برند و خورند اشتر و شتر با بار
عبا و کیسه نشین را ببصی نشان

گمان کنند خلایق که میکند اذکار
و یا شراب کشی زهرمار میکند رد
بزن رنجت زیخ برهاست شانه
چو در ورع شده مشهور میکند رد
مکن بنظاره بچهار جسم نازپوش
نهفته صحبت مزمار تار میکند رد
بگیر باسر انگشت دولانه نمک
شود گوارا و یا گوار میکند رد
کنند بفقرا الا علاج رد و سلام
زهفت نوع خورش پس طلا میکند رد
چه عاقل و چه سفید و چه لاشعور آهند
اگر معاینه باشد خمار میکند رد
روا است حرمت وی کاش پول شد دل بایه
اگر شود نشود ننگ و عار میکند رد
دهان مغازه گلو و دو کس شکم انبار
چنین سلوک خطا بیقرار میکند رد
اگر بحالت اول بماند نیکش دان

بسینه دست بکوبند مخلص شما
مخوز عزیب مبادا تغافلی منما
شوند جمع چو در مسجد این گروه عوام
بهند غیبت و بهباز اعبادت نام
بوعظ و عظ لقیر آیه قرآن
بصد هزار دو رغ شبیه و مرثیه خوان
بلی دو فرقه غریبند و زمانه ما
میان زاغ و زغن مثل شاهباز حما
مکن نظر بامور چنین گروه فساد
تو اهل صدق و صفا باش هر چه باد باد
جهان چه چیست برای چه آمدی بجهان
علف بدون لعلا همچو ر چیسوان
بگردشند همی یوم و سال و هفته ما
چه غفلت است خوابیده شو آگاه
بلی چه قدر از این دارکار رفته
تو نیز میروی این هفته یا دو هفته
اگر کمال و منال و جلال بنیازی

بسطح رهگذرت چاره میکند اما
به بزم شاه و گدا این شعار میگذرد
کنند هلهله مثل اجنه در حمام
نظام شرع چو تا پایدار میگذرد
زنند دم ز مقالات و صحبت هذیان
دهند گوش بسی باوقار میگذرد
جماعت عرفا و معاشر علما
همین دو فرقه دلش داغدار میگذرد
همه بفسق و فجور زند متصل معنا د
کنند اگر نکنند اعتبار میگذرد
زنی هزار لعلا ز بهر لقمه نان
نظام رزق ز پروردگار میگذرد
جهان مثال رباط و تویی مسافر راه
بهمین زگلشن عمرت بهار میگذرد
بسی گل شکفته زگلستان و رفته
هر صباح و مسا صد قطار میگذرد
مدام شهب کبر و غرور میتازی

کتاب

نگو که صاحب عز و جلالت و جاهم
کنم هر آنچه در این عالمست و نخواهم

هزار داد بکن را اجل فلان شاهم
مثال باد ز فوق منار میگذرد

کجاست زمرهٔ آبا و جد جد جدادت
همه بخاک لحد خفته میت در یادت

بداد تو رسد ملک مال و الادت
دم ممات بصد اضطرار میگذرد

ز دست قابض ارواح چونکه با امداد
خلاص جان نتوان کرد پیش وقت نهار

اگر شوی متحصن بقلعهٔ فولاد
بدان ز قلعهٔ آهن حصار میگذرد

دم سؤال نکیرین ز بسکه محتاجی
نخشوی بچنین عذر و مدعا ناجی

منم فلان متشخص منم فلان حاجی
یقین بشرند خوار و زار میگذرد

بس است قمری ازین قصه ها محصل خواهند
به بانگ ناله زنبور بی عسل خواهند

زیاده طول مده تا بکی مثل خواهند
نصیحت تو نیاید بکار میگذرد

قصیده در مدح حضرت باری تعالی

سر سخن اول بنام خالق کون و مکان
قادر حی و کریم و لایزال و مستعان

عذر خواهی میکنم از سالکان راه عشق
بعد هم از عارفان نکته سنج و نکته دان

دارم اندر دل تمنای وصال از دم یار
بلکه گل چینی نمایم در فضای گلستان

دم زنم در گلشن عشق شهید کربلا
تا شوم با زمرهٔ اهل صفا هم داستان

میکنم با چشم عبرت چون بدین گلشن نظر
گلشن آرایان بسی هستند از صاحبدلان

نیستند اموات در حال حیات اند عاشقان

گوهر نظمش ز دیوان بهیت مدعا
چون در مکنون وجودش گشته غایب از نظر
سهو کردم نیست در غیر ابجد مجد بش
طرفه گل کاری نموده با قرار نظم کلام
از کلام عاشقانه لولوی آورده بس
گاه از عشق علی اکبر کباب سینه داغ
گاه از دامادی قاسم کند صد سوز و آه
دخل هیچ ذی نفس در عالم ندارد در صفتش
در مقامی که عنقا پر فشان و پر و بال
در مقابل نیر تابنده بکشاید کمال
اوست چون صاحب نفس در دکه شاه شهید
کرده طوفان جوهری با نظم طوفان المجال
از تف برق جهان سوز کلامش سربسر
مجلس ماتم ز الفاظ الم خیزش بنا
قبلهٔ اهل عزا مقبل کلامش بس قبول
دار ما پروانه شمع عزای شاه دین
هر زمان با جانهٔ نیلی و آه پر شرر

تحفهٔ شاهانه پیش کاملان و عارفان
حیف اندر زیر خاک و تربت غیر نهان
گشته ملحق در بهشت جاودا با حوریان
گشته بالکل رشته ابیات شیرین باغبان
حاشه لله مطلقا نایاب مثلش در جهان
گاه در عباس گویان در غم اش خونفشان
طایر قدسی است اندر خلد کرده آشیان
چهره با بست او مثل کواکب شاعران
کی مه و مهر در مقابل جلوه سازد خاوران
غیر حکمش شاه بهار آرد خودش در میان
صد چو من باید همیشه بوسه ادر آستان
جوهر نظمش نماید شورش محشر عیان
بلکه میسوزد نیاز زخم زمین و آسمان
ناله و حسرت خیزد بعرش لامکان
آورد از طبع پرشس صد نظم جوان
کرده فریاد و فغانش قیامت عالم کمان
گشته اندر دستان کربلا رطب اللسان

ذوالجلال

پرتو اختر کجا و نیر انور کجا
نی توانم بود حاشا قطره با دریا حریف
در سفال سبز کون فیروز کیرم همتیر است
صورت صلصل کجا و نغمهٔ بلبل کجا
بوستن طبعم ضعیف و شهب نطقم نحیف
پنجهٔ کبری با تهمتن مطلقا عین خطاست
فکرها کردم ز اطراف گشتم چاره جو
بار الها قوتی بر نطق و نظم کن عطا
غیر ممکن دست بدهد ادراک آن ناظر
بخت اگر یاری نماید بستهم اندر نفس الکن
رعیان نظم و نثر شد آفتی با شهر تعریف
در عهد و دیدم چو شاه بر ز انگشت با عشر
در جهان اهل مروت هیچ نیست اندر دور
ای غلامان حسم فرشته سازم برای حضرت
گر تهی دستم برای خود روش باشم فنا
هست سدم گشته مشغول یاد ز علم برگ سبز
غرق دریای گناهم یک حسینی واهی

کوکب بی نور من آنجا چو نور آسمان
ذره با خورشید رخشان جلوه گر باید اخشان
باز مرده کی برابر میشود در امتحان
مشکلست البته با بلبل شدن هم داستان
رخش میباید تن رستم کشد در سیستان
شوکت افراسیابی باید اندر غزو شان
جرأت آرم خداوند تو هستی مستعان
طبع پیرم را باستعداد شادابی درر نشان
تا بباشم در وثاق بزم ایشان کامران
بهر شان هم شوم جاروب کش در آستان
صحبت من فی المثل چون صحبت گرگ و شبان
خواستم بعد از عشر رابع شوم من همچنان
گر ضعیف میشود الحق شود هر کار آن
بی بضاعت استطاعت میشوم سامان
برگ سبزی دارم اندر دست بهر ارمغان
چونکه خلاقم غفور الذنب مولا قهرمان
فخر هم زود آن شفیع عاصیان

ولہ ایضا

موج دریای فضلت کلی علم المحیط

از وجودت هست مالامال کلاکی فرمان
گر حضورت غیر ممکن در نظر ناید نظر
ذات پاکت در کجا باشد کند درک بصر
مرغ فکرت کی رسد بر کنگر ایوان تو
در لطافت بس لطیفی در جلالت بس جلیل
لا اله کلمهٔ کبریت میگویند فاش
فتنه ها افکنده بر دنیا تماشا میکنی
دیده بر ذات پاک خویش تنهائی روا
دانش و فهم گویا کجا ادراک اوصافت کجا
کل موجودات حیران در ثنا سائی تو
زمرهٔ عشاق یا محبوب گویا بر درت
نوح را طوفان دهد عشقت یونس بطن حوت
گه عطا سازی خلیلت خلّت جوف نار
گاه عشقت میکشد عیسی ابن مریم بدار
صد کلیم طور سینا لن ترانی منفعل
جان فدا سازد بر حسنت صد ذبیح اندر منا
بر فدا صد یوسف مصری بچاه هجر تو

گر حضورت داند اینجا ستی اینجا ستی
از تو خالی نیست عالم حاضر هر جا ستی
مدرک الابصار هستی خالق اشیا ستی
ماورائیت گر به پردار و از آن اعلا ستی
رویت ناممکن و بر ید نظر پیدا ستی
آنکه از نقص تو پایان آورد الا ستی
از رفتن آلوده به منزل و ماوا ستی
چونکه از تنها بلا خیز و خود تنها ستی
کی رسد فهم با آدم علم الاسما ستی
یا نهانی یا عیانی والی و آلا ستی
جمله محروم از وصالت که همه دارا ستی
شانه آهن نجر تو جنبش آن ورد چو خوا ستی
گاه گلشن میکنی یا لالهٔ حمرا ستی
گاه با موسی بطور وادی سینا ستی
باز در شوق چون معشوقهٔ رعنا ستی
چون ثنای عشق از اشعار ان آرا ستی
بسکه محبوب القلوب اندر زیبا ستی

ذو الجلال

ولہ ایضاً

بیت

لبت از گوهر یاقوت نماید حمرا
کلمه العل کهربا ز تو درنشاه جان
تو حسن الله در گنجینه درج دهن است
شهد شیرین بیانت بحلاوت چو نبات
حسن یوسف بچه ارزد جمالت مه و مهر
عشق یوسف زلیخایش اثر کرد و لی
در ته چاه زنخدان تو محبوس و اسیر
چه وجاهت چه ملاحت ز تو ماشاء الله
آنچه در دایره عالم امکان ز ازل
نسبت حسن تو دادن بقمر عین خطاست
ذره نور تو زآئین رخ حور و قصور
وصف از حد فزون مدح ز اندازه برون
یا نبی العربی القرشی المدنی
محرم راز حریم حرم لم یزلی
شاه ام نکته لولاک شه تم قرآن
سابق از خلقت عالم بجز از ذات خدا
انبیا قاطبتا جز و طفیلند و لی

چشمه خضر در آن ظاهر و پیداست تویی
از مصفا عسل عدن کوثر است تویی
نور بخشای در جنت ما و هست تویی
یا که بر ذائقه چون که چهباست تویی
در سپهر عظمت انجمن آراست تویی
حور جنت بوصالت چو زلیخاست تویی
صد نفر یوسف مصری ز تمناست تویی
مکمل عالم لاهوت فرح افزاست تویی
علم تربیت اش قائم برپاست تویی
آنکه القمر اندر ید بیضاست تویی
گلشن آرای جنان بارخ زیباست تویی
بهر حجت ثقلین ناطق و گویاست تویی
آنچه مقصود نه دنیا و عقباست تویی
لائق مصطبه لیلة الاسراست تویی
بحر رحمت بتمام عالم فرشاست تویی
در حجت نور بینش ز تجلاست تویی
مقصد انجمن بزم تولاست تویی

شوی اگر بهشتیم رضوی، وردد بدان — تشعشع در جنت از آن نسیم بخیزد
اگر توجه دریا کنی زبطن صدف قبها — بدون بارش نیسان در یتیم بخیزد
اگر زشهد دهانت رسد بنار جحیم — شود چو صحن گلستان گل از جحیم بخیزد
بحسرت رخ زیبا و چشمهای خمارت — هزار عاشق دلخسته اثیم بخیزد
اسیر حلقهٔ زنجیر زلف کاکل شکنت — بود محال از آن تار مستقیم بخیزد
خوشا بحال دل عاشقی که صید تو باشد — مگر چگونه از آن درگه عظیم بخیزد
طواف کعبه چه لازم برابر سر کویت — بحشرگاه تماماً از آن حریم بخیزد
اگر بمجلس و محفل در آید اسم شریفت — طرانهٔ صلوات از جهان عمیم بخیزد
چو پاره صاحب خود است غم مخور قمری — هر آنچه جود و سخا خیزد از کریم بخیزد
چه کیمیاست بشعرت هزار حسن احسن — بهر زمین که رسد گنج زر و سیم بخیزد
اگرچه مردم عالم بدرگهی بخبر ندت — ولی بروز جزا رتبه عظیم بخیزد
گناهکار توئی چونکه یار خصم غیظ است — هر آنچه عفو گناهست از کظیم بخیزد

وله ایضاً

چو سرو قامت تو خرام برخیزد — قیام عرصهٔ یوم القیام برخیزد
گمان کنند خلایق نوای حمد بپاست — صدای حمد ز خیل انام برخیزد
شهید عشق تو احیا شود هزار هزار — نه اینکه بلکه هزاران خام برخیزد
نسیم کاکل شکین در زمان سحر — اگر وزد بر سیم عظام برخیزد

نسترن ساقی مجلس در کفش جام بلور
هردم از اردی بهشت آید عجب بوی بهشت

کالصباحی میکشد بر بر همی جام صبوح
چادر گلنار بر پا کرده در عالم شقیق

عارض مطبوس اندر زیر چرخ آبنوس
حسن نیلوفر بتخت گنبد نیلوفری

ضوء رخسار قمر نقل همچو قرص آفتاب
ساکنان عالم بالا بصحن گلستان

در چمن کبک خرامان میزند هر لحظه قهقه
وحش الله باقمر سنا غنا ند و ز خوش خرام

بر فراز تخت شوکت عندلیبان الحان
نغمهٔ داود میخوانند هزار در محبت

مجلس عشرت مهیا بزم صحبت پر طرب
ایها العشاق ایام الشتاء قد مضت

اشربوا کاسا دهاقا لذة للشاربین
الامان ساقی علاجم کن بیکجام بلور

تشنه کامم از مدام تر دماغم کن بدام
از گل سوری نظر از گلستان جماع وار

حوریان باغ جنت را کجی این برد بار
از شمیم او شمیم جنت آید شکار

در سیر زنار شوق فراطبر چو خون نگار
چون عذار خویش از دلها برد صبر و قرار

در تعلیع ما شاء الله غنچه ها ید افتخار
زینت فرق عروس پرده تاج زرنگار

غنچه با ید دمبدم دردانهٔ شبنم نثار
چتر زرین ور طاوس ها در هر کنار

میخرامد در نزاکت در کنار جو بیار
طوطیان در شکرستان کامیاب کامکار

گلشن آرا و فرح افزا سرو و لاله زار
بلبل اندر شاخ گل میزند هر لحظه چار

جام الیوم العیش هنگام ذوق خمار
یشربان الابرار من کاس کلام کرد کار

تا بنوشم بادهٔ ناب چون لال خوشگوار
هم بیامم اسم بکامم زیر جامم بیار

در مدح

از نظامی پرس اسپرد فر نظم و نظام
از نغزنهای جواهر طلعت حافظ چه سود
گرچه خاقانی درفشان نموده در کلام
نوری از نور در افکنده خویش را
جام جمجاه اندر جام وحدت باده نوش
طبع قاآنی مسلم هیبت در انشای شهر
دو زبان کمال طبع صد افسوس حیف
خرمن خیام بر دل میگیرد بس
بسکه دور افتاده صاحب از ره خد و صواب
بسکه گلزار فصاحت را بدیدم پرشکوه
در پی تحصیل اکسیر بیان جویا شدم
رستم از قید تفکر گشت توفیقم رفیق
گردن از قابلیت با حریفان دم زنم
لاعلاجم بر عقبی منت اهر گز نوشته ام
تا شوم غواص دریای معانی در بیان
از که این بحر کبیر مطلقا دریای نور
لنگر اندازم به بحر مدح شاه لو کشف

قصیده شیرین و خسروا رچه دری اشتهار
با هوای نفس گفته مطلقا بر مدار
لیک بازارن نیارزد در مقام اعتبار
که برابر میشود با روز روشن لیل تار
لیک فتح باطن وی در کلامش در چهار
کرده بر خود فتح دان هر زه گوی اختیار
لغو اندر لغو گفته دره نابد بکار
گر کلامش گشته اندر کون مکان انتشار
فیما بد نظم وی مانند خار رهگذار
فکر کردم جرأت آوردم شوم در انتظار
تا بحال خود طلا سازم نباشد جا بجا
یا فتم آلوده کی اندر مقام کیردار
مطلع نور نداند صاحبان لامن چو غبار
رو سیاهم غرق عصیان چاره ام از چهار
لولو لالا بدست آرم برای اشتهار
غرق گشته در همان دریا گرو شمار
آن ولی الله مطلق حیدر دلدل سوار

حضرت امیر

فرق شاهان جهان در زیر پایش خوار زار
آنکه خلاق جهان الکعبه اندر شان او
لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

ولہ ایضاً

ساقیا میخانه بگشا...

در سر باده نوشی برقرارم کن چنان
الامان ساقی بکن جام شراب از من دریغ

موسم عیش است و هنگام طرب فصل بهار
آنچنان ساغر بده از خم یاقوت رنگ

آب آتش زا بجامم ریز چون لبهای یار
مژده ساقی رسند باقی روحانیان

آنچنان می ده بود تاثیر او چون شیر شر
تر دماغم کن زمانی با فروغ تیغ و نظم

آنقدر ریزم در شهوار از نثر غزل
جام ده تا من کنم ار درج دل گوهر نثار

تاج سلطانی ربایم از سر کاوس کی
دستگیری با ناخم کن بیاور پی به پی

تا دگر در آن چنین فرحت دهد بهبات بی
عطر ریزد مشام اهل عالم در دوی

در طلاوت انفعال آرد شبن بگاف و ری
ساغر بزم جلالم ساز قرص مهر و ماه

تا کنم عمر معاد از هجرت قطع و طی
تا خراج و باج از شیراز گیرم هم ز ری

ضو ر نظم از ثری بیرون سازد تا ثریا
منفعل گردد بیدل خود و خودم خانم ز حی

در دم مستی چنان گویم ز مدح مرتضی
کس بگوید بعد از این چون تعاف و میم در ادی

ساقی با بانگ بلورین جام شور من معین
بشکنم تا گردن منحوس ابلیس لعین

ساغر و پیمانه را پر کن ز لعل چون شکوا
نوشجان سازم بدون عشق یار نازنین

قرقف و مینا بیاپی ریز پی در پی بیاک
هم بنوشم هم بکوشم هم بگویم آفرین

دستگیری کن بجامم بگذر ما رقیم مرد
بهر جان لا یضیع الله اجر المحسنین

از سقیم ز بهم غافل مشو ده تربیت
کن سقایت با شراب انگور ما معین

در مدح

ده از آنی تا هنیا لک بگوید در فلک
ده از نی در دم مستی چنان خوانم سرود
آنقدر نوشم بگوشم تا بگوشم در رسد
ده از آنی جرأت افزاید به نطق پر هنر
اشهب منطق مجازم آنچنان جولان کنم
وقت آنست مجلس آرائی کنم یارا بوصف
آنچنان لعل بیارم کاینات و ممکنات
آنچنان در خوشاب آرم کز نثر دل برون
در مدح شاه مردان گشت از نظم عیان
یا علی ای نیر تابنده چرخ جلال
بود نورت با محمد جلوه گر در بزم قدس
ناخدا بودی خدا بودی بکلا ما سوا
نی وجود بود از موجود یا از ممکنات
رشته عالم نگشتی بی نظامت مستقیم
صفحه رخسار تو آئینه قدرت نما
از تو استحکام ملت از تو ایجاد فروغ
اقتباس نور مینماید ز نورت آفتاب

حضرت عیسای روح انبه چرخ چارمین
تا بیارم ساکنان آسمان را بر زمین
همچنان بانگ نوشا نوش از روح الامین
تا تواند نظم طبعم را کشم بر زیر زین
کرد لعل او همی خیزد بچرخ هفتمین
در فصاحت آورم از در جید و زر ثمین
احسن و صدق بگوید حاضرین و غائبین
تا که باشد در تجلا عبرة لآخرین
کوحش لبه ماشانبه بشیر للمؤمنین
ما سوا کلا طفیلت اولین و آخرین
در همان وقتی که آدم بود بین الماء و الطین
در حجاب غیب قبل از سابقات و سابقین
در جوار قرب بزم لامکان بودی مکین
هر این کشتی ملقب در جهان حبل المتین
از تو ظاهر از تو باهر نور دین مبین
چون تو در معموره اسلام را حصن حصین
از وجودت کل موجودات میجوید معین

در مدح امیر

قصیده در مدح حضرت امیر المؤمنین

از شراب آید بهجر انور رهبر شعور

از شراب آید قوای خمسه اندر اعتدال

از شراب رو طراوت گلشن عمر عزیز

از شراب افزون شود گلهای بهجت در مهیج

از شراب آید ریاح روح ریحان هر رخ

میشود هر قطره در بحر صدف در یتیم

از شراب آید نشاط هر کنیز هزار نهان

از شراب آمد صفای قلب بر صاحبدلان

از شراب آید ذکاوت نفس و قلب و تا هنر

از شراب آماده گردد عطر و جواهر در دماغ

وای ما در حیرتم از اعتقاد زاهدان

زاهد میخانه من آنهم مسجد در نماز

در هوای جنت او من در هوای عشق یار

آن بعقلت من بلذت از می شیر مدام

من به چشم جان آن افشرده در جام قیام

آن با آه و ناله من اندر پیاله باده نوش

آن بگوید اهد نا من هدایت می برست

در همان حالت که با چشم مست مخمور خراب

رگ و عروقات جوارح میرساند آب و تاب

بلکه طبع پیر میآید بسر حد شباب

رشک گلشن میدهد از رشحه باشش شراب

بارش نیسان به بحر جان ببارد چون سحاب

انچنان دری با حسن بگوید شیخ و شباب

در وجود نفس پیدا میشود حسن آب و تاب

زشت و قبیح هر عمل را مینماید اجتناب

میکند از بین هر معنای مشکل کتاب

چون بجوش آید برا هر ره ثلثین و تاب

بسکه دور افتاده ایشان از ره صدق و صواب

اجتناب دی زمی من دارم از دوای خلناب

من بذوق جهو سایه ذوق انتخاب

مینماید دین و در دین من شیئی عجاب

او کند صد اضطراب من بیاز خود خطاب

اهر خص من تبار زلف یار اندر طناب

آن بتقوی من بنوغا گشته مقبول جناب

قصیده

قدرت الهی مجسم در ید بازوی تو / گیست بر سر پنجه قدرت بود یارای تاب

یاد صمصام خون شام در بدر و احد / از شجاعت حیدری عدا را رساندی بر رکاب

یادم آرد داستان کربلای پر بلا / آه واویلا دلم از محنت غم شد کباب

تشنه لب خونین جگر مقتول خنجر شد حسین / در میان خاک و خون بیحسب هر دم صد عذاب

پس کجا بودی در آن حالت ای شاه نجف / کاکل مشکین اکبر شد بخون خود خضاب

قاسم شهزاده را پامال در سم ستور / اشقیا کردند با صد جور و محنت بی حساب

هر دو دست حضرت عباس گشت از تن جدا / کوفیان بیحیا افکنده از پشت عقاب

ساقی کوثر تو بودی یا علی المرتضی / حلق اصغر شد نشان بر تیر پیکان پر عتاب

قمری بزم عزایم یا شهید کربلا / دارم امید شفاعت از تو در یوم الحساب

قصیده در مدح حضرت امیر المومنین

ساقیا می ده که ذوق عشق یادم در سر است / در هوای وصل آن دلبر دلم در آذر است

استغاثه کن دلم آید بتنگ از جوش غم / چون هوای در دو عشاق از فروغ باختر است

وقت جان دادن دل از دستم دستگیری کن من / چون در این ایام محنت دوستی حیدر است

روز روشن تیره شد در چشم من چون زلف یار / بر فروزان از صفای می رخ خوشتر است

می سرور آرد بدل غمهانه واید از فواد / تلخ میگویند اما آن چه شهد و شکر است

عکس یار اندر شراب ناب میباشد عیان / چون زلال با صفایش در دو عالم منظر است

شیشه عکاس قدرت می میا شد دام / حبذا بر چشمه نور حقیقت مظهر است

در مدح امیر

فارس میدان جرأت فاتح یوم الحنین
شاهباز اوج عزت برج والا سرور است

نه رواق آسمان طاحونه دور فلک
در زبان قدرتش چون حلقهٔ انگشتر است

کاسهٔ خورشید زرین تاب چرخ چارمین
در رواق رفعت جاه و جلالش مجمر است

از فروغ عکس نورش نور میخواند قمر
زایر بابش تعالی الله فرزند اختر است

بنده فرمانش جمیع ممکنات ماسوا
هرچه باشد تحت فوق گنبد نیلوفر است

در خبر امفتاح باب جنت اندر دو دنی
قاسم نار و جنان صاحب لوای محشر است

او بود میزان ایمان و صراط مستقیم
در مقام مغفرت غفران بخش مضطر است

در حصار سینه مهرش لا بضر آتشیمه
منعمش در هر دو عالم از خصوص بهتر است

قربا از دم حیدر مکش دست رجا
چونکه اندرای دین و در هر دو عالم رهبر است

ایضا قصیده در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

ساقیا از باده پرکن آن بلورین جام را
تا کشم لاجرعه بر سر راح جام ایام را

بلکه با شم بیکران سرگرم در غوغای عشق
از درون دل براندازم غم ایام را

مست و مدهوش خرابات معانی شم دمی
بر سر ذوق آور رندان درد آشام را

در هوای شور می بیدار سازم تحمل
از خمار خواب غفلت بخت بد فرجام را

جذبهٔ عشق اندر افزاید نور التعات
تا کشاکش در کشد آن نور نفس رام را

قرقف و صهبا نمایم با سترت و نوشجان
مدعی سازم بکام چرخ نیلی فام را

قصیده

میکند ایام هجرانرا تلافی با وصال | قسمتم سازد صفای لذت مادام را
خود بقید من نماید خود سپارد در لحد | خود بود مونس من تعیین کند سلام را
مدفنم در کوی او باشد نیایم بر وطن | تا نه بینم بعد وصلش خلق کالانعام را
غافل از من نبود اندر برزخ و در حشرگاه | از وجودم دفع سازد مطلقا آلام را
از غبار آستانش گاه گاه آرد نسیم | بر سر لوح مزارم خواهم این انعام را
کشته با عشقت سرشتم یاد فیناباغری | با وصالت شاد کن من بی‌نشان نام را
فریاد از عشق هستی سرفراز نشاتین | یار اگر باقیست هرگز غم مخور ایام را

ایضا قصیده در مدح مولای متقیان امیر مؤمنان ؑ

ساقیا می ده بنوشم نشاهٔ جان آورم | مستی بر جان کند از رم ذوق جانان آورم
شور عشق آورم سرور آرم با امید وصال کی | درد بیدرمان خود را بلکه درمان آورم
وصل آن معشوق خواهم از نگاه لطف وی | گوهر مقصود را بر دستم آسان آورم
وصل آن معشوق خواهم کلمهٔ لعل لبش | مرده را احیا کند بر جسم خود جان آورم
قالب پر روح مخصم از دم عیسی نفس | روح نو یابم شمیم روح ریحان آورم
تا نخواهم زر باکسیر نظر سازد طلا | در حضورش لؤلؤ چون در غلطان آورم
از همان می ده بنوشم با کمال ذوق و شوق | طوطی منطق بصحن شکرستان آورم
من خودم مشاطهٔ نظم بیارایم سخن | از سبای دل چو بلقیس سلیمان آورم

در مدح امیر

قلب خاقانی شکافم با سر نوک قلم | گر بخط کلک مشکین نام خاقان آورم
انوری را افکنم در ظلمت چاه عمیق | هم نظامی را که از ظلمت پریشان آورم
دست من بالای دست شاعران اندر هنر | جمله را در مکتبم طفل دبستان آورم
افکنم در ظلمت و در بند ایشان را به بند | بر تماشای کلام گوهرافشان آورم
گر نباشد فتح با فردوسی شهنامه گو | در میان عدل با انصاف میزان آورم
او زکیکاوس گوید من ز ختم انبیا | او ز ریحان آورد من نور ایمان آورم
وصف رستم او کند من وصف شاه لافتی | او تهمتن آورد من شاه مردان آورم
او نهد بر فرق رستم تا کلاه زرفشان | من بیک عمامه صد آیات قرآن آورم
رخش رستم او کشد بر عرصهٔ آوردگاه | با جلال و جاه من دلدل به میدان آورم
او بیارد رزم پور زال با دیو سفید | من بقتل عمرو عنتر تیغ بران آورم
وصف او از گاو سر گرز است من ز ذوالفقار | شاهدم لاسیف از خلاق دیان آورم
او کند تعداد مقتولان ضرب پور زال | من جو اشرار ابوجه سهل آسان آورم
کشتهٔ مقتول ضرب ذوالفقار مرتضا | صد هزاران قعر نیران آورم
کره رخش او بیارد من ز ذوالجناح | او بیارد زال من شاه شهیدان آورم
او زند از هفت لشکر هرزه لاف و گزاف | با تن صد پاره یکتای عطشان آورم
از پی قتل سیاوش او کند افسوس حیف | من بهی و اکبر از قلب سوزان آورم
او ز جیحون میزند دم من ایم از آب فرات | آه من از یوم عاشورا چه طوفان آورم

قصیده

عالمی را ریزه خوار خوان احسانش
تاجداری که دم شمشیر برق آسای وی
در مهابت در صلابت در مقام کبر و داد
در بیابان و بیشه تا کنام از سطوتش
در کفش روز شرار برق آب تیغ
گر زند سر پنجه قدرت با آب منعقد
قابض الارواح شاطر در عنانش روز جنگ
در رکاب این شهنشاه جلالت آئین
در مقام رحم بین لحاجین آتش چون بهشت
که کنی دریای نورش صف و چو دریا نوی
بر فراز تخت طاوسی وجودش زیورا بست
ناصر دین محمد نایب فتحعلی
چند در عهد وی با هم چرا کرک و میش
خلد الله له الملک الی یوم القیام
قمری گلزار مدحم با سمند طبع پیر

صد غلام رستم آسا پیش سلطان آورم
گردن افراز آن عالم به اهریمنان آورم
شیر صولت بر سطوت عین طوفان آورم
بیل در برو شیر را چو بید لرزان آورم
بر دل خصم از شرارش نار سوزان آورم
روز هیجا فرق اعدا مشعل باران آورم
گر بعزم رزم فوق سرخ گران آورم
صد نفر سهراب صولت شیر غران آورم
در زبان قهر مژگانش چو پیکان آورم
در تطلع نظم طلعتش مهر درخشان آورم
شاهد تصدیق این از کون مکان آورم
در کفش مفتاح نصرت ظل سبحان آورم
دوست و دشمن در مدارج یکسان آورم
دست حاجت بهر این مقصد به یزدان آورم
در بیابان فصاحت طرفه جولان آورم

قصیدهٔ فارسیه در مدح مولای متقیان امیر مؤمنان ع

قصیده

رخ اصفرم ورکلشن نکایان باشاه وشن — جهان اجماع وش روشن شوابق ازجهانها
زهر جوزرزده سیمین دمادم دهیله تلوتن — بسان خوشه پروین فروغ نرکس شهلا
رخ سطوتس ازغازه بحسن فزوده اندازه — بباغ افکنده آوازه سرود سارح وسلوا
هزاره درعضن خوشخوان بصد زنکوله الحان — طراز ساحت بسازن فردوس برین اعلا
ضیا وذوق برک کل بناهای صورت سنبل — نوای نغمهٔ بلبل نماید مرده را احیا
نهال آورده بیرک برکشیده قامت عرعر — روان چون چشمه کوثر دهاب وفرغر وارغا
دازمد ودر دور کلشن تلمع مشل بهرمن — نوازن ولاله ازشاخ خرامد طاوس زیبا
زده اورس کلن مالطر خون شده عجاب — ریاح نکهتن بجا چو عطر جنت لما
فضا خرم هوا الکش مطر باشد کلکک دوشن — نبات زاغ حوراوش نمایان چو تب عنا
عروس پرده مستانه بسبز وبهیم وشاهانه — بتازه شهب اوش غمام ازقبهٔ علیا
طیشش اندر نثار طش بعطر کل صبا رطش — بتازه شهب وارش غمام ازقبهٔ علیا
کلستانجهان زینان سراسر رخ رخشان — بسان عارض غلمان شکفته رنک زنکها
علی الله ماشاء الله اوحسن اتیه وتعالی الله — مثال باغ جنت سبز وخرم ساحت دنیا
مزین جنت ساتبور بصد آرایش وزیور — بعشق حیدر وصفدر علی ووالی والا
چه حیدر مظهر قدرت وجودش مایهٔ فطرت — بکل باسو حجت سراج ملت بیضا
ثبات ممکنات ازوی حیات ونجات ازوی — مدد ازوی نجات ازوی بادم علم الاسما
قضا درتحت فرمانش قدر کوی رهوکانش — قرقندیل ایوانش سقف طارم مینا

[illegible] گلشن [illegible]

مظهر گلشن جلال علیست

مطلع نور لایزال علیست

جامه سندسش به بر ضنبق	فرح انگیز و عطر بار آید
با لباس ملمع مشکین	سوسن از پرده بر کنار آید
سنبل تر بصورت شفاف	در لطافت چو زلف یار آید
بر عذار چمن بنفشه زخاک	چون خط یار گلعذار آید
ضیمران و قرنفل و ریحان	بهجت افزا بسبزه زار آید
گل نیلوفری بحسن و جمال	در نقش جام خوشگوار آید
بگلستان زهاتف غیبی	این ندا گشته آشکار آید

مظهر گلشن جلال علیست
مطلع نور لایزال علیست

ساقیا نشأه شراب رسید	بدلم شوق لعل ناب رسید
می و مینا بیار و باده بیار	بالعجاله دم شتاب رسید
ساغرم را بجز زقرص قمر	دوره دور آفتاب رسید
مژده وصل یار میاید	خیز هنگام فتح باب رسید
جام صهبا ز من دریغ مدار	حد و دو قدم سر نصاب رسید
طبع پیرم دوباره گشت جوان	عهد هنگامه شباب رسید
خردم و اشتیاق آب طرب	بر دلم بسکه اضطراب رسید
در میخانه بسته شد آیا	یا به می آیه حجاب رسید

ساقیا باده [illegible]

[illegible]

در مدح امیر المؤمنین

[illegible]

مظهر گلشن جلال علیست

مطلع نور لایزال علیست

وقف

وقت شد در مقام باز آیم	لب گشایم بکشف راز آیم
دور کامل زنم بدوره چرخ	گه نشیب و گهی فراز آیم
در شهوار نظم در منقار	از هوا شل شاهباز آیم
که کنم سیر عالم ملکوت	با مقامات دلنواز آیم
بگذرم از عراق و شوشتر و شور	از ره بابل و حجاز آیم
رحقیقت کنم معان و بیان	نه که از شیوهٔ مجاز آیم
بر کشایم ز عالم لاهوت	با گل و گلشن مغاز آیم
آدهم شعر را دهم جولان	در کعبهٔ نیاز آیم
بشکنم کردن معاند را	بادم تیغ جانگداز آیم
شده رطب اللسان دم مستی	با چنین لهجه نغمه ساز آیم

مظهر گلشن جلال علیست
مظهر نور لایزال علیست

وصف شاهی کنم که عالم ازاوست	خلقت جن و انس و آدم ازاوست
سابق از جمیع موجودات	جز بذات خدا مقدم ازاوست
هر داود سلطنت از وی	بر سلیمان نگین خاتم ازاوست

داده احیا بموت بر عیسی
قادر و حی و لامکان دم ازاوست

مظهر گلشن جلال علیست
مطلع نور لایزال علیست

تاجدار یکه عرش مسکنش است

قصیده

خاک عنبر سرشت خاک غزی · تربت عطر بار مدفنش است
آنکه مفتاح جنت و رضوان · در کف اختیار جنتش است

مظهر گلشن جلال علیست
مطلع نور لایزال علیست

آنکه ابرار تشنهٔ جامش · خلق محتاج بذل و انعامش
خالق ذو الجلال در قرآن · کرده اوصاف جود و اطعامش
اختران فلک طواف کنان · گشته پیوسته زایر بامش
خلق محکوم انبیا مأمور · بهر تعظیم بهر اکرامش
نه فلک صندل جلالت او · عرش و کرسی و تخت اقدامش
داغ لاله گون ز خون عدو · سیف برنده دم آشامش
گاو و ماهی ز هول در تو و ناف · از تجلای برق صمصامش
اسد الله بلکه سیف الله · خوانده رب علیم و علامش
بهر اسلام گشته فتح الباب · از سرانگشت پاک ابهامش
امر دنیا و عالم عقبی · منحصر جمله بر سر انجامش
این چنین تاجدار عالم را · گر بخواهی بگو میت نامش

مظهر گلشن جلال علیست
مطلع نور لایزال علیست

در مدح امیر

پادشاهی که عدل جامهٔ اوست
انتظام امور ملت و دین

مظهر گلشن جلال علیست
مطلع نور لایزال علیست

مظهر گلشن جلال علیست

مطلع نور لایزال علیست

[illegible]

عطر باغ جنان تعالی الله

می و مشکین ختام قصر بهشت

اختصاص کلام کرمنا

گردش آسمان سکون زمین

عرش و کرسی قوام چرخ فلک

انبیا زایران بارگاهش

آنکه در دار کون فیکون

نکهت عنبرین شمامهٔ اوست

ختم با خاتم ختامهٔ اوست

بر بهی از کرامهٔ اوست

دور دوران ز دور زمانهٔ او

قایم از دولت قیامهٔ اوست

طایران فلک حمامهٔ اوست

آشکار و نهان علامهٔ اوست

مظهر گلشن جلال علیست

مطلع نور لایزال علیست

سرور حق برا و ثنا گوید

خالق ذو الجلال در شأنش

زمرهٔ حاملان عرش عظیم

اهل انجیل شنطیا خوانند

قل کفی در جلالتش کافی

که کند بروی آفتاب سلام

شهر علم است احمد مختار

در وزارت مقام هارون

مصطفی شاه اولیا گوید

بهر توصیف هل اتی گوید

مدح لا سیف لا فتی گوید

اهل توراة ایلیا گوید

انما وصفش از عطا گوید

گاه جبریل ملک دعا گوید

یا علی انت بابها گوید

بهر او ختم انبیا گوید

قصیده

[illegible]

مظهر گلشن جلال علیست

مطلع نور لایزال علیست

قصیده در مدح حضرت امیر المؤمنین

الا ای دوستان از عالم انوار میآیم
ز بزم ذوق دولتخانهٔ دلدار میآیم

بسان بلبل شوریده از گلزار میآیم
بکف جام لبالب از حق گلبار میآیم

به بزم بهجت افزای اولوا الابصار میآیم

گهی در عالم ناسوت که لاهوت بنمودم
ره عشاق بگزیدم طریق عشق پیمودم

گشاده همت چو در میخانه بگشودم
بحمد الله و المنه میسر گشت مقصودم

نموده کسب فیض دولت دیدار میآیم

بسی با ساقیان می در آن میخانه کوشیدم
طلاطم کرده چون دریای عمان بر خروشیدم

قلندروار گردیدم لباس عشق پوشیدم
خروشیدم بکوشیدم بکوشیدم بنوشیدم

شده سرگرم با غوغای عشق یار میآیم

گرفتم از کف پیر مغان یک ساغر صهبا
در آن ساغر بدیدم عکس دنیا کل ما فیها

بنوشیدم ز احوالم جهان آگه شدم گویا
بنطقم مرده صدساله هر دم میشود احیا

مسیحای زمانم از قرار دار میآیم

از آن می نوش کردم خوردادم عبد مولا شد
صفایش صفوة الله وز تأثیرش تولا شد

شفای علت باطن دوای درد دلها شد
هر آنکس جرعهٔ نوشیده مدهوش تجلا شد

نه مدهوشم نه بیهوشم بسی هوشیار میآیم

چه لوای لواج بیکیر در سنور خسرو خاور عدیم المثل و دون المثل لا جرم ابن جواهر	شده مکنون کنز تخت عرش داور بکل یا بود اشرفیت فوق بالاتر

به بزم اهل عرفان با این اشعار بیایم

چه اشعار از مضامینش عیان مدح یداللهی متحیر میکند یکجلوه اش از ماه تا ماهی	مدد نقطه اش گنجینه اسرار آگاهی نهادم پای همت بر سر برسند شاهی

بمصر منقبت چون یوسف بازار بیایم

زنم دم از شهنشاهی ز باقی جز او صافش زاو صافش کنم انشا و یا از رحم و انصافش	سراسر خلق عالم شو قمند لطف و الطافش بحر و دعشر مدحش گر کنند از قاف تا قافش

بوصف صولت آن حیدر کرار بیایم

چه حیدر در جلالت بر حریم کبریا محرم کنند از جنبش تیغش تحجر و برشته تم	اگر خواهد کند عالم بیازو ویش نیارد خم پلنگان بیم و پیلان خوف ببر از جوهر اش رم

به نعت آنچنین شاهنشه ابرار بیایم

تعالی الله چه شاه انشانهایم و صف احمد کهی در جهد کاهی در غزاکه در صف شکن	امیر المومنین مولای قنبر ساقی کوثر در او از در کند خیبر کشد عنتر ببر د سر

بمدحش ناطقم با نطق گوهر بار بیایم

چه گویم وصف آن شاهی سراج دین و دین پرور دم هیجا اگر تا بد شرار تیغ بر دشمن	تجلی خانه عینی ز قلب او نورش روشن شکافد فرق همچون خود و غرق جسم و تن

قصیده

چه گویم وصف آن مولا که عالم بنده فرمانش
نباشد عرش و کرسی در جلالت هیچ ایوانش
ملایک پاسبان [illegible]
[illegible]

[illegible]

نذارد شک هرکز بر سر نکرار بیائیم

چه جرات ایها القمری بدین بلند پروازی	نمائی در گلستان جلالش کلشن آرائی
کنی کر تیر پروازی هزاران بال بکشائی	نکردد بند منقارت بکنج قصر والائی

بعجز خود کنم اقرار میبائیم

قصیده فارسیه در مدح حضرت قائم عجل الله فرجه

سحر که خسرو زرین قباز پرده خضرا	علم افراشت بر کردون ز جرم اطلس سفیدا
درفش سر عظیم کشاده بر هوا چشم	چه از اشهب چه ازادهم جنود جیش بار جا
ز در اتش جهان روشن شاهش نشین جوشن	رخش کلشن کفش دریا هوای شوکتش بر پا
چه خیل در و چه فوج و صف هاز سندس لطف	ز زر و سیم دسان در کف مصمم کشته بر یغما
برک جلباب آتش سان ز بیرا کهر زیران	چه بر کیوان چه بر کیهان ز نشر نور لولالا
نمود از برج خاور سر طمع پیراهن در بر	عیان کوهر نهان اختر نبات سیم در سیما
غنق از دامن کرد و فکنده کسوت اکنون	چه از هامون چه از آمون کریزان اشکر او دا
به تعظیمش خشم اندر خم جنود آسمان هردم	رضیت جور باشش رم نموده ظلمت یلدا
بذوق جلوه طلعت ز دوده دوده ظلمت	فروزان کشته با شوکت بیاض بیضه بیضا
زبس فر ات کونا کون نموده اشراق بر کون	بسان نقش انکلیون نقش صخره صما
صبا در جلوه چون اشهب حمل آستین از عقرب	چنان شوخ شیرین لب بچمانش در بر جوزا

حضرت قائم

قصیده

ز نقل بست و مستانه شده ساقی میخانه | چه دیوانه چه فرزانه ببخشش واله و شیدا
هزاره میزند زان خرامان کبک در گلشن | گلستان بر نشاط جشن چو قصر جنت المأوی
تذرو از نغمهٔ ارغنون نموده کبک را منقاد | صنوبر با قد موزون چمان اندر لب ارغا
فروزان جعفر مه‌رویان کواکب وار در بستان | شده بازار سرمستان پر از جام و می صهبا
لب لعلاب از فرفکیده شربت کوثر | کشیده سرو او در بر هزار افشان بصد [illegible]
زمان او رود و بستان فروغ گل چنان رخشان | که قایم غایب و پنهان چو آب خضر در ظلما
چه قایم حجت خاتم قوام زینت عالم | امام غایب اکرم گزیده عزلت از دنیا
سمند نه فلک رخشش ملک محتاج الطافش | سمی جد خود نامش لقب مهدی نسب والا
صفا گلستان از روی ضیا بوستان از روی | ولای دوستان از روی چه در صغرا چه در کبرا
صفاتش آیهٔ حجت نجاتش ناجی ملت | حیاتش خلعت خلقت ولایش قوت تنها
وجود او وجود حق سجود او سجود حق | عطای فضل و جود حق از آن ظاهر از آن پیدا
فروزان خور ز نور او عوالم پر ز شور او | رواق چرخ طور او چه در ظاهر چه در خفا
جنود چرخ دربانش رواق عرش ایوانش | ملایک بندهٔ فرمانش بحکم خالق یکتا
قمر چتر لوای او خور از جزو صفای او | توجه کیمیای او چه بر عنبر چه بر خارا
بهر منزل که میپوید اگر خواهد طلا روید | چه لازم در بیان گوید خدا فرمود لطلقا
زمین خوان بساط او جهان بزم نشاط او | کروبین عطاطا او بدور درگهش پویا
قضا مست زلال وی قدر محو جلال او | پر از شوق وصال وی نفوس کل ما فیها

به تن روح روانستی حیات جاودانستی	جهانستی جنانستی جمالت جنة المأوی

بنظمت فرّیاسن چه خوش نظمت مستحسن
تبارزاند رهنر توسن کلامت فوق هر انشا

الحمد لله رب العالمین چون در تاریخ هزار و سیصد جناب واهب العطایا بنده ذره بی‌مقدار سعادت بلا منتها عطا و مرحمت فرموده قسمت زیارت امام ثامن جناب امام رضا علیه و علی آبائه الاف التحیة والثنا فرموده در ورود شهر خراسان بعون الملک المنان دوازده قصیده که باشد شش ترکیه و شش قصیده فارسیه در مدح آن مولای عالیشان انشا گردید در هر یوی یک قصیده همشیره‌زادهٔ ارجمند محمد صالح در صحن مبارک آن امام والامقام در حالت کثرت و ازدحام رو بروضه مطهره بصوت جلی و با تمکین و وقار خوانده صدای آفرین از لسان سامعین بذروهٔ طاق عرش برین رسیده بعد از آن با ادب و احترام آستان بوسی فرزند خیر الانام داخل روضهٔ انور رسیدیم و زیارت آن بزرگوار میکردیم خداوند عالم زیارت جمیع زائرین را بدرجه قبول رسانیده و جمیع آرزومندان قسمت و کرامت فرماید بحق محمد و آله الاطهار الابرار

قصیدهٔ اول از قصاید فارسیه در مدح جناب امام رضا

ای آنکه در سپهر ولا مهر انوری	در محفل جلال سراج منوری

امام رضا علیه السلام

قصیده

مولای شیعیان و امام الموحدین — در صلب پاک حضرت موسی بن جعفری

یا حبذا فروغ ز گلدسته طلا — افکنده ضوء نور بهر شهر و کشوری

هر قدر وصف گویمت با بسط مطلعی — حیران بمانم از همه اوصاف برتری

تو را با اوج عرش معلا گرفته — هم با وجود اینکه بقبر مطهری

شهباز عالم ملکوتی به بزم قدس — هم در حرم سرای ضریح معطری

ای ارض طوس بر شرف خاک افزون — خوش عطر تربتی و یا مشک اذفری

بر عارضت مدام چکد رشحه رشحه نور — زانو چو عنبر سارا معنبری

بر در بحر شاه نجف گشته صدف — در چشم کائنات عجب طرفه منظری

کل العیون سلسلهٔ انبیا توئی — برتا جدا ز کون و مکان چونکه برتری

شاهی که هست ترتیبش بال جبرئیل — بر جسم با زمین وی آغوش پروری

ای عنبرین تراب خوشا بر سعادتت — مدفون نعش زادهٔ مولای قنبری

محتاج و حشر شد به طفیلت شها ابا — رشک صفا و مکه و مینا و مشعری

در بر کشیده گوهر گنج لا مینام — صد مرحبا چه خرم فرخنده اختری

جاروب محفلت شد گیسوی حور عین — وز منزلت ز روضهٔ رضوان فزونتری

بر شاهباز گلشن قدس آستانه — وه وه چه خوش مکان و چه پاکیزه مجمری

سطح زمین بگرده جلالت کجا رسد — حقا که بر عوالم علویه مفخری

خاک اگر چه ذره ات اکسیر مغفرت — نایاب در زمانه چو کبریت احمری

قصیده در مدح جناب امام رضا

امام رضا

انکه در تخت جلالت سرور والا توئی
بر گروه شیعه اثنی عشر مولا توئی
انکه در عشق توئی نیران و جنت را قسیم
صاحب خلق عظیم است باله الکریم
انکه در هنگام محشر شافع عصیان توئی
دون خالق فوق مخلوقات کل سوا
در جهان بحر طفیلت گشت موجد انبیا
اوج قصر رفعت از طاق کیوان برتر است
هفت هزار و هفت هشتاد حج اکبر است
شمع کاخ رفعتی پیرایه بزم ولا
از قصور جنت است اعلاتر ایوان اعلا
انکه اندر آستانت حور با جاروب کش
بر قبابت سر نهد شاهان عالم بنده وش
صد هزاران شکر فضل خدای لاینام
عرض دارم بر تراب درگهت اول سلام

در کلام منعقد مؤمنین اولی توئیست
دور عالم بر مدار دوره دوران تست
بر گروه است ناجی صراط مستقیم
معرض یوم الجزا میزان حق نیران تست
چون مکافات عمل موقوف بفرمان تست
عروة الوثقی ولی حق وصی مصطفی
حاصل جمعیت قالو بلا پیمان تست
یکطواف مرقدت فرمایش پیغمبر است
بر جلالت جان فدا عالم همه قربان تست
ضو نورت داده خورشید و خاور را جلا
شمس طارم یک چراغ گوشه ایوان تست
نور میبارد بصبحت از فلک تا بندش
جمکی محتاج خوبان حور به پایان
از وصال خاکپایت شد حاصل مرام
چشمم اندر آستان رحمت بنیان تست

علت غائی کل ممکنات سر بسر
از فروغ عکس نورت مقتبس شمس و قمر

رسیده بمقامی که نهج قرب رباش
فروغ عالم امکان ز انجلای قباش
رسیده بمقامی که طور وادی سینا
مدام دارد ازین بقعه اشتیاق و تمنا
رسیده بمقامی که طهر است تربتش
بسان مهر درخشنده از مطلع جنبش
رسیده بمقامی که رکن شرع حصارش
مدام نور بباید ز چرخ بهر نثارش
شها توئی که جهان آفتاب چرخ فتوت
ببرق نور تجلا شود قیام قیامت
تو المنتهی ز تو موجد بنای خلقت هستی
نبود سمت اگر شیشه فلک بشکستی
سراج بزم جلال خدای حی غفوری
سراج پست جهان ظلمت غمت نوری
بچهره مقتبسی نور پاک ذات خدا را
ولی معاینه حی غنیمت صفات خدا را
درش قطرات ترشحات کمالش

چو مشک اذفر کلزار جنت است ترابش
تجلیات ضیایش نموده رنگ زدایی
چه مرده وچه صفا چه اوج خرکه سینا
در آرزوی شرفیابی و طواف نمایی
همی بچشم بمالند حوریان بهشتش
عذار چرخ منور قمر گرفته ضیایی
که انبیا شده کحل العیون ز گرد غبارش
بفوق گنبد زرین و بارگاه طلایی
هزاره چمن آرای گلستان نبوت
ز آفتاب جمال است اگر نقاب گشایی
ز محفل شرفت نه فلک نشیمن پستی
بسان عرش بنای ستون ارض و سمایی
ضیا مشعله افروز نخل وادی طور
چو خضر تشنه لبم در طلب تو آب بقایی
سراج نهج هدایی تو ممکنات خدا را
اگر غلط نکنم گفتمی ترا که خدایی
بنباش روضات مبرقات جمالت

در مدح

شهنشها که ثنای خوان وی است خدا چه گویم
فروغ محفل ایوان کبریاست چه گویم

طفیل مقدم او کل ماسواست چه گویم
بممکنات وجود وی است قبله نمائی

هزار بار سلام ای ستون عرش الهی
بروح انور و پاکت درود نامتناهی

اگر ز گوشه چشمت کنی بلطف نگاهی
بحالت من مسکین شفقت است و عطائی

هزار رنج بغدایت ایا غریب خراسان
دلم ز آتش محنت کباب قلب هراسان

تمام مشکل خلق جهان بدست تو آسان
مددم ای شه مشکل گشا ز تست دوائی

غمین مباش دلا از وفور جرم و گناهت
دیار کثرت غم یار روزگار سیاهت

با نشان مطهر بمال روی سیاهت
گذشت غصه چو در مشهد امام رضائی

شها جهان همگی قالبند و جسم تو روحی
بحل غرق بحار گنه سفینه نوحی

بحل مشکل هر مستمند باب فتوحی
امیدگاه ضعیفان معاون غربائی

غریب و بیکس و زارم قسم بجد کبارت
بصد امید خودم را فکنده‌ام بحصارت

هزار جان من بینوای فدای مزارت
بغیر خاک درت غیر ممکن است رجائی

نظام نظم تو قمری نه کاملست قصوری
شود قبول سلیمان هدیه از کف موری

بگو ز مدح شهنشاه دین بفیض حضوری
اگرچه خاک در آستانه شعرائی

قصیده چهارم از قصاید فارسیه در مدح امام رضا علیه السلام

ایا سلطان دین بر درگهت مسرور دربانیم
ز جام عشق سرمستیم عجب مخمور ربانیم

امام رضا

باکسیر تولا بلکه سازم نفس را احیا	شوم اندر حضور یار خویشم ناطق و گویا

نمایم کسب فیض معرفت مقدور می‌آیم

چه گویم وصف الیسر و ریاض گلشن طه اهام اکسیر با طاوس باغ رفعت طوبی	هر روز خوشتر خرامم دوخته سلطان ما او حی ضیاء سوره و الشمس مشکات دو اقربی

بذکر سورهٔ مشهور و طور می‌آیم

فدا بر توتیای آستانت آیهٔ عالم تولا در دلم محکم تبرا نیز مستحکم	شده کحل العیون مشعر ذریهٔ آدم فکنده بر کمندت خویش را هرگز ندارم غم

با عداوت عدو از دشمنانت دور می‌آیم

تو در گلستانت خفته روانه ایمان نسیم حق به کلاه ولی دار کون فکان مستی نعیم حق	عیان در بارگاه آسمان جاهت شمیم حق ولی حق وصی حق صراط مستقیم حق

نه افراطم نه تفریطم ز بهتان عور می‌آیم

تو شاهی ثنا خوانت ترا روح الامین گویم تعالی شانه خلاق رب العالمین گوید	ملایک از فراط قبهٔ عرش برین گوید چه یار او چه قدرت مثل من مکین گوید

بوصف مدحت ای مداحی معذور می‌آیم

تو شاهی گواهی مید هد حشمت قرآن کفایت مینماید سورهٔ یس و الرحمن	ز انعام و عطایت اهل اتی گوید علی الانسان بجن و انس معروض یوم الجزا میزان

تعالی الله بحضرت امنا محصور می‌آیم

ونثار ای که خل اینا محتاج احسان
صفوف زمرهٔ قدوسیان قدام در بارت
عشق ازان دم سما هزاران جا فزاید
شوند هزاران
چه گویم عمر از این بیم ثنا خوانت
و بس صدق قوله و ضح و مشهور مساکم
تمنا سودای عشقت رسم الخط نور آرد
فرح فیض انجلی بخشد مذاق جان سم و ادای
صفا سازد عطا چشم انجم ضو دهد نور آرد
شراب ناب عزت ثنا را ما ظهور آرد
بعد او صفات باطن ما مور می‌آیم

قصیده

غلام او کسما هم ابو بغد حق سبحانه
الکرم غرق گناهم هست در حب تو نقصانه
بدو معصیت عواهم از این درگاه دورانه

...

قصیده بمدح امام رضا علیه السلام

بهر طفیل مقدم پاک مطهرت ایجاد ممکنات و وجود مکونات

ای سروری که شمس و قمر عکس نور تو صد چون کلیم واله و مدهوش طور تو

گویم ثنای حمد خداوند در حضور شاید کنی بگوشهٔ چشم خود التفات

ای ماجدا ز عرصهٔ روز جزا رضا مدحت بقلب مژدهٔ بهجت فزا رضا

باشی اگر به تحفهٔ نظم رضا رضا فرقم رسید بعرش برین انفخارات

ای گوهر یگانهٔ دریای کبریا افزوده از فروغ تو در کن فکان رضا

از مقدمت مدام بگیرند توتیا کلا مقربین سماوات و ناشطات

ای سروری که عرش ترا بهترین مقام عالم بخاک پای تو مشتاق تشنه کام

باشد سرای دار جهان لیلة الظلام گر جلوه گر از رخت ننماید لمعات

ای سروری که نور تو میبود جلوه گر با بین ماء و طین نهان بود بوالبشر

ایجاد را نبودی اگر منشاء اثر کی میشدی جبلت با روا امهات

مظهر صفات کمال الله غیر از تو در فنا و بقا کیست پادشاه

قرآن منزلت جلال ترا گواه بر مدح تست مشتمل آیات بینات

ای سروری که جملهٔ اشراف انبیاء آورده در بلیه به نور تو التجا

سر چشمهٔ معادن تو معدن هر جا موقوف یک نظارهٔ تو حل مشکلات

عالم تمام جسم و بر آن جسمها تو روح بابت جمیع خلق جهان زاد فتوح

زان گشته ملقب فلک النجاة نوح بر خاطر شفاعت نور تو شد نجات

امام رضا

در دام سحاب زاده شر رسید هد شکست
از آدوه افلاک فلک ز رسید
باصد مه فضا دو قد رسید هد شکست
ار واح قصه عاشق بهجران کشته
او نیز جز از آنها ز بس غیر رسید هد شکست
بخنده هم ذوق قرانی قنبار عشق
از اوج چرخ با کلاه رسید هد شکست
ایوان طلا رواق طلا ارزنت طلا
بر آفتاب چرخ از رسید هد شکست
ابرش خود عنایت لعل و لعل
از اعتلا ز لعل و لعل رسید هد شکست
بر نور جلال
در فضای صفوت جنت بها نظر
هر بلی که در چمن عشق ز آنش نم
در حشر امان نداده رسید هد شکست
در فتنه گشته غزال غزال با کشور طبع
صبا شعر ادا هم رسید هد شکست

ای عارضت بعرض قمر می دهد شکست
ذوق حلاوت لب گوهر فشان تو
روح شمیم گره زلف گیرت ای نگار
یکجلوه در تقطیع خسارت از فروغ
خالت یا که نقطهٔ مشکین و الضحی
ابروست یا که قبلهٔ دل یا هلال تو
با خنده اگر دردندان کنی عیان
نی نی بخنده کر بنمائی هستی
پیکان ناوک مژه ات از پی شکار
داری لطافتی که تماشای حسن تو
چشمت بغمزه میبرد از دل قرار و هوش
خاکی که آفتاب جمالت بتابدش
هر منزلی که سرو قدت سایه فکند
آثار عطر رهگذرت از و خور شمیم
هر کس که جام عشق ترا کرد نوش جان
بن عاشق وصال توام غایب از نظر
برق تجلیات دو گلدسته طلا

دی کاکلت بسنبل تر میدهد شکست
با خنده شهد شکر میدهد شکست
بر نکهت نسیم سحر میدهد شکست
بر انجلای نور بصر میدهد شکست
نوحش بکعبهٔ خود حجر میدهد شکست
طرحش بغدو انقعار دو سر میدهد شکست
از انجلا بگنج درر میدهد شکست
در صحن گلستان بزهر میدهد شکست
بر قلب صد هزار نفر میدهد شکست
بر مهر و ماه و حجله بشر میدهد شکست
غلمان عذار از انظر میدهد شکست
بر سندس و حریر و خبر میدهد شکست
خاکش بهر مکان و مقر میدهد شکست
بر هر مقام و راهگذر میدهد شکست
بر عاشقان تشنه جگر میدهد شکست
هجران بذوق وصل فکر میدهد شکست
در انجلا بخانه زر میدهد شکست

در مدح

رباعی اول

از نور جمال [illegible] انوار
انجمن افلاک بیان [illegible] دیده
[illegible] حقیقت [illegible] از نور بیدار

رباعی دوم

[illegible] ساحت [illegible] سعد و [illegible]
[illegible] افلاک و [illegible] [illegible] جلیل
[illegible] اتقان [illegible] [illegible] ارباب
از عشق [illegible] به [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] آسمان

رباعی [illegible]

در خانهٔ کعبه چونکه مولود علیست	بر عالمیان که مقصود علیست
کر رخنه با بیان نزدی میگفتم	از سجده بسوی کعبه مسجود علیست

رباعی پنجم

آرایش دارکن سرانجام علیست	عالم همه سرمست می جام علیست
سرمایهٔ سربلندی هردو جهان	از نام علی نام علی نام علیست

رباعی ششم

از کنوز وحدت آگاه علیست	سرچشمهٔ معفرت زورکاه علیست
بافوق جمیع خلق دادن آنخالق	الله نخوانمش جز الله علیست

رباعی هفتم

برکون ومکان باعث ایجاد علیست	سرچشمهٔ علم وعین وارشاد علیست
مستغرق دریای گناهند جهان	کشتی نجات علی واولاد علیست

رباعی هشتم

محرم بحر سر لایزال بیت علیست	آئینهٔ ذات ذوالجلال است علیست
مطلب حدیث لی مع الله ثابت	در محضر قرب واتصالست علیست

رباعی نهم

پیرایهٔ بزم شاه لولاک علیست	لولاک لما خلقت الافلاک علیست
معبود که لاتدرکه الابصار است	بر اهل دل آئینهٔ ادراک علیست

امیرالمؤمنین

قصائد ترجیع بند

عشق دریاسنده غواص هم ایدی دوغریسی
تورخورام دریادلم دریا مرام جم غوطه ور
آلی آیدور عشق درسین اوقشام آشنادون
حسن پرنور تجلادور جمال یاردن
حسن ایچون پیغمبر مرسلدر عشق ای بی‌خبر
خلقت انسان ایچون فی احسن تقویم باخ
حسن سز پیغمبره ایمان گتورمیشم کافرم
حسن اگر وقتده مستحسن دکل دوزخ ایچون
عالم ذراتده دوربند و دونوب گوکلوم
مست میناسی الستم جام عشق یار ایلین
میل خواب ایتمز گوزیم یا می خماری ایتمز یمینی
طاق ابرو میچاجبین یا قلیمه دور منسیم
گراولام عشقون شهیدی رو سعیدم رو سعید
گونده یوز اولدورده جانانه قانم دور روا احلال
شهد گفتار لب لعل یاری گرنوش ایتمشیم
بسکه آزاوتوب موری خطه یاره سلیم شوقدن
کاکل عنبر سرشت یار تارین ورمشم

ایلرم اول بحردن چوخ دور پیدا دوغریسی
یوخدر باکیم گرمنی غرق ایتسه دریا دوغریسی
وار کتاب خنده چوخ بخششی بیغنا دوغریسی
خوشدر ومد هوش ایتسه دل نور تجلا دوغریسی
مشتریدر حسنه هر اعلا اودنی دوغریسی
حسن ایچون هم آیه قرآنده گویا دوغریسی
گر منه عالم دیه کبر و نصارا دوغریسی
ماه سیماده چپیل سیرا دوغریسی
اشیار زلف حدلرده ماواده دوغریسی
مطلقا چخمازباشدن ذوق صهبا دوغریسی
قبله‌گاهم گراولوبدر چشم شهلا دوغریسی
قلبیمدن دوستم یوزوم دونوب خانه سینا دوغریسی
بخشدور الحق تبرادن نولا دوغریسی
گوشه چشمیله باخسا ایلر احیا دوغریسی
شربت کوثر منه اولماز گوارا دوغریسی
سوریلن قبله‌ام ابرو طاق منا دوغریسی
ویرسه گر بن تشنه گیسوی حورا دوغریسی

[illegible]

الامان ساقی کثور پر باده با آب زلال
روح روح افزا این ویر قلبمه سرده صفا
قیل عطا آب فرحدن پر جام خوشکوار
ویراویمدن لکم کثورسو روح تازه تو تجان
رخ ظلمت کتدی طاوس جلالت آسی چدیر
ویراویمدن کیمم او مفتاح ابواب السرور
ویرمیدن باشمه سود الکوثرسو تازه دن
پر قدح دولدور و قرقفدن اولاشکن جام
ویراویمدن عطری اولسون مجی الاموات عشق
ویراویمدن شوری قیلسون عالمی دار السرور

تو کبا دوستون قلبی هنکام عشرتده ملال
ایلن پیر مغان مینای کلفامی حلال
دوره دور زدولاندی پایان اولدی ماه سال
شوقیلن صیاد طبعم صید ایده رعنا غزال
پرده دن کیم شاهد مقصود کوستردی جلال
کوستیرم اخبار شان و شوکت و جاه جلال
عالمیون تا کوشه میخانه ده بحر خسته حال
قبله العید صیامم اولدی نمایندور هلال
مخزن سینه ده مفتوح ایلیون درج لال
طوطی نطقم دیسون اردم اچون درج مقال

شاه دین آرا ولی الله اعظمدر علی
ملت دارا امام کل عالمدر علی

رحم قیل ساقی منه بر جام میدن قیل علاج
کلشن ایچره مهیا اولدی تخت زرنگار
نور باران اولدی کلشن شعاعات ژاله دن
عطر خنیفدن معطر دور مشام کاینات
کل صباحی الده دوتمش دو قیلن جام صبوح

شمس نورانی فقدن چخدی کندی لیل آج
غنچه زر ایوان کهنش سر بسر قرقفده تاج
یوز دیروب کلزار هنکام سرور و ابتهاج
پیچتاب زلف حوردن آلور سنبل خراج
وقت نوشانوشدور بازاری اولدی روا

قصاید

الامان ساقی [illegible]

[illegible]

بلبل

[illegible]

والی تخت ولایت ... اهل ... قرآن ... سورهٔ یس والقرآن ... خالق داور خطاب ... الحمد لله ... بسم الله الرحمن الرحیم ... آیات قرآن عظیم

قصاید

لیل ظلمت کچدی ظاهر اولدی نورانی سحر	شاهد مقصوددن آچ پرده رخ بی حجاب
مجلس عشرت قورولش صفحهٔ آفاقده	سمع جانه نیر هردم فلکدن گلدی جواب

شاه دین آرا ولی الله اعظمدر علی
ملت دارا امام کل عالمدر علی

کیمدر اولسون گلشن آرای ریاض ملک دین	عالم انوار بخشنده مرشد روح الامین
ملت اسلام ایچون آفاقده رکن وثیق	بعضی کفر و دین و ایمان آیته حبل المتین
نور بیونن هر ذره سی نور تجلی للجلیل	مطلع انوار قدرت منبع عین الیقین
باعث آرام طاق نه رواق آسمان	اسمی ساق عرشده پیرایهٔ حوران زمین
کیملردن ور سیله مولا فضای کونده	وصف اوصافیله الامال اولی اردهم زمین
کیمدر اولسون شوکت و جاه جلالتده گواه	اوچ یوز اون اوچ سوره آیات قرآن مبین
کیمدر اوصافنده عرش اوستن اوقونسون لافتی	خادمی جبرئیل اولا مداحی رب العالمین
جبههٔ پاک منیری قبلهٔ اهل صفا	نور رخسار جهانتابی بصر الناظرین
مدفن بهجت فزاسی گلشن دار السلام	آستان بارگاهی رشک فردوس برین
مظهر عین صفات الله شهر علمه باب	هذه جنات عدن فادخلوها خالدین
سرور دایهٔ آدم وصی مصطفی	زوج زهرا والد سبطین امیر المؤمنین

شاه دین آرا ولی الله اعظمدر علی
ملت دارا امام کل عالمدر علی

... فالله ... صاحب ... جلالت ...

شاه دین آرا ولی الله اعظمدر علی
ملت دارا امام کل عالمدر علی

کیمدر اعدا ... مصطفی ... دوست ... دوان

[illegible]

قصیدهٔ ترجیع بند [illegible] علیه السلام

[illegible]

ترجیع بند

دون خالق فوق مخلوقات وارکن فکان	گورسنن خلاق ومخلوق اولمافده اختلاف
ذرهٔ نور تجلای جمالی جبر خده	گوسترن قرص منیر آفتابه انکساف
حبنبه ماهتده عنصر تیدن سوا	گورستن مطلق صفات الله اعین اتصاف
کیمدر اولسون جنبده امولودبیت اللهده	والده سعودام طهری عین العفاف
کیمدر اولسون کیم جلوه دار جنابی جبرئیل	زوجهسی اینهٔ حور ایچون لیل الزفاف
کیمدر ایچون شاهد رخسار ملتدن نقاب	ابر ظلمتدن سپهر دینی قیلسون انکشاف
شمسه بینیر عین بصیرتمن ایدر هر نظر	عالم معناده وصفده ورگوررده انخلاف

شاهدین آراولی الله عظمدور علی
ملته دارا امام کل عالمدور علی

کیم باتوبدور رختخواب مصطفیده لیل تار	سد سلامی قلیج ضربیله قیلد استوار
سم نقل ولدلنده ذکر اولاد اعادیات	روز هیجاده شجاع صفدر دشمن شکار
بدرده احزاب وخندقده قضا رزمده	شعلهٔ شمشیر آتشبار برق پر شرار
سیف لاسیفی اولان ساعد افلاکه بلند	جان اعدایه قیامت اولدی شیون آشکار
حصنی جنگاه اعداده ایلین زیر وزبر	عرشده لاسیف اولدی خوشنون نشانه بدار
دست بازوی ید اللهده استحکام نبرد	قهر وقوت ده مجسم قدر پروردگار
شاهدیدور باب خیبر بر گواه جبرئیل	شهپرین فرش ایتدی مرحبدن کچیندن ذو الفقار
دوتماسا بازوسین سرفنل ومیکائیل اگر	کاف ونون ترکیبنه نقصان تیر دی بی تموار

[illegible]

عبیدن غیری سلطان سرفل کیمدور

ولی قادر سبحان وصی مصطفی کیمدور

ادیبو لاد ربو مو لی آتش کینکری داور

جمیعاً کائنات و محکنات هادی ورهبر

بحکب بنیان کفری ایبوب معمور اسلامی

غزای یوم خندق اولدرندہ تحبی تمم

لسان لبه بابه بابه عین لبه سیف البهم

[illegible] اعظم

جهاد

علیدن غیری سلطان سریر قل کفی کیمدور
ولی قادر سبحان وصی مصطفی کیمدور

قصاید

در مدح امام رضا علیه السلام

جهاد بدرده هنگامهٔ محشر قیلدار ربا
ایدن دست ید اللهی سلاسل قلعه خیبرین
احد ده صفنه کوکدن اوخونمش لا فتی الا
دم شمشیری روز اسجاعی اعداءدن
چکن روی زمینه بد نوک ذو الفقار الدین

شرار ذو الفقار الدین بولنمز حب سجان جعفر
شجاع صفدر یوم الحنین حمزغام اژدر
ملایک فوق طاق عرشده چین قیلان اژدر
فضای رزمگاهی ایلین چون لاله احمر
نه شوکت شه ملت ولایت زمنه زیور

علیدن غیری سلطان سریر قل کفی کیمدور
ولی قادر سبحان وصی مصطفی کیمدور

او مولا دور او لوب میلادی بیت الله سبحانی
قدم قوتدی بنوت مهری اوسته آفتاب سلین
طفولیتده قیلدی ضرب دستین عالمه ظاهر
اولوب روح الامینه عالم انواده مرشد
قیلوب خلد العمودین لعنت بوننه حقا
سلام ایتدی کهی خورشید تابان تابشر قدرن
کهی طیری قیلوب ناطق لب معجز بیانیلن
نجم چرخ مینانه زیارتگاه اولان بامی
بساط ارین معراج ایدوب اوج سما اوزره
علیدن غیری سلطان سریر قل کفی کیمدور

تولاده قضا اختکن تلاوت قیلدی قرآنی
سالوب لیوزنده طاق ملکه دلالیته عرفانی
کی انگشتلن گهواره ده اژدره بولدی ثعبانی
بلای شیردن قیلدی رها ارزنده سلمانی
قرب بتر العلمده غرقه توم هپی جانی
کهی قاتیا ردی مغربدن اوتوپچون حی سبحانی
کهی اقدامنه افتاده قیلدی شیر غرانی
دمی حیای موتیلن ایدن حیران مسیحانی
قیلان بهبوت اظهار جلالیلن سلیمانی
ولی قادر سبحان وصی مصطفی کیمدور

تیوبن پر مقامه صحنه چاروبکش غلمان
تیوبن پر مقامه توتیاسی خاک علیین
تیوبن پر مقامه سجده گاهی پر شرافتده در
تیوبن پر مقامه چشم بیماری چرخ کواه دور
تیوبن پر مقامه نور ساطعدن مقامندن
تیوبن پر مقامه پراکی کلدسته سی عالی
تیوبن پر مقامه دزه سنک کذر کاهی
تیوبن پر مقامه پر سطح صحی پر جنت
تیوبن پر مقامه پراقی اکسیر عصیان دور
تیوبن پر مقامه صاحب فلک لنجاه دین
تیوبن پر مقامه صاحبی قرب الهیده
تیوبن پر مقامه صاحبی تاییده فلک لن
تیوبن پر مقامه فرشی چرخ دیباور احمده ور
دوتوبن رشته حبل المتین ایدل غافل
دوتوبن پر کنده هر تلی پر اسم اعظمده ور
دوتوبن پر کنده هیج اوزلمز حرم زور ایلن
دوتوبن پر کنده عروة الوثقی ملت دور

اولوب چاروبتون هر برکه پر گیسو حورادن
سرشتی عطر جنتده ور او خاک عنبر افشاندن
طلایک اوچ چرخ ایستیه صیقلم شمس ایشی مصقلادن
بهشت عدندن چاراولا شهید مصقلدن
منوردور ضیاسی نور شمس چرخ بنیادن
شرافتده خلالتده فراز نخل طوبادن
مجلادور مصفادور شهور ضیادن
دکل کیم لیلة المعراجده بزم تدلادن
خلاص اولمز معاصی الهی تار نقطی دن
کلن هیچ ناامید اولمز بو درکاه تولدن
جلیل القدر دور اولی روح الله عیسی دن
قوتاری انبیا قوجی گناه ترک اولادن
جهان اوزره ادا انک طراز اطلس سکادن
بو حبل الله محفوظ ایدر ایمانی بنیادن
تعالی الله عجب خوشبخت اولوبدر ایمن سبحاندن
اگر خیل گنه افزون تر اولسه ریگ صحرادن
نه باکون وار انکی دنیاده ساخلار شر اعدادن

ترجیع بند

شرف بخش اولوبدر مدفونی کنز رحمانیه — سرور افزادی عطرندن عنبر خوشبوی بهاراندن

قنادیل روشن ایدر نور اقتباس انجم — ضریحین پر ضیا دورضو مهر چرخ فرسادن

پر ایوانی طلاده در مرمر این باغ رضونه — طواف مرقد نور انوری قدوم حج بیت کبرادن

قیلان بالای سدره بر نماز صبح افضل در — عبادات جمیع ما سوا دنیا و عقبادن

اولوبدر شهر مقصد و مشاهد حجاج اهل ایمان — برابر طواف کیم عطا حق تعالی دن

نه عرش اولمازنه فرش اولمانه فردوس جنانه — شرافتده جلالتده ثمار رحمتی بولوبادن

شها اولقدر صفوتیله دنیا ایتمک کل ممکن — تیشمز قدر پایانه کیچوبدر حد و احصادن

اگر مداح اولا عالم جمیعاً الیه انشاء — کوتورمز تا قیامت جمله سی بر قطره دریادن

ایا نفس نفیس ایلین اولان آهو یه ضامن — عموم ناسی مستغنی ایدن جود و عطایادن

سیزه مدح ایلو قلان کون کچوب ما اولکوب بشن — دوشوب کوز نور ز طاقت کیدوب چشمیله اعضادن

اوزره مشکل کشاسن سبیروز مشکل کشا اول — دوشنده مشکله استیر نجاتین عبد مولادن

سنم مشکلده والش پر غریب زار سرکردان — یوخ منده رکیمه قوت رسون بو درد بیماردن

کلوب درکاهوه قمری دخیل سنا انورورنن — کسوب امیدینی عالمده هر دانا و اعلادن

قصیده دویم در مدح امام رضا علیه السلام

ایصحن پاکی وادی سینا برابری — وسطح پاکی مکه و مینا برابری

باغ بهشته رشک ویرن آستانه سی — طاق رواقی عرش معلا برابری

قصیده

خوان عطای حقه طفیلوندر کاینات
تمش بن ایل سرادق انوار حقده
فرش حقیقی مسجدیون مسجد الحرام
صف صف دوروب ملائکه پوستانوده
هردم دیردر مریضه شفا پاک تربتون
ذکر ایلیم بوشانه باخوب کرسنه خدا
دون الا له مدحوی هرقدر ذکر ایدم
یاحتند دیار خراسانی قبلمو سان
کرناودان رحمتی وار کعبه نون ولی
سن رتبه ده نه فوج ملک وار نه انبیا
جدّون جریح ایدوب علی دور کا انبیا
پرنوردن محمد ایلن یوخ سوز وندده عیب
اسمون علی خدایه ولی نر بون جلی
کیمدور که جدی احمد مختار دن کیمی
کیمدی که شاننه اولا نازل حرا حتا
کیمدور که والد اولا سلطان قل کفی
کیمدور که لالی روح الامین دیه

وار کیمده بو جلالت عظما برابری
نورندی وار نه حدو نه احصا برابری
هر خشت و سنگی مسجد اقصا برابری
یلن بنیا نظامیله یحیی برابری
تتشک و شبهه نطق مسیحا برابری
اولام جهاندا منده قضا را برابری
لا یقدر یوخ نه خالق یکتا برابری
غوق صفاو مکه و مینا برابری
اولماز بو باب فیض تولا برابری
خدام درکهون ذکر یا برابری
اولاردی انبیا ایله همتا برابری
کیمدور حبیب لیلة الاسرا برابری
کیمدور اولا سنو نکیمی مولا برابری
هم جده سی او کوکب نوری برابری
قرآن ایچنده سوره طاها برابری
شیر خدا شهنشه عقبا برابری
جدّون حسین اوز اوده زهرا برابری

امام رضا

[illegible]

برآچ بر لمحه اشهباز طبعم دوره کل دوره
اعان ایتمک خوش شمار نظمم بر حرز لعلیه
تعالی الله بو دوره حی طور سیناده آدمین
معاذ الله بو شوکتلرده وار دور طور سیناده
همین بو زید شیلدری طوره ده هوش مدهوش
بو شان و بو جلالتلرده وار دور عصمت الکرام
اجل تقلیب کلمک روضهٔ شاه خراسانه در
تمام عالم اولسا جلال و جاه ده قربان
اگر نور وجوده اولماسا پیرایهٔ عالم
اگر سن باعث فیض اولماسان قطع ارزاق
اگر سن اولماسان اجزای نه افلاک بر جدون
اگر سن اولماسان یوم الجزاده شافع عصیان
جلال و رتبه ده سن ایلرده اکثر انبیالردا
عزیز مصطفی آرام جان قل کفی بین سن
اتان خیر النساجدون حسین و جدینوه قربان
امام المتقین حقا ولی الله اعظم سن
دوتوبدور شعلهٔ نور روانون کل آفاقی

بو سعده نجا تخت چرخ نیلفام اولماز
بیله سرسبز هیچ گلستان خرام اولماز
دوتوب نور تجلا قدرت نطق کلام اولماز
یقین بو حظیره ده حاشا ولایت اکرام اولماز
اوددور که بو شه کلکث دم یوم القیام اولماز
بیله بهجت فزا کیم گلشن دار السلام اولماز
بو رفعده بهشت عدنده قصر و خیام اولماز
جهانده اسن کیمی هیچ نوع طلیچون اهتمام اولماز
نسیم فیض رحمتدن معطر پر مشام اولماز
نه آثار جهان اولماز نه لیل صبح و شام اولماز
نه عرش و فرشده چرخ زیاده قوام اولماز
جهنمده نجات امت خیر الانام اولماز
سنون خاکدرونده انبیا بلکه غلام اولماز
سنون تکریمونه شاهنشه ذوالاحترام اولماز
بو اسم پاکدن مستحسن هیچ عالمده نام اولماز
نه دنیا و نه عقبا امری سن سیز انتظام اولماز
ضیاده پر پله خورشید چرخ احتشام اولماز

غارت

[illegible]

جناب ... امام رضا علیه السلام

[illegible]

شرر نار هجراندن یانان قلبك بیم وار
بر ذره تاب وطاقت یوخ كوكلده ضبط ایلیم وار
جفای چرخدن اغیار جوریدن قراریم یوخ
انیس ومونس دل آرام قلب دل غداریم یوخ
كلوبدور شكه جانم سوز آه وناله وغمدن
تبردور آتش هجران دم نار جهنمدن
پیچار افلاكه هردم سوز دلدن ناله وآهم
فغان قوپاردان هرگز نه كاه هم وار نه كاهم
قوام خسته سعوبت انجوم حبس محنتدن
بو دركاهه دخیلم التیرم مطلب بر تبدن
سن او شاه ولایتسن كه عالم بند فرمانك
بهشت عدنه استغنا ایدر شهر خراسانك
او مولاسن خوابنده مجلید ور عكس نوروندن
كلن میدالیمین هیچ نا امید اولماز حضوریندن
او مولاسن دوتوبدور شوكتون اوج ثریانی
جلالون احتیاطنده ندور ملك سلیمانی
او شاهنشاهسن كیم عقل حیران معجزاتونده

خیال وصل یار ایلن نه بیدارم نه خوابم وار
دوتوبدور اشك چشم قطره سی مرجانه یامولا
هجوم خیل غمدن حد وحصر آه وواریم یوخ
صباح وشام عادت قیلمشام فغانه یامولا
سرشك خونفشان هرگز قوتارماز چشم زاریمدن
یانار جانم همیشه آتش هجرانه یامولا
یتیم روز سیاهمه یتشسین كامه بدخواهم
متاع صبریم كیدش سربسر تالانه یامولا
غم حسرت وبیطاق غم دردوندن
نشك قیلمشم تجرلیه بو دلمانه یامولا
جلالتده رواق چرخ اطلس كنج ایوانون
تنشیمر حضرت عیسی ون طلا ایوانه یامولا
یتشد طور سینا رتبه والایه یامولا
خضر چون ضوشه قدوسیا پروانه یامولا
وروب خلاق عالم اختیار دین ودنیانی
سبب سن مدار گردش دورانه یامولا
وبا عین صفات ته ظاهر دور صفاتونده

جهان وما سو لب تشنه ماء زلو ندور
اوشاهنشاه حق فرمان دوردر که یاکون
کمند زلف حور العین جنت بند قرا کون
او سروز سن سنو نله مرغزار دن اولوب ریّان
اگر اذن اولماسا ندن نوکلمز قطرهٔ باران
مزار نور بنده بوی عطر شک عنبر بار
بحمد لله الونده اختیار روز محشرده
فروغ قبهٔ زرّینون پر ذرهٔ نوری
نگاه گوشهٔ چشمون سلیمان ایدر موری
شهانور قومیشام درگاهونه پر ذره مورم

الوندن ایچمکه پر ساغر وپیمانه یامولا
مریضه صحت افزا وشفا دور در گه خاک تن
کتورسن اشهب اجلالوی جولانه یامولا
چمن زار شریعت شوکتوندن خرم وخندان
اطاعت واجب اولمش سن امدن فرمانه یامولا
ضریحونده خدای انجلا مهر انور روا
سنوندر سنوندر شفاعت حشرده عصیانه یامولا
تجلا قیلسه رخشان جلوه سی مینا ایدر کورنی
گدای التفاتون دوندور سلطانه یامولا
محبت باده سندن دائما سرمست ومخمورم

پروبالیم یاتو بدر قمری نالان ومهجورم
سرکو یونده گوز یاشیم دونوب عمانه یامولا

قصیدهٔ پنجم ترجیع بند در مدح جناب امام رضا علیه السلام

ساقی منه پر جام کتور بادهٔ گلنار
چوخ طرفه گلستاندی خیابان خیابانگ
گلزار رضا حندهٔ بوا گلبک خیالم

نوش ایتمک ایلن طوطی نطقم ایده گفتار
خندهٔ محال امرد اولون پیله گلزار
آچ نطق در افشانو نوک لورلو شهوار

جن و ملک خلقنده طفیلدر بو نگاه
ای اشرف اولاد فلیله عالمده سن خلقنده عیان
ای نور پیمبر که کوروب ابرهه لر
ای سن شه خصوص اولنوبان...
معصوم اولان اوغلی...
اوله لر شفیعی...

ترجیع بند

اجابوه ابواب جهنم و بعد ...

سن سن گلزار حسین یا ولی الله
جدوندی رسول الثقلین یا ولی الله

ای آدمه انواری اولان علم الاسماء

میدان قضا خنده گرک اولمیه اهمال قربان اولا عالم بو سپاس و بو جلاله	ای توسن طبعم ایله هر سمته تکاپو ای رحمیله صیاده اولان ضامن آهو

سن سن گل گلزار حسین یا ولی الله
جدوندی رسول الثقلین یا ولی الله

اسیر و گلستان ولا رای امامت آرام و قرار فلک چرخ معلاسان مولای جهان سرور سلطان خراسان نوردن ایدن عالم امکانی منور گنجینهٔ اسرار خدا صدر منیری آباد قیلان عدلیله معموره دینی دریای سخاکان عطا عین تولا هر کیم و ... نوی صدقیله بلاشک قلبمده بلا اوحی ... در ... فینه مدحون ده توب عالملری چو مهر جهان تاب	شاهنشه دین شافع صحرای قیامت نوریله ویرن گوکلره شوکت بره زینت جن و بشره کل ملائک لره حجت مصنوع خداوند اولان باعث خلقت رخساری ویرن گلشن ایمانه طراوت مصباح دروافع ظلمات ضلالت دردانهٔ زهرا خلف شاه ولایت چکمز نه بو دنیاده نه عقباده ندامت باالله سنه هر وصف کمال اوندن ابیت ای حبّی ویرن شیعه لرن قلبنه بهجت

سن سن گل گلزار حسین یا ولی الله
جدوندی رسول الثقلین یا ولی الله

ای ناظم مصطبهٔ چرخ مطبق	وی رکن ثبات فلک و چرخ معلق

وی نور ویرن منطقی مجرای دم
ای نوری قیلان ...
ایجان و گل و سنبل ...
ای یوسفی ...
ویدیده یعقوبه ایدن ...
ای حضرت یعقوبه قیلان ...
وی لطفیله فریادرس ...
ای عالم نور ایچره ...
خلقنده اولان نظر جهان ...
ای طوره ده مدهوش قیلان نور تجلی
بو ذره ویروب شعشعه نور تجلی
ای

جدوندی رسول الثقلین اشهد بالله

ای بوره ده ... شمس ده شمس ضحا

ویاکیده ... قمردن ضو ... ایلاغ بزمن

ای آیه تبلیغده ... ایلاغ ... کشان

وبکلمه ... اولان نوکتنده ... وجود

ای شاه اولان ... داعی مصباح

وی ... نوردن ... اولان ...

ای بعث ... اولان ...

وی ... رون ... ق ...

البصورت ... ای قبلان ...

ای باعث اولان ...

البعث ... ده ...

ویا عالی ... قیلان ...

ابیه ... نورایدن ...

ابیه ... ای ...

ابجلی ... سبق قرن

ای بوت بطن شکم حوتده مونس
کر ذکر ایدم الله سنه مختص خطادور
معبود دیوه پرستیده وه خلقه خدا سن
پرنور تجسم وی محمد ده وجود ون

مخلوق ایچون مطلب مشکله مبادا
عالمده کورک سنده اولام مثل نصارا
اهم ربسن انانه که مولا ید الله علا
ابضعه منی بوید بدور سنه حقا

سن بن کل کلزار حسین یا ولی الله
جدوندی رسول الثقلین یا ولی الله

ای فلک نجاه ام ختم بنتسین
ایفطرت ذاتنده اولان علم لدنی
ایلاله خوش رایحه کلشن طاها
ایدایره دوره رحمن وه ریحان
ایزبیو کلزار جنان شوکت حمیم
ایشقه کشای علم آیه تطهیر
ای ابنا کنزنه پرلو رلو لالا
ایمقصد منظور هدیناه سبیلا
ایوصف دلونان آیه قرآنده رخو
ایعرض خراسانه قیلان روضه رضوان

وی محکمه شرع عاده آینه آیین
وی حبل متین علم یقین مرکز تمکین
وی غنچه باغ جنان روضه سن
وی والعلم نون کلستانه نسرین
وی رونق والشمس ضحی مصدر تزیین
وی زنک زدای ظلم عالم تکوین
وی جود وسخا لطف وعطا چرخه شاهین
وی مطعم طعام علی حبه مسکین
وی خرش خداون اوخونان جدینه تحسین
وی سرور دین حب خدا کلدسته زرین

سن بن کل کلزار حسین یا ولی الله

قصیده

ویحفل ... اوی ... اجوان ...

ای ... جبی ... افلاک ...

ویشمس ... وره ... ب ... وبرن ...

وی ... ابلک ... ای ... ن شوق القاع

ویعالم سوداویه ...

سن بن کل کلزار حسین یا ولی الله

جدوندی رسول الثقلین اشهد بالله

الفقاه ... انوار ...

دیار ... کلها ... انه اولان ... منبع

صندوق علوم ... مخزن غیب

باحوش الافق ... زینه ... وبا

اجلاله ... محیط ... ابن ... آفاق ...

اوصافه ... اولان عالمه ... ماه ...

ح ... ای اولونون ... عالم علو ...

سلطان ... ارض ... دنیا ...

ای

سن بن كل كلزار حسين يا ولي الله
جدوندر رسول الثقلين

ترجيع بند

ای اهرایكی دنیاده تمام عالمه مولا
ای معجزهٔ سی مهر درخشان كبی بااهر
ایمنعضی درگاه الهیده مقرب
ایجنت رضوانه صفا بخش جمالی
ایدادرس امت اولان زور جزاده

شوكتده اولان فوج ملك خيل سپاهی
رحمی یتورن مطلبنه سنك پناهی
ویدفع قیلان جنی تولای كناهی
حوری جنان خاك قدومیله مباهی
دشمنلرون روز قیامتده تباهی

سن بن كل كلزار حسين يا ولي الله
جدوندی رسول الثقلین اشهد بالله

ای اهرایكی كلدسته سی چون نخلهٔ طوبی
ای باركهی شانده اجما عدن افزون
ایكوشه ایوانی بهشتیله برابر
ای انجم افلاكه فنادیلی مساوی
ای عاجز دیواری درخشنده قمردن
ای رشك ویرن كنبد كردون دواری
ایلوحی شرافتده كچن لوح وقلمدن
قربان اوكلامه لب لعلون كه بوتورشین
انجاكدری سرمهٔ ابصار سلیس
صدشكر عجب طرفه سعادتدر منیچون

دلقنعه سی شوق شرف قبهٔ علیا
ویعیض قصور جنهٔ خلددن اعلا
ویخادم دربانی ملایكلره همتا
ویضوء اضر لحیدده نمایان ید بیضا
ویكفش كپی شمس جهانتابه دن اهیا
بالای سری عالم علویه دن اعلا
وی منبری كرسی سمادن دخی بالا
نظم شعرا مدحده من انشا فینا
وی تربت خوش عطر اولا وسمه حورا
فخر ایلیم عالمده ملایكلره حقا

مرثیه جناب معصومه خانون علیها سلام باتفاق جماعت کثیر اهل نجف و اهل دربند و غم دیده [illegible] خوانده شده

چیخوب کرکی ایکی گوزه یولک زینی [illegible] آلده دورا امام رضانون محنتی
بیر او وقته ده دوروب [illegible] حق الذن
درگاه کبریاده [illegible] نتی
بیر او وقته ده دوروب [illegible]
ایوان [illegible] بیر او وقته ده دوروب [illegible] نتی
[illegible] نتی
بیر او وقته ده دوروب [illegible] اطواف

قصیده

معصول او ده دور [illegible] سبطین عبا
بیر او وقته ده دوروب [illegible] مرقی
[illegible]
بیر او وقته ده دوروب [illegible]
حسرت [illegible]
بیر او وقته ده دوروب [illegible] نتی
معصومه [illegible]
[illegible]

ای المونسد غریب ولایت ده جانویرن — حسرت قالان زمانه ده اهل وعیالنه
جانان ماتشوداند اکیم گوزیوی باغلادیسون — کیم باشوا اوسته آغلادی سالدی خیالنه
معصومیه اولمادی چکه آغوشنه سنی — رخصت ویره غداره توکن شبک آلنه
طشت حجره ده غرا توب قوبکلندی جگرلرده — کیم نوحه قیلدی شمس امامت زوالنه
کیم اولدی گل ده ده قیلارین قانی سیلن — کیم اولدی قلبون آتیشن درد حالنه
مشکلدی غربت ایچره غریب الملک شهلر — باجی ویره جواب ویرن یوخ سئوالنه
ای یالقوز حجره لرده ویرن جان غریب آقا — عالم باتان مصیبت درد ملالنه
جدون حسینه کربلاده غریبدی — سالدی زمانه لشکر اعدا جدالنه
الدی قباقیجه شمر کسنجه باشین سوسوز — عباسون باخاند اسنان پروبالنه
کاهی باساردی باغرنه حسرتله قولارین — کاهی باخاردی قامت رعنا مثالنه
هردم ویرردی آه علیم سند یا اخا — عالم یانار ردی آه علی الاتصالنه
بولمم نه نوع تاب ایلدی اولشه غرب — خنجر دکنده اکبر یوسف مقالنه
سوبلیردی آه یاد اولد بعدک العفا — دنیانون اعتبار نه دهرون حضالنه
میدان ایچینده دوغرادیلار تشنه اکبری — قان یاغدیلار رخساریته خط حالنه

قرخ ایلدی نوحه خواند وسیزه قمری حزین
امداد ایدون او محنت وغم یایمالنه

ابیاتیکه در شهر مبارک قم انشا شده در روضه

[illegible] عالم [illegible] نتی
معصومه [illegible] آلوب یولدی [illegible] اسما
زینب [illegible] ولایی
زینب [illegible] غم [illegible]
[illegible] ایلدی [illegible] بلا و
[illegible] اولدی [illegible] نتی
[illegible]

واله غریب الکه ده هر کیمه جان ویره
گوزگزدیره رضا صوله جان تاپشورهامان
پراه جان ویرنده چکر جانی یاندورور
باخ ای رضا رضا دیوین جانوزن خانم
گلمش سنون زیارتوه ذوق و شوقیلن
سن قبر ایچنده آغلازیلن دوتوب عزا
لازم دوشوب زمانه ده اکثر اهل رضا
زوار یوق امام رضانون چوخ آغلار و
قیلون سنون نله قرداشون اهم زیارتین

چوخدور بونون مصیبتی آرتوقدی ذلتی
گورمزنه قرداشین نه عیال ونه عترتی
هیچ کیمه گورسون بوغم و داغ فرقتی
الله نصیب ایدوبدی بیزه بو سعادتی
گوزیاشی الده گنجه وو دربند جماعتیی
ذکر ایلیک غریب خراسان شهادتی
باجی یاندذکر اولا قرداش مصیبتی
یاده سالوب او شاه خراسان محبتی
هر آرزو ایدنلره اتسه اقمتی

قری گلوب امیدیله بو آستانیه
چوخدور اورکده دردی سن ایله چاره تی

قصیده من کلام علی عباس راضی المتخلص ابن القمری در مدح جناب خاتم الانبیا علیه آلاف التحیه والثناء

حمد بیحد و مبتدل مادام ایام للیال
اول خداوند کریم لم یزل ولا یزال

علت غائی موجودات مخزن حسن خصال
تاجدار

ابن الفقیه رحمه الله
عباسی المتخلص بهائی دربندی
السلام ابن کلثوم [illegible]
مقتدای امیر مؤمنان علیه

تاجدار المرسلین پیرایهٔ ایمان و دین
ابلین شمشیر تشاریلن دفع زلال

نیرپای خالق اکبر دُر ناقهٔ سطح عرش
زینت افلاک نعلینی عروسه مثل خال

خاکپای حور و غلمان ایچون کحل العیون
نخل باغ جلالندن دو طوبی پرنهال

آستان پاکنون فرمانبری روح الامین
درکهنده فرقه کروبیان مثل هلال

هانسی پیغمبر وجودیلن فلک بر قرار
بارگاهنده ملایک زمره سی اهل سؤال

طاق کسری تاپدی میلادنده [illegible] شکست
لات و عزی اولدی خوف و خشیتندن پایمال

سالک نهج حقیقت چون صراط مستقیم
مقتدای اتقیا دانای راز کل حال

سوره یس و طه شانینه واضح دلیل
سربسر آیات قرآن وصف اوصافنده دال

لیل معراجنده سبحان الذی اسری گوره
یوخدر انکارینده هیچ ذی نفس ایچون مجال

هر ایکی انگشت پاکیلن قیلان شق القمر
ضوء ازجاری ویرن مهر منیره انفعال

دست پرنورنده سنگریزه مطلق اشکار
دمبدم تسبیح گویان مثل افواه الرجال

گر اولا دریا مرکب کاتبان خیل ملک
وصفنه تحریرنه اقلام ایچون اولماز مجال

سن هانزدن چو هارای تاجدار انبیا
مدحین نشانسته [illegible] زبان نظمده لال

الدسرالابی اولما قلوقین کشف القلوب
پی روقری خوان اولماقه وار چه ال

ای ریاضی گرچه نظمده و فصاحتده بری
وار دور امید ترقی دوتماسون قلبون ملال

قصیده بهاریات آخرش مدح جناب مولای

قصیده در مدح

دین ام الخبائث کمیدوار اده خطا او نسه صبا
امان الخطا یر دم ایچم فراز اوجه یر فالچو
کوز آچ هر طرفه باد ور بسا کلشن جنت
آچوب در سوسن فی رنق نظام جنند بید ق
بهار ایامی فصل کل فرح انگیز وجانفزا
دوزلمش لاله نعمان سراسر حوری و غلمان
آچوب در نرکس شهلا کورین ذوق جمال عین
اولوب ساقی کلشن کل صباحی جامی الدن
توکوب سنبل غداره طره چو زلف محبوبان
قزل کل غنچه سی هر زیب فرح تلن خشانده در
بنفشه جانانه مشکین کیوب هر خم مطر قیلن
فروغ صنوبرینلو فر بسان انجم و اختر
شاخ کلده بلبل متصل راز و نیاز ایلر
قرارمش ارغوان صوز بده هر نوعیله خشانده
ایدر باد صبا کلزاره هر نوعیله جولان
سازنکهت افزا جسم و جانه قوت روحانی
یاغار دروانه شبنم هوادن کل عذار ینه
معاذ الله خطا دور تخییل باشنه غفرانه
سراز یراه ل اتمش هر برین اچمش کلستانه
چچکلر باشنه قومشلر مرصع تاج شاهانه
دماغ دم نکهت عطر آر تر در اطراف بستانه
اولوب کویا زمرد فرش صحرا و بیابانه
کیوب کیمه شقایق جامه کلنار شاهانه
شباهت جوخ تیورمش دیده مخموره جانانه
دیردر یلن رشک هر دم عطر جابرک ریحانه
قرنفل خنده تر حیح ایتمش ماه تابانه
کینمش کویا رخت زر اندود ملوکانه
نموعبر دور عطری کویا نکهت نافه خطایی
دیرسن تخت نازلن چو بدور اوج ایوانه
که کویا عاشق میکند و هجر ایلر ذ لیلانه
جمال عالم آرایی شفق سالمش بیابانه
دم عاشقدر و کویا تار زلف عنبر فشانه
دونوبدر فی الحقیقه صحن کلشن باغ رضوانه
هزاران شکر صنع قدرت خلاق سبحانه

ایا صاحب ابن فرقی رحمة الله
علیه السلام من کلام
قصیده در مدح علی الرضا

قصیده در مدح

ای جلوهٔ جمالی چو شمس ایلین ظهور
ایدرهٔ حقایق اسرار غیبده
اعدادی ایچنده فرد کلیم مختبسه
سن سن مخاطب ارنی انظر الیک
باب لا امید اولوبدی سلیمان درگهون
آب حیات خضره نصیب اوله تا سبب
سن سن فضا گونده شاه نشه نجف
عرش برین و عالم انوار بزم قدس
شانونده لافتی و صفاتونده هل اتی
الله سنی ایدوبدی ید الله متصف
کحل ایتدی لعیوندور هر اثر خاک مقدمون
حاضردی هر ان ایده تنشا جوندی
ممکن دگلکه وصفونی احصا ایدم و
تهرون شرار برقدی جهرون قلونویه
لارب فی کمالک با اکمل العقول
مشروطه سن سن عالم امکانده چونکه شرط
مخلوقه فکره دور اولونه ذاتوند معرفه

اوج فلکده ماه دیرن انجلای نور
نطق دلون هزاره سی سرمایهٔ سرور
لیل و جاده راهنما شل نخل طور
هر ذره نورون ایتدی تجلا تونوب نشور
سندن عطا اولوبدی او ما نطق طیور
سن سن خلافه ایتمه خاطره خطور
رونق تاپار نظام ولین نظم هر امور
علت سن اولمسان که عدمدا اولوب ظهور
جنت بو جلاله دکل غیر نور حضور
پیراك ولا خدا الی اولمازمی ذو الزور
انکار قیلسه صدقنی اولسون او دیده کور
تیمز تمامه گردیه مادامت الدهور
ذکر ایلسیم قیامت اولنجه قالور قصور
ما ملجأ السرور و یا منبع الحبور
درک ایلمز کمالنی هیچ نفس ذی شعور
گر اولماسه صلوة و وضو هم دگل ضرور
قیلدی علم جهانه سنی قادر شکور

جناب علی ابن ابیطالب
علیه السلام

تا اولمازدی دین لا اله الا الله
گر اولماسیدی وجود علی ولی الله

اومیدن ایله عطاکیم دماغه آرتور انور
اومیدن ایله عطا قلبه انجلا ویرسون
کتور او ساغر صهبای بهجت انگیزی
اومیدن ایله عطا ایلیون منی آگاه
اولوم شهنشه کشف لعطایه کشف عطا
سمند فکرسنا ایلین هر طرف ایدیم جولان

تذرو ذهنیم ایده گلشن صفاده خرام
گرک باشمده فالانشاه تمام مدام
فصاحتیله مسخر ایدیم جهانی تمام
مدار کون ومکاندان ایده قیام ایدیم
همیشه ملهم غیبی ایده منه الهام
باخوم گوریم کیم ایلین بر قرار اولوب اسلام

تا اولمازدی دین لا اله الا الله
گر اولماسیدی وجود علی ولی الله

دوشوبدی باشمه ساقی هوای ذوق وصال
ایچوم سرور ایله کلسون بروره مستر نهان
آچوم خزینهٔ دل بزم اهل عرفانه
نظام نظمه چکوم مدحت ید اللهی
او حیدری دیورم اولدی کعبه ده مولود
او شاقلقنده اولوب اژدها جهد ایچره
عبادت ثقلینده نظر یتی افضل
سنان کفری یخوب آشکار ایدن دینی
تمام عالمی سیر ایتدی شاهباز خیال

شراب ناپیله دولدور پیاله مالامال
ایدیم هزار دطبعیله پر جواب سؤال
نثار ایدیم در شهوار بیقرینه لآل
قلوبدن آثار صیقل ایله زنگ زلال
تلاوت ایلدی قرآنی سابق از ازل
فنون رزم وشجاعتده دور عدیم مثال
ایدنده رزمده عمرو ابن عبدوده قتال
دوتان شجاعتی کون ومکان مالامال
یقینیم اولدی باخوب دینی اولوردیکیم یا

تا اولمازدی دین لا اله الا الله
گر اولماسیدی وجود علی ولی الله

تا اولمازدی دین لا اله الا الله
گر اولماسیدی وجود علی ولی الله

تاپوملازدودین لا اله الا الله
گراولماسیدوجودعلی ولی الله

علیدن اوزکه اولان کیمدر ... صفات
الحق آیینه مظهر جلال وصفات

کمال صاحب جلالتلی مع اللهی
وجودی عالم نورایچره مرشد جبرئیل
انجوم زمره اعدادن ایتیوب پروا
سنجاوتینه مباهات ایدن ملائکلر
ملقب اسدله اولان رشادتده
تمام عالمه ظاهردوماه تاباتاک

تمام خلق خداوندزبده الاخیار
دوتمان مبارک اولااسمی ایله عرشی قرار
یاتان فراشی محمدایچنده لیله غار
شجاعتنده ثناخوانی احمد مختار
خطاب اولان آدی کوکلرده حیدر کرار
نه دوست بلکه نه دشمنده ایلمز انکار

تاپولمازیدی دین لا اله الا الله
گراولماسیدی وجودعلی ولی الله

علیدن اوزکه کیم ایچش شرادیله لوا
اولان شراره شمشیرآتش افشانی
اوران ایچان دخی ایدن ولدیرسالار خان
دم حسامیله قیلدی چومحشری برپا
توکن یره دم صمصام فرق اعدانی
کلنده دلدلی جنکاهده تکاپویه
جلوده قابض ازواح شاطروفراش

کیم ایلیوب علم مصطفایی شقه کشا
فضای رزمده اعدای دینه برق بلا
یلان پرهنروشکری دم هیجا
صفوف دشمنه مانندشعله آذر
فضای رزمکهی تانیلن ایدن زیبا
دوشن تزلزله دنیا وکل ما فیها
قوران صلابت اسمی قیامت عظمی

تمام عالم ایچون کون کیمی هویداور
بوآشکار سوزی کیمسه ایلمزحاشا

قصیده در ...

تاپولمازیدی دین لا اله الا الله
گراولماسیدی وجود علی ولی الله

بیانی معنی محکمه قیلان زبان ایمن
ویرن عدالتی بار ایلیك شریعه رواج
فروغ شعشعه مهر اجراء پدرِ عالم آب
ضیا [illegible] یار ایچره نیر سراج
جمعی ایلی [illegible] ایله صلوه ویخ تبعرانی [illegible]
ابرن حلوه عدله [illegible] اولدی مولی اشیابه لاشمار ج
کلوه [illegible] اولان صلوه ایلی [illegible]
اولان صلوه [illegible] قالق [illegible] الاعجاب
بکمم [illegible] قالق [illegible]

قیلان هوای وصالی اوز کاری بتاب جهانده حی سراج مخاص واللجاب صفات آینه بهجت اولو الالباب دقوت اقتباس بصدق وثواب	مبارک اسمی عجم ودر دانبیایه دوا ملایک ایچره آدی زینت مجالس اولان قلوبه وصفی ویرن انجلا چو مهر منیر همیشه ناطق وگو یادو شکار و نهان

تا یو لمازیدی دین لا اله الا الله
کر اولماسیدی وجود علی ولی الله

دو نامناقب دهری زمانه تا ماهی جمال آینهٔ حق نمای آگاهی الندهٔ ظاهر اولان قدرت ید اللهی گروه ناجیه دینده اولیا شاهی شفاعتی فرق انبیا ایچون راهی دم بنا بیله مرین عیش کراهی عبیر جنت ورضوان ترابی کاهی خلاف ذره یو خدر بو سوزده واللهی	علیدن اوزکه کیمدن وار بو شوکت و جاهی درون سینه سی صندوق علم سبحانی نهنک بحر شجاعت هژبر دشت قتال علامت شاننه افرات ایدوب دین لیبه قسیم نار وجنان عرصهٔ قیامتده مزار ایچنده ایدن معجزی ایکی پاره رواق قصری ریاض بهشتدن اشرف حقیقت الله ظاهر دوکل خلقه عیانی

تا یو لمازیدی دین لا اله الا الله
کر اولماسیدی وجود علی ولی الله

معاشر فرق انبیایه وزده تاج	علیدن اوزکه اولا کیمدودین چون منهاج

[illegible] نعلینه و العیاد بایت ناز اولان
[illegible] عدو وندا بیدن ایلان ایدن ج
[illegible] انجان ایلان ایکی [illegible]
نحاوجو دو بنی [illegible] اوزره ایدن ج
[illegible] اولان [illegible]
ثبوت قاضی [illegible] اولدو

امیر [illegible]

تمام خلقه بو ماننده شعله وهاج

تا یو لمازیدی دین لا اله الا الله
کر اولماسیدی وجود علی ولی الله

علیدن اوزکه کوریم کیمدوم کرزادن
وصی ختم رسل [illegible] حضرت آدمدن
[illegible] صبح وشام [illegible]
وجودی نور [illegible] بصورت انسان
اهده باشی روح الامین ودر [illegible]
الماعنده اولان حور جنت وغلمان
تجاعنده [illegible] العجب ومبهوت
نجاو جودو [illegible] عقل ایم [illegible]
شمرازه دم صمصام جان [illegible]
عدال خلقده ظاهر قیلان [illegible]
المورا [illegible] اقتباس [illegible]
اولان محبتی مقابل جنت رضوان

[illegible]

ابدی ایجاد کربلا [illegible] اولسون نه روان [illegible]

[illegible] دوقدن دوشمش [illegible] حضرت خیر الانام

تشنه لب ساقی آل عترت خیر الانام

حضرت عباس صدر [illegible]

[illegible] دوندن [illegible]

[illegible] صدر زین اولمش دوشدی [illegible] حسین

[illegible] کلدی شاه کربلا [illegible]

لوای حمده اولان روز حشرده حاضر	ولاسی نامهٔ اعمال خلق ایچون میزان
شفاعت امرینه مأمور حی داوردن	وجودی هپسنه عقباده آیهٔ غفران
بیاض مدح شهنشاه دین ودنیاده	دیر همیشه کلوب شوقه قمری خوشخوان

تاپولمازدی دین لا اله الا الله
گر اولماسیدی وجود علی ولی الله

بهاریات در ذکر مصائب شهدای کربلای پر بلا

ساقیا کچدی زمان عیش وفصل نوبهار	گلدی هنگام مصیبت روز روشن اولدی تار
قانه دونسون باده گلگون گوریم گلدن گذار	می بساطین قوی کناره ایتمز گوگلوم خمار
گورمسون هرگز گوزیم لازم دگل جام شراب	وار دنیاده شراب یا سیم اولدی زهر مار
صبحدم دوشدی گذاریم گلشنه خندان شاد	ذوق وشوقیلن باشمده شور عشق حسین یار
گوردیم اوضاع گلستانی دگرگون بی صفا	گل طراوتدن دوشوب گلزار اولوبدر تار ومار
پایمال اولمش خزاندن غنچه یکسان خاک ایله	دوداهیلن دولوب صحرا ودشت لاله زار
سر بسر دوشمش صفا خندان اشجار باغ	جمله عریان بی ثبات نور وبی برگ وبار
قالمیوب بر ذره گویا گون گلستان نشاط	تا ایدوا حسرتا دور هر طرفدن آشکار
عارض اوراق گل پژمرده بی ذوق	یار هر دن بیر نشان یوخدور چمنده دیار

بلبل بیچاره دوشمش هر طرف زار وحزین
قلب مجروح ویله هر دم ناله ایلر بی قرار

بهاریات

[illegible] لطفی [illegible] الدوه

قان ایچیده [illegible] علیه اجمعین

آه واویلا [illegible]

[illegible] کربلا دوشنده [illegible]

[illegible] مصطفا [illegible]

[illegible] صفا وان [illegible]

بابال

ایلدی لیلانی کربلا دشتنده خوار

پایمال اولاندا نعش اکبر بابال
نالهٔ لیلا خراب ایتدی فضانی گلشنی
شعلهٔ برق شرار آه شاه کربلا
تیمون هرکز کوریم عالمده بوندن صورا
یوسف لیلا کیموی قانیله خضاب

و اعلیا سویلین دیده امام انس و جان
اودو توب یاندی نوا غلو ناله سندن گلستان
صحن گلزاری قیلوب بیسرا آغلار جهان
تیمون کام مراده [illegible] گلدن باغبان
عارض مهتاب عالمده مثل ارغوان

برهم اولسون نه رواق چرخ دون کجمدار
ایلدی لیلانی کربلا دشتنده خوار

ایلدیم دقت نه کوردیم کیموب سوسن قرا
کویا باخدی نه [illegible] جوب ای بیخبر
جامهٔ نیلی کیوب دختر [illegible] سویلر عروس
دوغریوبلار خنجر ایلن کربلا داماد ینی
الدیروبلر مجتبا اوغلین بو سیر کام [illegible]
طوی اولاندا او عروسی [illegible]
نامراد اولمش عم اوغلوم و [illegible] غربت وطن
دوغرانان گل پیکری تیرا قلار [illegible] کفن
چون بن زار سیه پوش ایلیوب [illegible] عروس

دوتدیم احوالین خبر الدیم ندور بو ماجرا
قاسم ناکام ایچون بن اولمشم صاحب عزا
ایلسونله ظلمله طوی مجلسین ماتم سرا
اوز طوینده اللرینه قانیله یاخمش حنا
عالم امکانه دوشمش ماتمنده آه و وا
ساچلاری قانیله الوان وادایدر صبح و مسا
جانوبرنده کوزلری باغلامیوب و مجتبا
بستهٔ زنجیر ظلم ایتمش عروسین اشقیا
تاقیامت ایلرم صبح و مسا شور نوا

برهم اولسون نه رواق چرخ دون کجمدار

ایضاً

برهم اولسون نه رواق چرخ دون کجمدار
ایلدی لیلانی کربلا دشتنده خوار

واسیفا شوهن دوشدی جهانه شیکاه
داغ قتل شاهدین کتمز او رکدن حشره دین

عیمه‌لرده عرشه چیخدی ناله‌ئ اهل حرم
گلشن شرعده گل احمر ظهر واتلن علم

برهم اولسون نه رواق چرخدون کجمدار
ایلدی آل عبانی کربلا دشتنده خوار

ایفلک طاقون پورسعون گردشون اولسون تباه
دادالوندن اسپهر کجمدار کینه جو
خوار قیلدون پیرامامی سن قضای دهرده
مصطفادن قیلمادون شرم و حیا ای بد نگار
شاهباز کشوری لاهوتی قیلدون دستگیر
رأس شاهی کربلا یه نیزه لرا و سته مقام
ساخلادون آل زنا اولادینی خندان و شاد
بسلدون فرش حریر اوسته خراب اولادینی

اولماسون روشن کوریم اهرگز فروغ مهر و ماه
زینبون دنیاده روز روشنین قیلدون سیاه
ممکنات ایچره او دور دنیا و دینه پادشاه
سالدون اولادین بلایه کربلاده بی‌گناه
بزم شومه ویردون عالمده جلال و دستگاه
فرق ناپاک یزید ظالمه زرین کلاه
عترت زهرایه ویردون ناله و افغان و آه
آل حیدر مسجد ویرانه قوری یربی‌پناه

برهم اولسون نه رواق چرخدون کجمدار
ایلدی آل العبانی کربلا دشتنده خوار

گردشون اولسون خراب ای بد نگار بی‌وفا
اولمادی مهر و وفا دنیاده بیر خیار ایلن
اهل دل سندن همیشه دل فکار و دل ملول

ایلدون آفاقده ابراره چوخ جور و جفا
سفله پرورسن اشیوندور کینه مطلق و دغا
قالمادی جور وندن عالمده سلامت صفا

دو بیت

رباعیات

افغان

افغان کنان و زلف پریشان و موکنان	حوا و مریمش بر بیا رو یمین و قیاد
زین قصه شد کباب دل انبیا تمام	آدم بخاک عیسی گردون تشین قیاد
کف انفلک چه خاک بسرها تو ریختی	باز این چه شورش است که بر عالمین قیاد
آدم ز غم فدا نفس خم چو دال گشت	موسا ز کف بداد عصا بر زمین قیاد
طوفان گشت بحر بلا گشت موج موج	گرداب شد سفینهٔ نوح امین قیاد
در آتش بلا چو سپند آن خلیل شد	شد سرنگون ز تخت سلیمان نگین قیاد
گردندروی بگرب بلا کل انبیا	در کربلا چو روز جزا شور و شین قیاد
چون دایره مدار شد تشنگان شد	اندر میان چو قطب تن ازین قیاد
آن تشنه لب ز جور تعب تن بر وی خاک	که بر یسار گاه بسمت یمین قیاد
با بی‌نیاز راز نیاز او اسمی نمود	کان عهدنامه از کف روح الامین قیاد
آدم و زید صرصر ظلم و ستم خیان	ز آن فتنه آتشی بدل اهل کین قیاد

زانقوم شمر گشت برون خنجری بدست
اما چه سان که لرزه بارکان دین قیاد

مجلس احوالات آمدن ذوالجناح و رفتن شهربانو

چون قتله یتیدی شاه شهید فلک جناب	آفاقده گوروندی علامات اضطراب
آتش قالدی الخدام تا یاد ارکن فلکان	قوینجک یوزین ترابه او فرزند بوتراب

۸۰

اولوب حرم رایه اوخچوانه باتوان چچا ز
ایدردی ... دلیدرد ... دابنا ر
دانجه ... یعین الده تازیانه کلور
امان بچکینه ... زیانه کلور
یلوی باغلو اسیرادلماقون جهانه کلور
ورا اشاره ایدلی قرداشی الین زینب
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قویان عیالنی کربه بلا چولنده ذلیل
دایانماکون قباقده یارالیو جانوین
روا دکل قولیموز باغلانوب کیده کشانه
الی اورکده قراقون آه چکمک دن
سبب اولدیکه سالندی عیالی کوزدن
اوزرن یتور سنه پیرقانی سیلوم کوزیدن
نکوبدی کوزیولوه قرخ نفر اسیر عورت
ویرنده جان باشن آچوم باغلیوم الیکی
یانوندا اسیراوخویان یوقدر سوره یسین
مدینه دن چخالی کوروب جفالر قوم

یتیم قزلاری باتیش قرایه قرداش کل
یاندی دوشه اکرکون بارایه قرداش کل
ترحم ایت بن بی اقربایه قرداش کل
امان سوموکلریم دوندنایه قرداش کل
تسلی ویرکه آل عبایه قرداش کل
دوشوبجه آریقیون ... آرایه قرداش کل
چخوب اهلری ... سمایه قرداش کل
الین زمان یتوریم مدعایه قرداش کل
هیچ اولی سااوخویوم پرجایه قرداش کل
خضاب ایدیم ساچیمی قاخایه قرداش کل

دیوب بو سوزلری اهریان باخا زینب زار
اودم قوشون ارسنده اوجالدی کرد و غبار

نه کوردی لر بو یانوب ولجاخ قانه کلور
اوقدر اوخ اوردولوب جسمنه چوب روبال
دالنده صاحبی یوخ قانیلو دولوب ...
الین اوزارکه دیره ... باشه ساور ...
ایدیوبدی قانیله اوزیالدا کاکلن الون

یارالی جانداولوب وخلا راشانه کلور
قولی قیاده ساقوشنده آشنا کلور
دولوب بدنده نک اوخ وجسمی ارغوانه کلور
چکنده ششه خجا ... آهی آسمانه کلور
دوتوب یوزین کوکه پر لحظه یانه یانه کلور

آمدن

[illegible]

[illegible]

باشین دیزا وسته جان تا پشور الکیم آگدی
تینده سوز بو مقامه وارید جا بمقال

یوزینی قبله طرف دوندروب بولا سالدی
کلیدی نطقه اوچون دیید صور تحال

دوشندی ترا قه او پادشاه تشنه جگر
دینده قالمودلی لا اله الا الله

باشین دیزا وسته آکشدی جدی پیغمبر
دیردی بیکس اوغلو ای علی ولی الله

اتادیوب چاپوراندا کیوب لباس قرا
باخوب باتوه صوله قردیش دینده شاه زمن

گوزینی باغلا ناقه کلدی حضرت زهرا
دیردی جانان او نازبر جفا شهیدی حسن

بو سوزده عترت زهرا آباده سوز وگداز
هانی سرور مدینه شه تاجدار زینب

صدا به صدا یه ویروب نوحه ایتدیلر آغاز
اوزین اولدور سکینه کیدر خطابا زینب

بدنون تمام قاندور گوزینون یاشی اندور
دانغلمیسد بو زمانه پیله اوده سالیجه جان

هانی قرداشیم اماندور گسلوب قرار زینب
نه بلادی دوندقانه دال اغدار زینب

چوخ اولوبدر فلک جفاسی شه گیدی بو صفالی
سودیوب یرنده جان که گوریم گلیم الدیاده

بو خوش اولون وفاسی وار ولوبدر زینب
یا خارام نورلنفه قانین اولا نانگار زینب

ایدردی نوحه عیال شهنشه ابرار
نه گوردیلر او جالوب خیمه لرده ناله وزار

دولانمدیر دوب اهل بیت هر سویه
باخوب گوردی لرکه اول نتیجهٔ و انجبا

تماشا تاشدی گوزلری شهزاده شهر تابو
گیوب لباسون اوشند پرقراچه عبا

چکوب جمالنه روبند باغلیوب پیچلی
یوزینی قبلیه گوک ستمنه آچوب الینی

ذوالجناح

ندیم نه چاره آه الهی بنی دوتیدی اجل
بوشغلو چولده کلب باشمه سیالو بدو داشش
حسین اوبت آواره لق نصیب ایلدی
ازل یا مم آناسیدکم عزیزشاه زمن
چوخ اغلیوب دیدی زهر افری بحالت زار
ربیع نوا آغاسیدن فلک اوزندن لین
نه میو فاسن اپش ترک عشق یارایلدون
یتیرلیدمن دیرم کل پرال خرابه ده‌قال
یارالو تعشنوا اوستنده باش آچوب اغلار
قفانیلن دیدی ایسبط احمد مختار
ویرنده جان برسیی کوز لرینی باغلالار
یولاسالان صوراقیره توکله جاسنی
اولنده قرده‌اشی و چکون دوردوعاسن ابور
ملامت ایلمیون نیلیوم من کلباشش
بیلوم که دفن ایده جکلر جنازه سین قالام
قالوب بیزیله قورار دیم ایونده قرخیکون باس
دیدی نه فایده اولماز بو چولده دفن قادنی

آناتم وصیت ایدوب ایلیم کرکدی عمل
کرک دوشوب چخه آهولره اولام یولداش
نه قاره کونلره قالدیم کونوم قراولدی
نه‌فایده ایدونه آخری جلای وطن
که انقراضیمنی ایلین بلایه دچار
قوتاره شش یاری کیدمزدی قالوا ولسه کلین
قویوب بی قبره اوغیاردن فراراپلدون
دایان عزیز آتا دن پر جنازه سین بولا سال
هیچ اولماسه دیانوب دیدیکون غرابش خلا
جواب ویردی خانم دوغریدور یوقالمیدوار
باشین اچوب اینه اهل و عیالی اغلالار
قویالا اورماقه یاش دوتوب شاه سنی
خطاب ایتدی حضرت حسن لعمر سین آلور
بوقاره کونده قالنجه نوالا بیدیم کاش
دوشوب قباقنه تابوتنی بولاسالام
اگر دعاسین ایدر رشید آقام عباس
کیم اولیه یاسش دوتوم سیز کیدن صوراشامه

آیدن

نه قتلگاهه گلوب تشنون اوسته اچماق دیب
سکینه نون سوزینه یاندا اول الم پرور
الشدی قلبی سراسر یانوب فرقتنه
درون سینه ده دریای دردی ایلدی جوش
دیدی اسیر بالام آغلاما فراقتمده
الون آتاندان اوزولمشده افراق نصیب
دیوب بو سوزلرا اول ناوک بلایه هدف

قویاردی جانینی شمره منی ویروب قره‌داش
شتافه ده دوشد آتندان توکوب بر نیک الصبر
ایکی گوزندن اوپوب آلدی بیر قوجاقنه
او قدر اغلادی آز قالدی که اوله بیهوش
یوخومی گوزلمه اولمادی اخی سر فهمیده
بیله خیال ایله پیکس آتامدا اولدی غریب
تیشد خیمه بیمار کربلایه طرف

نه گوردی پرده امام فلکجناب دوشوب
ترابه لله فرزند بوتراب دوشوب

چوخ غلیب سوریوب خیمه دن کناره چخوب
الف کیمی چکلن قامتی دونوب قافه
نه نطق وار نه نفس وار نه طاق گفتار
دو دولمش آی کیمی قدر ماه انور یخی قرار
بالغ کیمی چالشور کثرت مصیبتدن
سالوب گون اسیبی سیبر حالته گلوردی
او قدر باشنه تیر اقلاری آلوب باروب
ایلیه تیراقه بیر خط یا حسین یازوب

یخلمش ایسی گون اتندا یوخدی تاب دوشوب
جوتدی کلمه حسم والکتاب دوشوب
زینکه قلبی ایدوب محمد جنظراتدن دوشوب
گورن دیر دیکه غبرایه ماهتاب دوشوب
حصار جسمنه آشوب و انقلاب دوشوب
سنز بلدیوب دو ایجیذ یا ناکباب دوشوب
غبار دن گل رخسارنه نقاب دوشوب
او خط گوزیاشی جون بارش سحاب دوشوب

ذو الجناح

ایمش یارده غسل قان کفن لی
قالان جنازه سی عریان آقا قاقدا
یارالو نعشون اوسته باشی ایچرسان آجی
باتان دوداقلاری عطشدن آقا قاقدا
نیزه‌لی یان یوزینی قبله سمتنه چوروب
ایدن تلاوت قرآن آقا قاقدا
اودورکن بو حاله دوشوب عدو یرده منی ساله‌دی قاقدا
قتیل خنجر عدودان آقا قاقدا

دایه بو سوزلری اول ماه امام زمان
فغان ادوب یا یامه قیلدی لطف عنوان
ولنده نالرده دوتوب بیلنه‌سی شهزاده آه
روانه ایلدی ایچمه اولماز آگاه
پس ایت بو قصه نوقی یاپنده یاسدل لال
کتور زبانه ذورخی اولز کمه اوزنه مقال

اوخول

یوخدو چارم سندن اوغلوم ستمیوب ای یلیرم	کاش اولوب بر اوغلون گردش دوران

دیروب جواب اول فگاره عابد بیمار
بیوردی امینی درده ایدن جهانده دوچار

دردیوردمانه اولدی محنت هجران آنا	اولماز دوتنگ اشکر عدوان آنا
هر طرفدن خسته جانم هر طرفدن عدو قرخ یر	یوتلاردردو غمین چکمک دگل آسان آنا
وای منم احوالمه قالدیم عجب دنیاده خوار	قویمالار زنجیره باغلوبیکس و بی غمکسار
سن قچ تاردن جانی اول اشرار لعیندن سنگسار	قالمادی انتظار تنگ خانه سی ویران آنا

غرض وداع قیلوب اوغلونه حسین حرمی
آخوب ایکی گوزنون یاشی جوشه گلدی غمی

اولوب ایکی گوزنون سرمه‌سی حسین قانی	گلوب قوجاقلادی هرپر بنات زهرانی
سکینه نون که اوپردی سوزردی قندن	کهی قوجاقلار ایدی زینبون ایاقلارن
دوتاردی من کلثوم که اغلاردی	علی اکبر آنانسین کهی قوجاقلاردی
باخاردی حسرت ایلن که عروس ناکامه	دیردی کاش گلیدیم سنونله من شامه
ندیم عیال همیردن حسرت آپاریدیم	غریبلق نه یاماندور نه دردمش بیلدیم
باخوب چوخ حسرتیلن اهل بیتیه عالادراردی	فغان و ناله ایلن ذو الجناحه اولدی سوار
چکوب عنانی هر لحظه دونوب دوروردی	آخوب ایکی الین و حیدفعه باشنه اوردی
یارالو دیللر ایلن عالمی کباب ایدیدی	یوزینی قتلگهه دوندروب خطاب ایتدی

غارت

[illegible]

[illegible]

محبت صادقه هردم تیه ندای بلا
دیر بلا یه بلی و نعم نه لا گتوردر

ولی قوتار مییه جک عمری دار و بلالودن
بلی خطاتیه جرکیمه کیم بلا گتوردر

بلی او حسینی توکر چرخ ایلمز انصاف
او عاشقه که قضا نور چکین جفا گتوردر

چراغ عزتنی باد ستمله تیز کچوردر
ظلام ذلتلن لیلة الدجا گتوردر

همای اوج وفا آشیاسین داغیدور
سرور ایلن زغن و زاغ ایچون صفا گتوردر

چکرنتایج شیری طناب درنجره
مدام روبه مکاره عیش آشنا گتوردر

یوزار بخار داغیدور قلب شاد گلشنی
بهار عیش خزان ایلیوب شنا گتوردر

عزیز کیمنه نی ایلیک دستینه ذلیل
چکوب مقابلنه زاده زنا گتوردر

همیشه بوسه که مصطفی اولا بوغازا
ستمله خنجر خونخواری آشنا گتوردر

زمین ماریه ده وغریب جوانلارینی
سونور حسینی ذبیحا من القفا گتوردر

بنات فاطمه نون سوکمه لباسلرین
سنان و شمر ستمکار بیحیا گتوردر

خیام طاهرده شاهدینی اودلاماقه
شرار آتش ایلن خولی دغا گتوردر

طنابه چکمکه شاه نجف گلینلرینی
غل دو شاخه دوتوب الده اشقیا گتوردر

یانار جگرلره اغلار گوزه خبر آکون
که غریب کنه مائیه بکا گتوردر

ایدوب تیور که صنعت فلک جلالیه دول
الوب جلالی عوض محنت و عنا گتوردر

حسین غمنده نشاء ایله گوز یاشنی قری
همیشه درد وه اشک بصره وا گتوردر

بو یاندا زینب نالان بدیده پرنم — اسیر اولماق ایچون باغلیوب بیلین محکم

کورن زماندا هجوم سپاه اعدانی — تمام پرده نشین عیال طاهانی

ویروب تامنه هر خیمه نون ایچنده مکان — اوزی قباقده چوب دوردی چون شه مردان

یاننده حضرت کلثوم خواهر عباس — دیردی ایتمیون ای اهل بیت خوف و هراس

اوچولده ویرمشدی الله ایکی خواهر — ویروردیلر آنا سیز قزلارا تسلی لر

اسیر دیرک خزان تک سکینه نون بدنی — دیردی عمه امان ویریر شمر لعینه منی

قباقجه هرنچه سیدین میشدی مستعجل — الینده هر بیرینون هر یانیا مشعل

او خیمه ده که یغلشدی ال پیغمبر — دوتوب چهار طرفدن احاطه ایلدیلر

نه قورخدیلار غضب کردکاردادردن — نه شرم ایلدیلر حضرت پیمبردن

چهار سمتدن اودویردیلار اولاندی — چوخ کوکه توسوسی عرشه چاتمغلاندی

اودوتدی لباسلرین دشمن اوسته نالهٔ کنان — دعیلدر و بیانه و حسین کویان

اودم که خیمهٔ سلطان نینوا یاندی — غلط دکل که دسیم عرش کبریا یاندی

داغیلدی او صحرایه آل آل الله — شرار کینه ایلن اهل عصمت اودلاندی

توتون باسوب یردی عالمی آفاقدا هوا — کورن دیردی که اولاد مصطفی یاندی

قاچاردی بر بریندن خبرلری یوخیدی — گمان ایدردیله کیم خویش و اقربا یاندی

اوچادرلر دوده اچیله دوده نار ستم — فار شد هر برینه آهوان بیت حرم

عدو ثقیفه کوینه یاندوردی اودون شرری — بیشه مارینه ده تایدی اشتها یاندی

کورن روایتمی یازماردم قویوب چیدرم
دلیم دوتارمی دیم سویدلار علی قزینی
آلندی فاطمه نون گوشواره سی دیرم
دلیم که بشقه سین اگدشمر کلشو یلین
دلیم که معجر زینب آلندغارت ده
دلیم که باشن آچوق کسدیلر دلیم یاسون
حرمره دیرم یازیانه اوردیار
تمام کهنه لباسین کیوب دا یانشدی
امام قتلنه گلمز مکه زنا زاده
محال در اولاری پرتلین کوره دشمن
اولاردی برج سمای حیا ستاره لری
قباقدا کونکیمی رخشانیدی وجود امام
حریر شعشعه آفتاب اولدورایچون
نه حدوار کوره آل رسول نا محرم
او اهل بیته که نازلدو آیه تطهیر
محالدور کوره بیگانه آل طاهانی
بلی امام حسین غیرت اوسته جاویردی

ولی او مطلبه بر مختصر اشارت اولور
دلیم که سویماید یلار زنا سنح روایت اولور
دلیم که المادی اعدا خلافشهرت اولور
اورک دوام ایلمز بدترین مصیبت اولور
نجه روا دو مکرر سیله عداوت اولور
او باشلار اوسته که کون دوشگه حجاب لری اولور
کناره آندیلار نورلرین که غارت اولور
اماحی الدیرن البته بیمروت اولور
بلی زنادن اولانلار دوچو حقارت اولور
دار اولسه کوردی دین بی نهایت اولور
نجومه مهرمنور نقاب صورت اولور
کون اولسه ولد وره دایم ثبات حکمت اولور
همیشه اوج فلکده حجاب عفت اولور
دیالیاسنه ال ورمکه جسارت اولور
اشارت ایلمکه هاشمی الده قدرت اولور
اگرچه ذلت اولور طعن اولور شماتت اولور
جمال زینبه با خماقده نقص عصمت اولور

ادام

آرام سیزام هانی قاسم هانی علی اکبر
غرض که خواهی نخواهی اوقوم کینه شعار
مقرر ایتدی عمر سعد شوم بداختر
کوروب شهیدلری آل حیدر اولانسون
چکلدی قتلگهه چون قطار آل عبا
ساتاشدی کوزلره پاره پاره قامتلر
خراب اولیدی او حالتده کاش دار فنا
اودشتده بدن پاره پاره لرتو کولوب
دوشوبدی تپراقه قربان کوه مینا تک
اسوب سموم ستم نطقدن اولوب خاموش
نه سدروانه کفن وار نه قبر نه تابوت
کورنده عترت زهرا شهیدلر بدنین

کلوب کوزه حسین اولدی خوار قردش کل
عیال احمد مختاری قیلدی ناقه سوار
قطار قافله نی قتلگاهدن چکه لر
یامان اورکلری سیر قدر اوتوقجا یانسون
نه نوع ذکر ایلیوم آه آه واویلا
قاچاردیلار اوبیابان آرا قیامتلر
باخاندا کوردیلر ظاهر اولوب اوچولده منا
اوروبلا جسمنه یین یره یاره لر توکلوب
جگرلرنده عطشدن شراره لر توکلوب
فضای گلشنه گویا هزاره لر توکلوب
اولوب پیاده آتندان سواره لر توکلوب
تمام ناقه دن اول بخت قاره لر توکلوب

تینده قتلگهه عترت رسول انام
گزردیلر او بیابانی واحسین گویان

تمام باشی اچوق سینه چاک یالین یاق
اودشته دشمنه بانگ آه وواویلا
گزردیلر دولانوب هر طرفده ناله کنان

ایدردی هر بیری بلبل تک آه گلینی سراغ
سریه قاسمی کوزلردی اکبری لیلا
کوروردیلر هامی باشسیز بدن قالوب عریان

سو یوبله جامه سنی قدمرد و نازندن
الین اوزاتدا چوب لف عنبر فشانین
با خوب اولنعشه پریشان اولوب بو لوکیسو
جناب زینب ایدردی بو نوع راز و نیاز
فراقدن سو آلوا تارفقادولار نداعیان
زبان حالیله هردم اوطایران فلک
گهی بوغازینی زینب وپردی آغلاردی
دیردی قردا اسیرم ندیم من گلباش
نه اوزرگه پرایه
چخانمارام سنی یاددا نه قدر جانم وار
ندیم نه چاره بو صحراده یوخدو درده علاج
بو گفتگوده ایدی زینب فرشته لقا
قولاق وسمته وروب ولغریب حواله

سکینه بدا اغلارقان سو سوزبو غازیندن
خضاب ایدوب آقان ساچلارینه تقانین
دیردی ای آتام اوغلی امان نه گوندور بو
گوردی پرپار آغ قوشلار ایلیو رپروازی
گلوب سپیله او عطشان بوغازده نوحه
دیردیلر سوسوز اکمش آقا هنیا گلیب
گهی ایاقلارینی قول سالوب قوجاقلاردی
خجالتم منه عیب ائمه ای الحسین قردا
یارالوپیکر یوین اوسته ایلیوم سیا
گوزیم یاشیله یوآق ساچلارالخانم وار
قالوب اسیر یاجون قاره معجره محتاج
ایشیتدی سمعنه ناگاه پرحزین صدا
گوروب سکینه هر دم دیوب ایدر ناله

اینم گونده غلره غمخوار هاردا سان
جان عزیز حیدر کراریم هاردا سان

نازنینم دخی سنه من چکمه نازیمی
یاخان زماندا او سمته سکینه مضطر

حالوندن ایله پرچه خبردار هاردا سان
نه گوردی گوزسون عالمده کاش هیچ

اهل بیت

مجلس احوالات صحرای دشت کربلا و کنار نهر علقم

هر گلستانه چرخ که نشو و نما ویرور
سیراب بیدر همیشه جفا گلستاننی
باران غصه گلشن ابراره یاغدیرور
غم صرصر ایله باغ وفانی خزان ایدر
ساخلار فلک همیشه زنازاده‌نی عزیز
اعلای اوجدن کتورور خاک ذلته
اخیاری دار کونده پیوسته خار ایدر
هر دهرده سالور نجبانی مشقته
اقلیمه پادشه ایدر آل امیه‌نی
صاحب لوای محشری قویماز آچه علم
عباس قوللارین بدننده جدا ایدوب
حلقوم پاک زاده زهرایه تشنه‌کام
فرش حریرو بالش زرین یزیده چون
آل زیاد قصرلرین زرنگار ایدر
اولاد طرب قوللارینی شادکام ایدر

اول نهال ذلته ذوق و صفا ویرور
دائم نقاط غم و درد و بلا ویرور
اشرار گلستاننه دائم جلا ویرور
ظلمت ریاضنه شرف انجلا ویرور
اللهٔ عزیزنه الم و ابتلا ویرور
اونایه تخت و مسند عز و علا ویرور
اغیاره جاه و شوکته بی‌منتها ویرور
آل زنایه تاج ایله زرین قبا ویرور
اولاد شاه لوکشفه کربلا ویرور
اعدای دینه اوج هواده لوا ویرور
دست سنان و شمر شریره جدا ویرور
شمر شریره خنجرینی آشنا ویرور
شهزاده اکبری قوری یرتنکا ویرور
طوی مجلسنده قاسم عزاسین قورار
قاسم عروسنه قوری ماتم سرا ویرور

دوکنار نهر علقم

بنات فاطمه چون اولدی اهل کینه اسیر
اوبخت قاره‌لری باهزاران درد و الم

گل ای ابوطی بخان یوسف زمانه بالام
بهار عمری دونن ظلمته خزانه بالام
ز بیخ تا بن بدی برگ گل لیمی جیحون
قالوبدر کیبی کوکون انگشته بانه بالام
نجه بابازی کوزون بیسی لطیف بدن
بالب بوخ یاراجخ اوغلان زاغ بالام
فتح انجخه دریارادا نجه نحه قالوب دوبر
نجه دوام ایدون سوزش نهانه بالام
بالا محتسی نیلا گچمی آنا اوره
شرارتیله اوداودرام آسمانه بالام
کلوب یانوندا یاناردیم قوچاقلیوب بارداو
نه چاره غم دوبدو الده تازیانه بالام
دوشن نجه دولانوردون صونجه صباغنجه
بویانان بو نجه قوتا راوسته قانه بالام
هزاره جمن گلشن عزت ایدوب
دوتوب سان ایکه قوری رده آب نشانه بالام
آنا منه اگلدی یانوخجه غریب آنان قالد

قالوب ایکی الی قوینده مضطرب احوال — زبان حال ایدر و بو دیللر یله مقال
کچن کجه وار ایدی آلتی نوجوان قرداش — امان حسین بو کجه دلشام عجب کل باش
کچن کجه سنه اولمشدی پاسبان عباس — قرا گیوب بو کجه دوتمشام الله یاس
کچن کجه که دیوروردون منه تسلی لر — نه کونده بو کجه گل کوزلری علی اکبر
کچن کجه سیندون خیمه لرده غمخواریم — بو کجه هاردا سان ای قاسم وفاداریم
دیوب بو دیللری آه و ائلار زینب مظلوم — نه کوردی ناله ایدر بیر کنارده کلثوم
سالوبدی آه ایله عالم لره شرار آغلار — دیوب بو سوزلری چون ابر نوبهار آغلار

گل آلتیو یاین مهتی عالمده ناتوان قرداش
قراتون اوسته بو سوز دو غران ناچون قرداش

یانمده علم یانمده لشکر یانمده جلال و هراس — کورو منیوردخی بیر ذره نشان قرداش
کچن کجه بیره تا صبحه دین کشیکچی ایدون — اوزون تیور بو کجه هارداسن امان قرداش
کجه قرانلوقده دشمن ایچی اورک تیتیاب — نه چرا یه یتن وار نه پاسبان قرداش
امان بو خورده جه اطفاله کل علاج ایله — یانار شراره آهندن آسمان قرداش
گیمون ایدینه قالسون اسیر یا جیلاردن — غریب اولکده یوخ بیر کسه گمان قرداش

اوده کوروله بیر بلبلون نواسی گلور
او لیل تارده لیلانون آه واسی گلور

گلی اوراباشنه که ایدر عذاری خراش — دیر بو سوزلری لاینقطع توکر قانیاش

نزول البیت

کمان یونه دین حسین دوبه نه خنجر زمانه بالام
کورم یاراسی یه منمن بنمبریبه بوغازون کوچ
ستم نشان اولوبون تیغ جان ستانه بالام
کتوب بسیزه آنا دو ادابار پشتمز یکلره بالام
دوتوب بیزه رضیه ده و قانمنمدن بولروبه
هیوب بیزه یاده ولی ازری ادغله بالام
هیاطرچیان بر غوقون اغلورنیلا یا نیه بالام
شمدیده کوهروتولد اچکن ابن خیبر و ولیل
اوفولیه منبندان اولد کولیوه بلندوار
جکوم دور دلبر بهرادیله و قهر فرولباه
قوطیب جکن کی آتا بیلده و درکر اندیه الاحی
جبیرو آسمن بیکو سوزلمن شیمعمتدردایه ودیم برسی
دویوبدز بادر شیممک یا بیفیح زاده ولیه یا لم
زهر کی کوری دونون طوغیه عالمرده زنجراینه یالالم
سالانه اانمی آتاره بون دیووبه بیده ره بالالم
دونن

دونن گیجه طوی ساسیله شاد حزین ایدیم — گل ایندی گور بو گیجه یاتشم قرایه بالام

سومو گلرون آیاقنده پایمال اولدی — نه نوع تاب ایلیدون اوقدر یارایه بالام

طویوندن یاسیوا اولدی آراسی پر ساعت — اوطاقون اولدی عوض تعزیت سرایه بالام

چکوم عروس غمین یا که اوز مصیبتیمی — ندیم تیتشیم الیم قوم و اقربایه بالام

قویوبدو ایسی گون آلتنده النعشوی عریان — گونون حرارتی یاندیردی یوخدو سایه بالام

سنی بو حالیله عریان قویوب گیدیرمی انان — گمان نه معجزه یوخدور نه بیر عبایه بالام

سالوردیم اوسنوه قاندن خضاب ساچلارمی — گیدنجه آغلارام عالم بقایه بالام

دلی نه فایده قویمازمنی یانونده قالام — اسیرو دربدرم شمر بیحیایه بالام

امان تیتش بو گیجه دادیمه ینا اهم یوخ
داخی گلوب تیتشن یوخدی بیر هرایه بالام

ایدردی هر زبسی بیر ولیله شور و نوا — کیمی دیردی اوغول وای کیمیسی بابا

پری دیوب بالا وا سینه سین ایدردی خراش — پری اتا چاقوردی دور بسی اهم قرداش

باخاندا زینب بیچاره نامان نواحوله — گوروب سکینه دن هر گز اوجالمیوب لله

ایاقه دوردی دوشوب هوله اضطرابندن — شراره عرشه یتوردی دل کبابندن

خطاب قیلدی که ای اهل بیت پیغمبر — هانی سکینه نه چون گلمیو صدا سی گلر

گوروب ولوبدی اول بدبخت قرا اهل حرم — صدای ناله سی گلمز نه یوخ سؤال و جواب

بو سوزده آل علی اولدی جمله دل نگران — سکینه نی چاقوروب آختاروردیلار جریان

در کنار نهر علقمه

اودوس فاطمه عرض ایدر دل فگار عمه
ادیم حضورده یم مطلب آشکار عمه

اتا محبتی شیرین دی عمه مهر اوشاقه
نه قدر خوف ادلا عشق اهلی مصطفا قورخماز
بو قتلگاهه گزدن اختاران و با خود دولانور
او ظلمت شب محنتده زینب بی یار
شهیدلر آرهسنده گزر دولر حیران
نه گوردی لر او قرانلوقده بانوان حجاز

نه قدر اولسه قاچار رباب مهربانه گیدر
تاپوب زیارت معشوق ایچون بهانه گیدر
یقین سکینه آتام دوغرانان مکانه گیدر
گوتوردی بالنجه گلثومی دیده سی خونبار
ایکی باجی نگران و مصیبتا گویان
ایلدی عاشق و معشوق طرفه راز و نیاز

یتوب وصال گله بلبلون نواسی گلور
سکینه نون بو مقالاتلن صداسی گلور

که یتوب یاین بو اوشاق هاشمی بلاده بابا
حجاز شاهی ایدون تخت نازعزتده
بو قدر زار بیتاب ایلدی نجه مدتون
نه چون بو نوع سنی دوغریوبلا خنجر ایلن
مگر اولنده مسلمان نه دفن قیلمازلر
ایدردی قوم منه خارجی اسیری خطاب
اورگده قالدی سوزوم شمرون گوتور قوتور خذیم
قوجاقلیاندا سنی اوردی تازیانه ایلن
نجه قرانلوقیدی ایلدی گلشم نهان

فراقی محنتیمی ایلین زیاده بابا
بو گون قوری یرا ولوبدور سنه ساده بابا
مروت هیچ یوخمش قوم اشقیاده بابا
قویوبله پیکر عریانله آراده بابا
قالوربو اسیی گون اکتند ابدهواده بابا
بو وقت اولو نجه دیلاردی شاهزاده بابا
بو خیدذره جه انصاف اوپچیاده بابا
که قویادی قوجاقند اتیم مراده بابا
سنونله سیر داشوم دردیمی خفاده بابا

زوال اهل بیت

[illegible]

سکینه‌نوان بو سوزندن مناسب ایکی مقام
گلل ایکید پیرجه باسوم باعزمه دویونجه
اولانزیاند سکینه حسینه اهم آغوشش
تیشدیلر آلوبان هر بریسی پیر باشین
زبسکه محنته باتمشدیلر فرقیندن
بیری دیردی قرلمیش سپاهی قرداشم وای
بیری دیردی گیدن اهل عبای شامه اسیر

خزاد توب باشوده قاره باغلای قدبالام
قوجاقلیوب اچی آخرقوجاقلا ماقد بالام
جناب زینب و کلثومی ایتدیغلری جوش
داغتدیلر یوزه زلف عنبر فشانین
بیری اویردی دالندن پیری ایاقیندن
بیری دیردی دیانان خیمکاهی قرداشم وای
عیال شیرخدانون پناهی قرداشم وای

چوخ آغلادی ایکی دردانه ولی آه
سکینه‌نی گوتوروب دوردیلار بناله وآه

کمال خوف و خطرلن دوشوب او صحرایه
نه گوردیلر او یانا خیمه ایچره افسرده
سکینه‌نی یاتوروب پیرطرف قیلوب آرام
کنار خیمه‌ده تشدیلر ابنلره یاتش
باخاردیلار اورکه قورخولی بیابانه
احاطه قیلمشد کوه دوشتی ظلمت شب
پیله کتورمشدی زاغ لیل ناره‌هجوم
نه لوردیلر نظره پیرسواره اولد عیان

یتوردیلر اوزینی ال پاک طاها یه
یاتوبدیلار اسرا جمله‌سی قوری یرده
چخوب کناره ایکی باجی بضعف نسل ظلام
چکردیلر اوقرانلوق کیجه نظامیله یاتس
دونردی خوف عدو دو اودکلرنی قباته
بسان بخت سیاه سکینه و زینب
گورن دیردی چکوب جرخه معجرین کلثوم
گلور اوخیمه طرف هزرمان باخارحیران

[illegible]

چکلش

[illegible]

قانو وارام اول ندی دلدل سواره علی
امان کلمه اسیرم ای سواره

ایدمنده حضرت زینب اقربی بو نوع خطاب
نه بیلیم سواره یلدوز بدوب بر

بوگون لیله اودوم صاحبم
علی مرتضا

هچکلش سینمه عباس داغی
سویوب دور نیزلری بسدور بوشکر
کفن سیز جانویروب شهزاده اکبر
الوب سردار بیز بیز قالمشوق خوار
سکینه بوخلیوبدور گورسه قورخار
بوگون چوخ چکمشوق درد ومصیبت
قالوب قرخدان بیر سلوک یاسلو عورت
حسینی الدیروب لر کربلاده
اپاررولار بیزی شامه پیاده
قریلمش اقربا بیز ناتوانوق
یاتوب ال علی بیز پاسبانوق
یخلسون کاش بو چرخون بناسی
اوغولسوز دور علی اکبر آناسی
کن راول ایدی شور حشر قیلام
اگر کلسون علمداری چاقورام

امان کلمه اسیرم ایسواره
الوب دور قالمیوبدور باشدا معجر
امان کلمه اسیرم ای سواره
یانار چادر چکیده دیده خونبار
امان کلمه اسیرم ایسواره
اولوب دور قاسم ناکام حسرت
امان کلمه اسیرم ای سواره
قالوبدور پیکری عریان آزاده
امان کلمه اسیرم ای سواره
حسین وای ناله‌سن شد باغری قانوق
امان کلمه اسیرم ای سواره
خراب اولسون کوریم داری فناسی
امان کلمه اسیرم ایسواره
تماما بیر پره دنیانی اورام
امان کلمه اسیرم ایسواره

دیه یوخ زینبون بیر غمکساری
علی تک وار آتام دین تاجداری

مطلب

مجلس ... مجلس

عذار خاکه دیردر گلستانلن زیور — مدام غم بولودین چهره سمایه چکر

قنادین آچماقه قویماز تذرو رعنانی — غراب دکر کسه بال آچدیرب هوایه چکر

کهی بدین یزیدلی اهلبیت مقتول — ستمله بیعت بوبکر بیحیایه چکر

کهی عداوت و کین ایله اخترن اولماز — شرارۀ سینه جگر پاک مجتبایه چکر

سالور پیمبر عیالین وطندن آواره — حسین قطاریمی صحرای کربلایه چکر

رسول بوسه کهین کسمکنده خنجر شمر — دوتمار پراتیش که ذبیح آتیمکه قفایه چکر

یارالو نعشنی تیراقلار اوسته خوار قویار — باشین جدا ده بلند اهلبیت هوایه چکر

عیال فاطمه‌نی باشی آچوق یاقه یالین — دوزوب قطار ریله زنجیر اشقیایه چکر

اسیر ایدوب یاران دوه ناقه عریان — حضور زینب و کلثوم نیوایه چکر

قرار گورلری یاندیرور اناثلری — هزار داغ دل خیره بینوایه چکر

لباس آل زیادی زرینه الوان — قرانی حجله داماد کربلایه چکر

کمال ذلت ایلن اهلبیت اطهاری — دیار کوفه ده بازار غم فزایه چکر

جمنده قمری طبعلی بزم ماتمده
ولنده نام حسین مجلس بکایه چکر

روات قصۀ جانسوز آل پیغمبر — وقایع اسرانی دیروب بو نوع خبر

چو نهر علقمه دن اهل بیتی قوم جهول — سوار ناقۀ عریان ایدوب بحال ملول

ادوبدی زاده سعد لعینه فرمان — روان کوفه اوله عترت شه مردان

بو حالتیله بولارلیک اهل بیت رسول
ندیم اوریکم دیرم چونکه نی‌لیه‌جکم کوی
نچون بیخیلیدی کوکلر داغیلدی عالم
یا زوندیلار علی سر برهنه بی معجر

نچه دیوم که گر غیرت ایلیوردی قبول
تعجبم بو ایشه لا اله الا الله
عیال شیر خدا جمله خلق نامحرم
دیار کوفه‌یه داخل ایلدی‌لر

کورن زمانده بو اوضاعی زینب نالان
یوزین حسینک باشنه دوتدی ایلدی فغان

دیدی که ای آتام اوغلی شه حجاز کریم
عجب خانملوقه چاتدیرسن ایوین آتشی
اسیر عیالیوه باخ پرجه اهل کوفه‌یه باخ
حرملردن باشین آچوق بیله نقابسیز جیزینی
منی نه کونلرده گوستردی فلک ایلدون
باشیم آچوق آغلارام ساچلاریم یوزیمده نقاب

ایدن همیشه رسول خدایه ناز حسین
نه تخیشی ایلدون عالم ده سرفراز حسین
اوقانلو گوزلروی قیبل بو سمته باز حسین
غریبه مجلس عشرت اولوب طراز حسین
نگور مصیبتم ایندی غمومده آز حسین
نچون بو حالتی کوردون دمنه خوار حسین

اوزون اوگونده میندیه بو نوع خار ایلدون
کیم اولسون ایمدی منی زار و چاره ساز حسین

دیوب بو سوزلری قرق حسینه باخدی عیان
کورنده یاندی آتشدی بسان پروانه
دیدی حسین بوگون عالمی خراب ایلدم

نه گوردی سن که الله قانه اولوب الوان
پیراه چکدی شرر سالدی گون اهکانه
بو قاره ساچلاریمی قانیله خضاب ایلدم

قلبونده کرچه واهمه و اضطراب وار — صبر ایت نقدر جسم ضعیفونده تاب وار

چوخ تنکه کلمه جور و جفای زمانه دن — پیچاده کل بو ظلمنده حسن المآب وار

پیغمبر اهلبیتی سوز اتمه عیالی سوز — سیزلرده عصمتیله مطهر ثبات وار

تشویشه دوشمه چوخ ایلمه قیلما واهمه — مندن یانوندا آخری ما انتساب وار

درکیلر جمالوی نامحرمون کوزی — تقدیردن مقدر اولان پر حجاب وار

مهر منیر عالم ابدا عدده تمام — حکمونده اختیار تمام جهان وار

سیز اختران برج حیا سوز کوروزمه یوز — چون اوستوزده شعشعهٔ آفتاب وار

شمعون فروغی اولده وز قویماز عیان — کون اولسه کوکدن انجم چرخه غیاب وار

کوکب قالور حجابله تحت الشعاعده — مادام مهر انوره چون التهاب وار

ابلیس حور جنتی کورمک محال وار — دوتمش الیده ملائکه تیر شهاب وار

خورشید نورینون قباقنده ستاره لر — پنهان اندی درک نور بصردن حجاب وار

هیچ فرق یوخ حدیث دحی امامده — تیغ دو سر الینده امام بوتراب وار

هر قدر ظلم اولسه اگر ایتمیشم قبول — چون اتنه شفاعت یوم الحساب وار

قیلا نزه ماند آنکلم سر امام زمان — باخوب پیری برنه اهل کوفه پیر و جوان

کوروب بو حالتی بعضی ایلدی غفلتدن — چکلدی هر بیر اسی قورخودان کنار کنان

باشین اشاقه سالوب دوردیلار خجالتدن — روانه منزلنه اولدی حسین کویان

دوزدلیسنده جدا لرده باش شانه کیمی — نافچه فرق حسین قرص ماه پاره کیمی

ایدردی ناله هیران زار وخسته جگر — بری دیردی حسین وای بری علی اکبر

بری دیردی اولان طوطی خاسی تاتار لب — بری دیردی سوسوزدوغراندان جوانلری

بری دیردی منی شام کندرن بابا — بری دیردی قوری یرده جادرن بابا

او ظلمت شب دیجورده ناله و آه — صدا صدایه ویروب آغلاشوردی آل الله

اومه لقالره زینب ویروب تسلی لر — دیردی آغلامیون پرشکسته بلبل لر

بری دیردی منی چوللره سالا نقیردا ایش — بری دیردی تنی بی کفن قالا نقیرداش

بیچوب جیمیردون که صولینسه سماقسینه — اوشاقلاریمی یاتوردوب آپ لوب قوجاقینه

بری دیردی بنی من طعامه محتاجم — بری دیردی خوم کلیورامان آجم

یاتوردی جمله قوری یرده آل یاسینی — اوری کنارده آچمشدی زلف مشکینی

یاناردی غمده دل داغدار شل کباب — دیردی من نیجه یارب بیدیم بو حجسته باب

بودرده تاب قیلوم یاحسین فراقینه — صباح چکلیه زیاد اوغلونون قباقینه

قورالا مجلس عشرت تمام نامحرم — آچو خد باشلاری قرخدان اهل سلوک الحرم

سسین چخار مسوب آغلار دید جونبار — مبادا اولمیه لر آل مصطفا بیدار

اپاقه دوردی نیدن عروس بخت قرا — نه کوردی خوابه کیدوبدی تمامی اسرا

تیشدی بلبل محزونه وقت راز نیاز — فضای گلشنه غم تیدی ایلیه پرواز

قدم کوتوردی شتابیله بادل پرخون — اوزین یتوردی کوک باشلارا اورک محزون

اچوب قراساچیمی قانلو نفشون اوستونه کیدیم — نشانه قانوی یا فیدیم بو زلف تاره عم اوغلی

بلی کرک یده معشوق نازی عاشقه ا تا — ایدرمی ناز بو قدر یار یاره عم اوغلی

دالونجه دوشمزیدیم اکر اولمایدی دلیلیم — باشون جدا ده قباقجه جوبانه یاره عم اوغلی

دیه غمون قمری عشقده نالیه کلمز — همیشه آغلیارام قالیوب بهاره عم اوغلی

کچه قرانلوقه وردیمی دانشاقه کلیدیم — بو یورگوردم ندی فکرون منده دوباره عم اوغلی

کیدنده مجلس ابن زیاده دارنه علاجون — اودیم کلین باشش آچوق ایسه ر نظاره عم اوغلی

نولیدی منده اولیدیم کلوب سنه نشدیم — قویدیلر سنایه نقشی مزاره عم اوغلی

الیم جهاندا داخی قبرده تیشمیه جکدور
کلوم جوقمری دلخسته آه وزاره عم اوغلی

غرض کچوب او کچه اولدی صبح نورانی — اچیلدی جیب سحر کچدی لیل ظلمانی

قوزولدی مجلس ابن زیاد بی پروا — مقرر ایتدی کرک مجلسه کله زهرا

کلوب خرابه یه غیرتان آل زنا — ایاق ایچون عیال رسوله اولدی بنا

قباقجه رئس جوانان آل پیغمبر — دالنجه قوللاری باغلو اسیر عورتلر

چکلدی مجلسه ذلت له سید سجاد — اولیدی کاش کوریدیم خانه فلک برباد

اوزمه دا جسل اولوب اهلبیته دل خسته — تمام صف دوزولوب دیلرایاق اوسته

بنات فاطمه دورشدیلر ذلیلانه — تجبرانه باخاردی او ابن مرجانه

برابرنده قویولمشدی رئس پاک امام — ازل باخوب دوباشا غیظلی او نسل حرام

عجب ظالم ایدی اول رکن دینی
قویوبدور آل علی
علاج ایت اولدرولر عابدینی
اولوب باجون نقش یوخ و مصیبت

خراب اولسون کوردیم کربلا
صالوبدورلر آل عبا
آه اولدولار بو نینوا
یا پیچون هیچ کس یوخ و مصیبت

سوبوبدور ظلم ایله اول کلشن
یانوب غم بشغنه جسم و جان
اولوبدور قبری ...
واحی قربان بوخ ...

مجلس جوابات ایدن

جواب ویردیلر اول کافران ملک عرب
دوتانمدی سید سجاده یا خدا اول غضب
جواب ویردیله حضار ای امیر پیمبر
دیدی او ظالم بدین و نا درست جهول
بو بوردی سید سجاد ای ستم گستر
دیدیکه او مرتد بدخواه و ظالم گمراه
بو بوردی حضرت زین العباد ابیدین
بلی تو نفس جهاند اخالق دور
اشید چکین بوجوابی او شوم و بد فطرت
او دین امیر قباقونده قولارنیده طناب
زبانه چکدی جهنم کیمی عبید زیاد
کیرنده مجلسه جلادلینه تیغ بلا
دونوب سیرلرون قلبی پاره دن قانه
باخوب حسین باشنه زینب الم پرور

بو دور علی قرنی زهرا نشانه سی زینب
دیدی بو کیمدی دیون اهیون منه خطاب
حسینون اوغلی علیدور بو نوجوان اسیر
حسینون اوغلی علی دلیوب مگر مقتول
او قرداشیمدی که اولدی جوان علی اکبر
اونی تیوردی سنان سینه اولدوروب الله
حسینون اونده خرابی ولدملت وآیین
دلی فساد ایله مقتول ایدن خلایق دور
دیدی قالوبدی مگر سنده ایده جرأت
بو جرأت ایلدون سن دوباره رد جواب
گریه صوتیله سلندی اتید جلاد
او جالندی آل عبادن سمایه داد و بلا
تمامی قویدی بنا شور و آه و دافغانه
زبانه حالیله اتید بو دیللر ایله از بر

که ای باشی ایدن قرآن تلاوت قالان نقشی کفن سیز شاه است	

عجب قالدون بو ظالملر الینده	بزه سیرداد رس یوخ و امصیبت

سلامت اولسه باشی عاشقون بلاتیدار	بلبل عشق بلا خوف شر و شور اولماز
ره نجاته قضا باغلار عاشقون یورسه	اونون ایچون نه گذرگاه ونه عبور اولماز
بلادن عاشق ایدر اقتباس نور دلا	بلا جهانده بلا سیز ولاده نور اولماز
گراتیمه زکریا جفای ارّه تاب	کتاب تذکرهٔ صابر وصبور اولماز
کسلمه باشی طشت طلاده یحیانون	جلال ورتبه‌سی آفاقده ظهور اولماز
علی بو پایه سنه محرابده قزل قانه	جزاده ساقی کوثر من الطهور اولماز
دونزر بلا ره عشاق وصل یاره ایسترسه	جمال یار سون پای بنده حور اولماز
دلا سی آرتوق اولا کیمسه‌ده بلا چوخ اولان	چکر فعقدر اولا تکمیلنه قصور اولماز
اولوبلا چوخلاری عشقون شهیدی تشنه‌لبه	عزیز فاطمه تک هیچ بری جسور اولماز
باتوبدی عالم آرا چوخ بدن قزل قانه	حسین جنازه‌سی تک پیزاردکور اولماز
شهید اولوب شهدی ازنین یاره تک	قالان زمانه‌ده ابدانی بی قبور اولماز
اولوبدی گلشن ماتم‌ده چوخ نواخوانلار	دلی چو قمری نالان باشنده شور اولماز

چله روایت ایدوب راوی غم سعدا
دیار تفده بعد از شهادت شهدا

اسیر آپاروبله آل رسولی دل خسته	قالوب تن شهدا ارض نینوا اوسته
دو شوب تمامیسی اتقانه پیکری عریان	یارالو جانه باشیز بدن تن عریان
اوچولده اوچ گیجه کوندوز منافیح لری	توکلمش ایدی نه دفن ایلین نه نوحه کری

دفن شهدا

دیه سن واله اولوب طور محبت ده کلیم ... دشت سیناده کوروب نور تجلایخلوب

پله قامتده که همتای دگل سرو ردین ... گلشن جنت اراسایهٔ طوبا یخلوب

نینوا دشتنی گویا پله پرنور قیلوب ... کوثر وب عالمه موسایه بیضا یخلوب

یا گر تخت جلالتده یاتوب یوسف مصر ... مات و مبهوت ایلیوب حسن زلیخا یخلوب

نکهت مشک معطر بوریوب صحرانی ... یاره لر سینه ده چون نعقد ثریا یخلوب

باشنی یوخ قولاری یوخ اوخ اوروب اودشته ... صانه سن شهپر آچوب قافده عنقا یخلوب

هر طرفده ده غلوب مشک دوشوب تیر قبه ... صانه تن شهپر آچوب قافده عنقا یخلوب

هر طرف دوشمش علم شقه سی قانیله خضاب ... دیدیلر پس بو علمدار ید قطعا یخلوب

کوردیلر صاق طرفده قلم اولمش ایکی قول ... بدندن آیروب خنجر اعدا یخلوب

اوردیلر باشلارنه مسلدیلر یا عباس ... سن اولن صورتا یقین خانهٔ زهرا یخلوب

باسدیلر سینه سنده قولارنی بسته اغلادیلار ... دیدیلر کاش کورمدوق که بو دنیا یخلوب

ای اوزون قوللو علمدار وفا یو حسین ... عجز ایله درکهوه قمری شیدا یخلوب

اوپروب آغلادیلار اول ایکی وفا بنیان ... دوباره قتلگهه اولدیلار پیاده روان

سوزتر شهیدلرون دوشدیلر آره سندن ... باخاردیلار اولارون جسمنون یار اسندن

اوده کوردیلر پر گل بدن دوشوب مجروح ... نجه بدن که لطافتده دورمشانه روح

ییتدیلر اول پیکر مجروح عطشان اوستنه ... کوردیلر پر جسمد وعریان دوشوب قان اوستنه

احوالات

اولیدی قبیله اهلی دیار نصرت سن
ایدن ایاقدین لشکری سپیم خانمان فر احبیبن
دوبیستون فضلی عالمه اولادی روبوده بر خبر ایلین
تفصیل اولدی نه عیلیله اوز ایل تعلیلنا مادیب
جیار آجیب اولدی اوجیزا اوجیلی علی اکبر جرت اولیانه
نه اوزدن او سید اولان نلغمون خلتی ن عیال یمن
خیمه یاره دوزبه فاصلون خودنبیه ده اوزدون خلق ضغر
اودم جیخون ره اوزده یه اوزیح اوزده اوزدن اوزب
فخان اوده ایچیده ده شفقت ایسیده وزرع اوزدن اوب
ال حرم ایلدی بیکیبده ده نیکیراوب
الی علی اکبر ده اوزیلر ایلی حرم ده یه

یوزیلار اوزرون اوزه اوجیلی اوزب مومنان
نه قیبیله قدیدلر اوزدون جهرون اوزیر قبیله ده قره اوزب

سمول قبیله اول وصل ایبدی
دیون نه حالده وار کربلا شهیدلر
امیدوار بیرحمی هزاره شهیدلر بیزین
ویرن زماندا او صدیاره لر بو زمانده
دیون گوزلی او چیچکلر می او شمره فنه
او قاصدان دیار بلاجیم چشم پر آب
قبیله اهلینه ویر وجود بیلر ایله جواب

گزدیلر او بیابانده حسین گویان اولوبدر کربلا دشتی ترشک وادی طور	چوخ اغلیوب اولادان ایچدیلر آه و فغان نه کوردیلر چخار آسمانه شعلهٔ نور

دوشوبدی پرچه بدن کربلا سواره لردن
هنوز قان توکولور چشمه پاره لردن

اسیر اولان قولی باغلو او بخت قاره لردن یارالی سینه ده چوخدور گوکون ستاره لرندن باخان حسابینه عاجز قالور شماره لردن سمایه نور چخار زخم آشکاره لردن او بی کفن قالانون آهنون شراره لردن حرارت ایتمه گین اهلنون نظاره لردن الوب له دم تیغ شکسته پاره لردن	یوزی اشاقه یاتوب گویا خجالتی وار دور دولاندیروب یوزینی کوردیلر او پاک شهیدن او قدر یاره اوروبلار پر پر اولوبدر تنه بجد نه غسل وار نه کفن وار نه جامه وار نه لباس یانوبدر کربلا دشتینون گیاهی سراسر شعاع شمس حریری کفن جنازه سی اوسته گوبلر اللرینی اولدیلر زمان او جماعت

گوروب شهیدلرون حالین او غمزده لر
توکردیلر گوزینون یاشینی بسان مطر

قبیله سمتینه یوز قویدیلر جگر پرخون قیشدیلر او ایکی زار و دلشکسته روان زمین کربلادان گلورنه نوع خبر ویروب جماعته گویا بودیلر ایله خبر	ایاق یالین باش آچوق سینه چاک و دلمحزون قبیله اهلی تماماً اورک لری نگران باخاردی پیر و جوان انتظار اولوب نکسیر او دمده باشلارینی ایچدیلر او قاصدلر

ای اهل قبیله بو غمدی چاره
یوخون باشندن ایاقه تازه قاره
قالوبدور نعش عریان آل حیدر
گوزون کسند قوبان بو غمده ورم او
قویوبلار کربلا شاهی یالغوز
اولوب بکر قالوب بلا او غلوز
قرارت

[illegible: diagonal marginal text along the top and right margins; partial heading: … امام حسن علیه السلام]

ورت اوسته دوشوب عباس قولی لوز	گلمش قولاری نمندن کناره
عیال مصطفی شهر و وطن سیز	جدالر دو گیدوب باشلاری بدن سیز
علی اکبر قالوب غسل وکفن سیز	قوری یرلرده جسمی پاره پاره
قویوب دور کربلا دشتنده محشر	اولوب دریا کمی قاندان سراسر
بو غازی اوخلانوب شهزاده اصغر	کون اتشنده یانار اول شیرخواره
اولوبدور نینوا صحراسنی آلقان	گوبر چوخ جوانلار تشنه قربان
قویوب لر قاسمون گل جسمن عریان	اسیر اولموش عروسی باشنده قاره
حسینون سولدیروب لر گلرینی	بچوبلر قوللارا رسته یکرینی
کوبوب زنسار بانی الدرینی	اوروبلار یاره اوستن یاره یاره
دوشوب ذلته اول عطشان اولنلر	دونوبلش یاره لر مثل ستاره
کون اتشنده یانار باسیز بدن لر	تماشا قان اچینده بی کفن لر
زمین کربلا دور کوه سینا	جگر قمری صدا ای و احسینا

عزادوتمش او شاه تاجداره

مجلس احوالات دفن کردن قبیله بنی اسد رحمة الله علیهم شهدای کربلادن امام

[illegible: diagonal marginal text along the bottom and right margins]

اگر بو بوکلر یوز دشمنه ایده اهمال
بو کون بو بوکلر یز گرا و لوبله کم جرأت
منیم دالمجه کلون کربلا زوّار تینه
اگر تاسنی دفن ایلمک ده اولمادی حال
باشک چدهجه سی اوردیره تکالرین
روانه اولدیله کرب بلایه دیده تر
اوشاقلارین بوادیین کوزرمان عترت
تمام زلفی پریشان تمام سینه سی چاک
دیرو دیر بله شوب وای اسیر اولان زینب
کیمی اورار و کلنک ایله عتلو سینه سینه

علی اصغری دفن ایلیون امیرای اطفال
نجه اوداد اولاق یزید پلیده بیغیرت
علی اصغری باری قوناق مزار سینه
او شاقد قبره قویا تو حد اولما سوناماک
اولوب اتیاق لری چاک قیلد جامه لین
چکوب هامی فریاد وا علی اصغر
دحی کتوره یزتاب کتد صبر و ثبات
کوتوردیلر اله پیل و کلنک و لنمناک
دیرو دوسس قوم اناث خیل عرب
دیردی یاندی سینون نو لور سکینه

کیدن زماند بو حالیله فرقه نسوان
تمام عترته کلدی صغیر و پیر و جوان

کیمی کوتوردی کلنکی کیمی سی پیل آپارد
بوآه و زار بله اول شیعیان شاه نجف
تینده کرب بلایه اوده گریان لار
دوشوبله خاکه نه باش وار نه ساق عضاده
توکلدی نغشلر اوسته قرالو عورتلر

کیمی بو پور مکه قبر اوستینی ایده چاروب
حسین دفینه بو یرد ید کربلایه طرف
نه کورد و کور دو ز ایلوب ال اچیده قربانلار
قالوب بالاسی کون اتقد اشاه شهزاده
فغان و آه ایله باشد اکوتوردیلر معجر

بیرده ... کرنده وار انحک دوران ... خون ...
... قاسم ... دهر ... چادر ... جوان ...
... زین ... سدی ... قاسم ... حسین ...

فاطمه ... ایلوب صابر ... علم
ای حسین حسین واحسینا ... ابدی ... جوان
... کیسنه ... ایلوب ... حسین حسین ... قاسم ... واحسینا

امام نقی اول مزاره قویوبدی تخم
... ملک ... بو خبر ... زینب نه ...
فاطمه ... اوروب ... آه ...

تمام

تمام قالشدی مات وعاجز ومبهوت — دوشوب تحیره فیلسوفلر اولوب سکوت
نه قدر فکر ایلیوب ایلیورلر چاره — اورکلری نگران دفن رشیده آواره

نه گوردیلرکه اوزاقدان سواد غم گورونور
غبار محنت وگرد غم الم گورونور

سمایه شعله لنوب نور نور آرسنده‌ن — فروغ مهر درخشنده دمبدم گورونور
دلی کلور تور آرسنده پرجون اتا — اوزی جواندی اولوب سرو قد خم گورونور
فلک کیمی دولانور ایراق ایتسندا — بسیط ارض وجود ایله کالعدم گورونور
اوسمتدن تیتش وقتده مشابه نسیم — بیان مشک معطر شمیم شم گورونور
نجه کلور رخنه سی چاک ایتسند عمامه — سرشک دیده سی مانند موج یم گورونور
دیرورکبی حرکت باشنه سمایه یا خار — کمال احسنده چون آهوی حرم گورونور
شباهتی بوریدن آیرلیش مثال غزال — پراوچیدن دیه سن ایکی بدرم گورونور
بعینه دیرروب لنوب دامن خاب کلور — نشان ناصیه دن صاحب کرم گورونور
عباسنون اتکی آفتاب مشرق تک — فروغ نور سمایه چکوب علم گورونور

کلوب تیتشدی غرض اولجوان نورانی
منور ایتدی جمالی فضای صحرانی

نه گوردیلرکه ایندن آلوب الیه پرباشش — تیتشدی پربدنه توکدی گوزلریندن یاش
دوروب اوتغنون ایاتی طرف بان غلام — اوده وغرانان بدنه ایلدی بونوع سلام

جناب ذات اوسنه اولین صورتا آرتا مادمن
او ظلمه اتحدیلر الحفا سلام علیک
وفالیوم وکلمه یه وفا سلام علیک
قالوب عیالاری غم ودن لنده سن کیدوم
سکینه آدلو فرزندن سن سلام علیک
حرام اولوب سنه ذوق وصفا سلام علیک
کتوبر غم بانوی فن ایدوم ازاده فو یام
ملاحظه ز بیون اولون شفا سلام علیک
دنی دوقولاری تحیره باغلانان زینب
ماوماب بولا ساکدا خفا سلام علیک
بازاوتمنی قالان اوچون وحجون اران
قتیل خنجر ظلم وجفا سلام علیک
تن حرامم اشتلی سلام علیک یترول
یوفاری اوسرکه مصطفی سلام علیک
کولنه سهنده سجا الخفا سلام علیک

احوالات

امیدمز سیدالشهدا اول لیکن بدر ایام
ذات ستمده نور وبیری ایده راهم
تیتشدی پرایوزنده‌ن جدا او لونمن
اوقیدرا غلادی ازلمنه دوشوب
اهل وفاداره

کمال حرمتین باغدی کلفت ساره
ارنجی ایلدیکدی بوتوع سلام علیکم
سره مفتعیره ودوفاداره موسرادمی سلام علیکم
سفوده اولنده ای اولمه ادی اوزاتحکن
امام حسینه علمدار عموسلام علیکم
قره لنده اسدنی اسلم هرتش
رکیمی نمونه علمه اولمقش لکن مز دوراتش
الده فیمبر ادی ننکنون ایمه سلام علیکم
ادیکار علم یدنه اکمدون کی ائت نی ان
فیقان جدا ره رعموادر کوسلام علیکم

احوالات ورود اهل بیت

شهر شام نظم

نجح چمدون ... زنانده ...

[illegible]

قبیله اهلینه باحدی اودل فکار جوان
گل باغ وفایم بین درده مبتلایم
غنچه لقدا سولشیم غمدن کباب اولمشم
نخلمون جرخ خون طی قی چکوب سینمه تیغی
دوشن بلایه باشی قرخ ایل تو کن زنانی
ایچن مصیبت جامی کورن غم ایامی
بو باش پر شور روشن دوازامام شرقان دور

زبانحالیله کویا بو نوع قیلدی بیان
یانار جانم جفادن منده صاحب عزا یم
اوزاق یولدان کلمشیم اسیرنا توانم
کورن قرداش فراقی من دردیه دوایم
علی اکبر قرداشی جان آل عبایم
زمانه نون امامی بیمار کربلایم
سو نور الن حسینه منده او ناقونا قم

قبیله اهل خبردار اولان زمان حاله
یتوردیلر کوکه فریاد و شیون و ناله

زیارت ایلدیلر شاه کربلا باشین
دیردی جمله سی روحی فداک یا مولا
اولوب مابین اباقدن الین اتاث کور
او باشی جسمنه ملحق ایدوب ... وفقا
قویوب یاقیون لتنده اکبری مخروش
قویوب فرات کنارنده قبره عباسی
قالان شهیدلری مزاره قویدی تمام
بیله قویوبد شهیدان کربلایه قرار

قوکردیلر آقا وای ناله سیله کوز یاشین
اولان بو تعزیه حسن عزاک یا مولا
قبوری قیلکه اماده اولدیلار رنجور
امام نعشنی دفن ایلدی امام زمان
حبیبی ایلدیلر آستاننده مدفون
اولوب دوشن یری حرون مزار زوار
فروغ اولان صور اغایب نظردن اولدا امام
اولا فغانیله قمری همیشه تعزیه دار

[illegible]

سنه سلام و دعا گوندروب ای جون گلثوم — قالوبسان اسیر و گرفتار عمو سلام علیک
عزاتون اوسته گرگ دفن ایدم سنی یا قوزی — قالان زمانه ده آثار عمو سلام علیک

اولان بو دشتده سقالقون سون معلوم
گلنده قبره زوار عمو سلام علیک

ایدوب یارتی و سرداری مضطر و دلریش — گزوب بدنلر آرسنده ایلدی تفتیش
تیشدی بیر تن عریان نوجوان اوسته — او نعشی باغره باسدی گلوب فغانه او
اوپردی یاره لرندن کنه قوجاقلاردی — باغاردی حسرتیلن زار زار آغلاردی
سلام ایدین صورا اول نعشه یا بلال بکا — زبان حال ایله بو تقریر ایلدی دلوب گویا

دورا یا قه ایکی ماه تابان قرداشم
نینوا دشتنده قالمش سنیه بولان قرداشم

یوسف ملک مدینه شاهزاده قرداشم — یا همتن کامه جهاندا قانه غلطان قرداشم
یا تمسان سن پنجر لیلا آبان اولمش اسیر — قانویلن الیموب دور زلفیلن تو قرداشم
سیر بولوک اهل حرم عشقونده دوشمش چوللره — سر بسر مجنون صحرا و بیابان قرداشم
حیف او سرو قامتون چوللرده قالمش سیکفن — نعشوی دفن ایتمگه یوخ بیر مسلمان قرداشم
نازنین جان قرمزی قان زخم پیکان سچاب — ایسی گون نازکیدن گل جسمی عریان قرداشم
بیر نفر دور نکله چکمزدی هیچ خنجر منه — اولی سید کوفه شهری کافرستان قرداشم
وای منم احوالیمه ای بو غمسن صورا — فرح اهل الشام بکا و آخر یدجر انده تاب نشم

قیشله

زهرا قیزی حسین باجیسی شام کوچه سی
یارب نه چکدی زینب و کلثوم بی نوا
بازارده علی قیزی زینب شتر سوار

یاندی شرار طعنهٔ اهل ظلامدن
شهر دمشقده نفیلان ازدحامدن
عورتلر الده دف چالوب عشرت ایلمدن

قسمی الونده دوتدی شرار کاغذ و قلم
تحریر قیلیا کچ بو غم افزا کلامدن

چو آل احمد مختاری لشکر عدودن
قالان رها اودا غلمش دیارده گمراه
یزیده تا اولا معلوم علین صورتحال
متن نامه اوبیدین و کافره نامه
حنا یاخضاب ایکیسونله جامهٔ رنکین
کوتورسون الله تکبیر دف و چغانه و چنگ
بناشیتله قورولسون اهل عیش طرب
سرور ایلین چخالار پیشوازه جمله ناس
کونده بربنه خلق ایده مبارکبا و
چو انلار الده حنا پیشواز ایده یکسر

اسیر ایدوب آپارولار حجی شامه یالدکن
روانه قیلدیلار قاصد او فرقهٔ بدخواه
صباح اسیرلری ایلسونله استقبال
مقرر ایتدی تماماً جماعت شامه
جمیع کوچه و بازاری باغلیوب آیین
کروه ناس کیسون لباس رنگارنگ
کلور اسیر بو شهره علی قیزی زینب
کلور جدا ده علمدار کربلا عباس
نجونکه وار داولور شامه قاسم داماد
بو شهره داخل اولاند اعوان علما

عرض کورولدی بو یاندا تدارک پیشواز
او یاندا قلبی یارالو عیال شاه حجاز

بشهر شام

امان حسین ایوین آباد قویمادون منی تعویل
منه نه چاره که نامحرم ایچره باشو اچیقدور
کنیزلر کیمی بزم یزیدده ایاق اوسته
بو حاله باجینی قرداش سالورمی ای آتام اوغلی

بو کثرت و بو جماعت بو ازدحامه نیتوردون
بو گونده زلف پریشان سیاه جامه نیتوردون
کمال ذلتلن آتیمه قیامه نیتوردون
منیم ایشق گونیمی لیله ظلامه نیتوردون

عرض عیال رسوله اوفرقه کمنام
نظارین ایله یلر دلیتیمله و اهل شام

سرور و ذوقیله اولقوم تجمّیت و نثار
کیمی دیردی بولار اهل شدیلر طغیان
بیری دیردی عجب تیدیلر جز اسنه
بیری دیردی باخ عورتلره چگونه آه
اسیر روم و فرنگ و حبش سیاقنده
اویرده دوره شده دسته دسته جمع کثیر
ستمله ساخلادیلار بله نقاب و پیراه
ایدردی باشلاری اولقوم شوم نظاره
بیری دیردی بولار دینیدن اولوب گمراه

چالوردیلار نی و نای و دف و چغانه تار
کیمی دیردی که نه خاکیله اولدیلار یکسان
بیری دیردی باخ عورتلردن عز آبنه
بیری دیردی ذلیل ایتدی بولاری الله
چگوب گتوردیله بیر مسجدون قباقنده
عیال شیرخدانی شتر سوار و حقیر
او اهل کینه دوروب جمله سی تماشایه
باخاردی گاه اسیران آل طهاره
یقین که خارج ملتدو اشهد بالله

بیری دیردی بولار دیندن اولوب گمراه
سبب و دور که یزیده اولوبدیلر یاغی

گلزار حسن ایچینده گلوردیم ترنّمه
من قیزاو شاق گزوم دولانوم قوی باشیم خوده
لیلا اماندی آجری باخ گور نه گونده دور
اولقدر نغشون اوسته توکوبدور ساچین بوب
بیر کهنه قاره معجره محتاج تا المشوق
خلق ایچره ساغلیوبله گذر کاه ئز یزی
بو ظلم بوندی منده باجو پرده بوآنان
دورشله دسته تماشایه ییزلره

ای تیر سولان گلوم واجی سنده قرار یوخ
نیلوم واجی بوگون منه بیر غمگسار یوخ
معجر باشمده یوخ نه نقاب غذار یوخ
گزلتمگه جمالیمی باخ یوخ نه تار یوخ
دشمنده رحم پرده وا جی اختیار یوخ
خلوتده ولدالا تماشاچون پیر کنار یوخ
بو ظلمدی اهل شام نه غیرت نه عار یوخ
انصاف دن بوقومده اصلا شعار یوخ

ویندده قرداشنه دردینی یکینه دار
اورکده غم لری جوش ایلدی گردش فلکار

دولاندیروب یوزینی باخدی سمت داماده
زبان حالیله گلدی بو نوخ فریاده

داغ فراقدن تبر عالمده داغ یوخ
فصل خزاندی لاله دگل یوخ نه باغ یوخ

عشقوندچولره منی مجنون ایدوب سالان
که مسجد ایچره گاه کلیسایه یا تشیم
اولسون بو غملو باشوه قربان عمو قزی
بلبل همیشه گل بوداقنده افغان ایدر

من گزدیم کوه ودنه صحرانه زاغ یوخ
آج وسوسوزنه فرش ونه شمع وچراغ یوخ
دفن اولدی نعشون لیکن اوندسراغ یوخ
بیر دسته گلدی نیزه باشوندبو داغ یوخ

قارنیلین جالیبوق قارنیمن اوزیدون
ایلیدیم آجری بوندیرین ایبلیدم اوروب
بیچیره یاخیلمانوب اجویوق ال ایبع ایام
ایلوب ایوب لیکن ایوب سهل اتن یعبیده
وارینیم اواراده هم برات معمور

اوچمبدن اوچالوب اکلیکین الایدکا الیع یوالا
گوزورایله بر یرجین ایندی ایتیا ایبین
نشانه ایله سلطان ایبین ایلا باین
سوالایله ققالوبا شاه جهاد اوندنه
سالوب ویلن جعفا لیازه اوم ترش طلاوند
سالوب ونیک ایبجیر بیان ورداده
جنبدگکدی الا ایبچیر بیان اولدده
اولود مده ال سیلدن اوقاملدا ولده
جنبدو کوکلره یدون صد یا اله
باجوب نکورد یله گلا تمامی حضا
جیکدنا دال اولدن دیو
همان اوروز نده بش نفر زنان یا اگ
قالوب ودشتا رون اقشدا حماد ولد
اورودم علا قرنی ایبن ورادجی گوزده یاب
حسین باشنه گوبا بونوخ قیقد یحطاب

قوددیکی نه عمر تاب دوتین عشقا ددوار
قوجه ساده دست نه اراده دوار
ابن سیعد بیلی جفاسی یجید یادیلن انا حسین
اجرودن جفاسی خدا ادن بوش اسم جعاده دوار
اغیز فنح ظلم دار سر بو شام جعاده دوار
که دینی اورالاقان قویاکل جعواقوه
که علوفه دشمانی دل زین ابیجاده دوار
ایزالحیان ایری بیکی اجوق بم بو نیزقنی
ایا بو عادت ماینی داغ عشق باده دوار
انصاف یدرد

اضافه دورمکر اتام اوغلی بوللار باجا
آیارواودومن قوللی باغلو شتر سوار
گون دوشمیوب ساحلیارادنیاده یا حسین
پیچ پرچه قان دوتان گوز باخ عیالینه
لله وردیمی دیرم الیرم دعا
قهر خدانه جوشه گتورم پیرا آه یلن
دنخلم ولایت ایچنده دغیدا مام
قلبم کیمی ظرابه قویام عالمی کرک

قروادرکلین وار المحرم وار شاهزاده وار
باخ کورنه قدر اهل تماشا پیاده وار
پیلونلره تبه زینب بخت قراده وار
اورام شراره هرنه که وار فناده وار
کورسون نه قدرتی نجه قدرت نماده وار
غایب گلسن آخری باشون جلاده وار
اورام شراره هرنه که وار فناده وار
چوخ تنکه کلمشم غم و درد زیاده وار

فرخ ایل دی بزم تعزیه ده کوحسین دیر
قمریتون آه و ناله سی کرب بلاده وار

ویوب بوسوزلری زینب غمی اولاند بلند
نه کوردی لر اوقزل قانه غرق اولا باشی
گنه دوباره اوندوج خنجر عدوان
اوجالدی نیزه ده فرق امام سویلدی آه
عیالی اوسته سالوب تلتفات سایه سنی
کمال حسرتیله زینبه باخوب اوجناب
مبادا انکه کلوب دوشمه اوزکه حالته باخ

دولاندی نیزه ده اوجنده سرسعادتمند
جدا اوجنده توکر قطره قطره کوزیاشی
تلاوت ایتدی لب خونچکان ایلن قرآن
صدا ایلندی ایلدی لااله الا الله
قرائت ایلدی کهف و رقیم آیه سینی
مناسب ایدی دیردی بود بیلا ایله جواب
کرکد وصبر ایده سن هرغم و مصیبته باخ

دریغ المیون ای توابع موسی
یهود طایفه سی باطرده جمع کثیر
نجه دیوم اورکیم یاندی الفلک صداه
فراز باده بیر شوم ظالم کمراه
کلوب مقابل اولاندی سید سجاد
همان عمامه ایدی اول عمامهٔ شکین
همان عمامه ایدی هر تلنده پر توحید
همان عمامه ایدی ورشد دینه رواج
همان عمامه ایدی عطری کوکلره ریور
همان عمامه ایدی قبه سی چه پرتو ماه
همان عمامه ایدی طاق عرشدن اشرف
جفا او دنیله او عمامه او دوده توب یاندی
او جالد ناله سسی اهل بیت طاهادن
قارشدی سر برنه اهل بیت پیغمبر
غلط دکل که دیوم دوشدی کل عما یاس
سکینه باشنه اوردی باخوب حسینه طرف
کباب اولوب جکریم یاندی سنده قالمادی تاب

نه قدر ایتسه ده وزالیمون بو قوره جفا
جناب سید سجاد دست بسته اسیر
نه نوع تاب ایدی عترت رسول الله
قارشدی روب شرر آتشیله خاکستر
توکوب عمامه سنون اوسته اولنجیده نهان
او دنیله اولمشید مصطفی براق نشین
توتوب باالهده باشنه رسول مجید
او دنیله ایتمشید عرشه مصطفی معراج
نماز عیدده باشنه قویاردی پیغمبر
او دنیله محکم اولوب لا اله الا الله
دوراردی دورت طرفنده ملک صف اندر صف
نه نوع یاندی شراره چکوب اولاندی
زمانه تتردی فریاد و حسیناه دن
اسیر در کنجران تک جداده کی باشلر
جداده اغلاردی فرق حضرت عباس
خطاب قیلدی امام العزیز شاه نجف
توکوب کوزنده یاشینی ایلیرم جهانی خراب

[illegible]

فلک جفا ایله هر قلبی قانه دوندردون
عزیز کیمسه لری قویمادون ذلیل ایتدون
بلا اوجنی او قدر پیر اوسته یاغدردون
ملال و حزنله هر شاد قلبی دولدیردون
سکینه نی قوله باغلوب ساوب بیابانه
فراق اکبره لیلانی بسکه آغلاتدون
حسین باجیسی کلثوم شام محنتده
نه الملر چکدی سنه فاطمه قزی زینب
عروس فاطمه نون آهنون شراره سی
علی عیالنی چکدون یزید مجلسنه
خرابه ده او قدر ساخلادون اسیرلری
هر ایل زمانه اما بن خرابه مسجدده

همیشه گلشن عیشی خزانه دوندردون
اشین مدام جهانی فغانه دوندردون
وجودینی غم ایچون آشیانه دوندردون
سرشک چشمنی سیل روانه دوندردون
فغان و ناله سنی الامانه دوندردون
عیون باکیه سین ناودانه دوندردون
گلی خزانه دوشن باغبانه دوندردون
شتله قامت سروین کمانه دوندردون
شراره شهب آسمانه دوندردون
مثال جاریه آشیانه دوندردون
گل عذارلرین زعفرانه دوندردون
قوری یره اوسته یاتان پاسبانه دوندردون

کمال حزنیله فرخ ایل مدام مسیر ینی
ریاض تعزیه ده نوحه خوانه دوندردون

مدد خانه محنت نگار اهل اسیر
چو شام شومده گلزار حزن لاله یری
غروب وقتی گتوردی او قوم بی ایمان

قوتوبدر نقش سوادیله لوح غمده اثر
گرچه خرابه یکیمی کوچه و محله لری
خرابه مسجدی آلر سوله ویردی مکان

احوالات

[illegible]

خرابه نون قالوب سیند امام عرشن وقار
ستاره لر کیمی باشلار جدوه جلوه کنان
چو بلبلان چمن اولدی ناله دن خاموش
اولاندا ساکت او شیده صدای او بیلا
باخوب سرایره کوردی یوخلیوبله تمام
بوایش بواش یرید ظلمری ایدوب طغیان
کلوب داباندی علی اکبرون قبی قندا
کمال حسرت ایلن اوز جوانینه باخدی
اوغول دالینجه او مجنون دشت اولان عاشق

عیال فاطمه یه پاسبان ایدر پیمار
سرامام نجوم انجره چون مه تابان
کیمی کیدوب یوخنیه غنچه دکیمی سهپوش
ایاقه دوردی علی اکبری الن لیلا
دوتوبلا جگله سسی فغان و فغانلر آرام
قیندی باشلار اسیر باخد دیده سی کریان
نه کوردی قان قورولوبدور بوتور دوده قنده
سرشک چشمی عذارینه سو کیمی آخدی
زبانخا لیله اولدی بومطلبی ناطق

که ایجماعت کلستانی حزنه لاله بالام
کشیده قامتی دوندرن هلاله بالام

جاوون عاشقیم کلمشیم تماشا یه
دوشوب قراکونه قرخ ایکدونسدن اریلایه
آدیم زمانده لیلا اوزوم که مجنون
کهی منی یاتوروبلار قوری کلیاده
دوبونجه آغلاماقه شمر تیموری آنادی
کنیزلر کیمی ساخلانمشیم حجابسده

نقاب چکمسن آلقا نیله جماله بالام
الیم تیشمیوری حسرتم وصاله بالام
مگر که عاشق اولانلار دوشر بو حاله بالام
کهی ایدوبله پیاله بولابو حاله بالام
باشمه قیچی اورار ایلیبیده ناله بالام
ایاق یالین باش آچوق یانشام ملاله بالام

شراب مجلسی قوردی ساطزرد قیام
دیریلدی مجلسه زینت ذوق و عیش تمام
علاوه حکم ایلدای اول شمگر بنک
چو بزم عیش طرب تاپدی زینت تزیین
اوشوم فرجه صلا خدادن ایتمدی شرم
بلند قیلدی صدسین شال کلب عقور
بو بزم عیش و طربدن وار ایتمدی مطلب
کیدون کیدون کتوروا اهلبیتی پز بسته
کمال ذلیله دختران شاه نجف
اکابر و امرا وار حضورینده سا قیمده
بو سوزلری ایشیدنده او قوم کینه اساس
کوروب بو حالی او جاللدهمیرلردن آه
قارشدی خوزده وشاقلاریری بره تکبیر
فغان و آه ایله سالمشدیلار فلک زه آه
او بخت قاره‌لر و اومحمد اسندن

نای ساز و نواز و هاس بربط و تار
مقرر ایتدی او بزمه کله اکابر شام
او بزمه حاضر اولا ایلچیان روم و فرنک
کلوب اکابر شام اولدی جمله صدرنشین
نجه پیاله‌ می نابدن اولوب سرگرم
ویدی وایا منیون ظالمان پرشر و شور
گرکدی مجلسمو زینب اولاز بنف
گرک بو بزمده دورسون بو کون ایاق او سینه
بو مجلس ایچره دوراباش آچوق ضعف اندر
قویون حسین باشی قاتیلین قباقیده
خرابه تیشمه بده اول کروه فساد
تیشدی عرش بریه صدای یا الله
پری ویرده حسین و وای پری علی اکبر
ویرد یلرشوب ولمش میش یعباس
ملکلر آغلادیلار شور آه و اسندن

عرض قوز ولدیگر و به بندی بازاری
طنابه باغلادیلار اهلبیت اطهاری

دونش مینده گوردوم هانسی گلشنون گلی من
اودون مدور گیمه ور استنو گیمو قرتین

اولوبسان هانسی چمنده هزاره گس گیمین
سپهر حزنه اولوبسا ستاره سن گیمین

بو سوزلری اشیدنده سکینه قالمادی تاب
دیدی که ای ایلین خانمان دینی خراب

من هر یتیم و بیکس و نالانم آغلارام
یوزنازیلن سرادق عصمت ده بسلنن
نامحرم ایچره ساخلاموسان باشن آچوق منی
اوچ قرداشم اولوب عموم پر غریب آتام
لب تشنه جاور دب شهزاده قرداشم
ساخلاتسان جماعت ایچنده نقاب سیز
فرخ گون باشم آچوق گنور دب لر بوسیی ده
الله رضا دمی بیله خوار ایتمین پرنی
الدور مکون جوانلاری بس دگلدیمی
رحمون کلور سرنیون آچیلر دو شاخه سین
پرباشی ال نجه دو شمنشم آواره چول لره
سلطان کربلا قزی عطشان سکینه ام
دونمش خزانه بارید ده غنچه گل لریم

قلبی یارالو دیده سی گریانم آغلارام
ایمدی ذلیلی فرقه عدو ایم آغلارام
بزم عزاده زلف پریشانم آغلارام
جان تالیمودی منده یاریم جانم آغلارام
سنده سو ایچمین لب عطشانم آغلارام
آخر حیا دا ایمدی مسلمانم آغلارام
گون تایدز دید ایمدیده عریانم آغلارام
ساق قالمکه بو گونده پشیمانم آغلارام
شام ایچره طعنه دن جگری قانم آغلارام
زنجیر ایلن همچاو ورزندانم آغلارام
مجنون دشت کوه بیابانم آغلارام
اکبر غمنده قامتی چوگانم آغلارام
قمری صفت همیشه نوا خوانم آغلارام

مجلس یزید

نوار دو زينب ويرمون نه اهل قرني
پيغمبر بوبنت محمد سلمان سن
قان ورا اولوب ونكاغه دو لدودردون
بيمر اوغلی كيرب ولاده الدي دون
بو فاطمه باشی اوردی قوندی فرياده لگيزن
پيغمبر دوبو ظلم ايدر ديلم
اولهل بينه لی نازه لو ايه نظيم
فاطمه ناطقه اوغلانی یوريه اودونی پيغمبر
بوله پيغمبر عليه بو خلق ناحق م
بيماندر ا انسی نه را الدوب بو نوع سم
كيم او پيغمبر پيونون عمتن بو حاله سالوب
نا ادی پرده بو قان شقاوم وقتی قالوب
بابا صبر ايدر وق پر عيال زيارو ق
بريد آخر بو قن گرچه غواره دنيا بو ق
بيلمزی بو حاده سالان پيچ اودو نمانه
يقين بو قانلاری قان صاحبی الور قند
اولوب بو يه ظفينه كي فرو كيند

ويردي ذوق وسرور ايله دمبدم شعار		كلوب تكايه اول شوم ناكس وغدار
	ليت اشياخي ببدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الاسل	
ثم قالوا يا يزيد لا تشل من بني احمد ما كان فعل خبر جاء ولا وحي نزل		فاهلوا واستهلوا فرحاً لست من خندف ان لم انتقم لعبت هاشم بالملك فلا
	ديوب بو كلمه لري او ستمگر سفاك لب حسينه ايدردي شاره ايله پاك	

واخي على قرني زينب ده قالمادي آرام
اولب لريله دولوب لخته لخته قانلرين
نه شرم قيلمادي اللهدن ونه پيغمبردن
بو باش او باشدر خدا مطلعده وازندن
بو باش او پادشهون باشيدر ولايتدن
بو باش او پادشهون دورياسك گوهره
او باش صاحبی او پادشهوندر ايكي افسر
بو باش او پادشهوندر ايا ستمگستر
تو يوب قباقه قوروب بساط شراب قمار

خطاب قيلدي كه اي بيحياي بد فرجام
اورار گسلمش اولون چوب خيزران ايلن
الوب ورارسان آغاج مصطفى اوپردوگی دودان
اوپردي جدي پيغمبر بو سوز بوغازندن
اوشاقلقنده اونا دايه ايدي روح الامين
ديوب جعلت فداك اونا رسول الله
اپاردي گوگلره قنداقني ملائكلر
سواردوش قيلوب ناقه اولدي پيغمبر
نه غيرتك نه حيا ونه رنگك وعار ونوار

ديدی زينب اوخشايوب بو ياشی بويه بيان
اووم ايا قوردو ويرردون معلوم
ديدی ايمزينه وادمه اولما
شون بابو نه اک فاطمه يه دو فان
نفعت اب ايدوب سواد البنده قا
ياره ضربت بابا بن نه كورمدن
اوب بهمر تخن كوندردي [illegible]
بيعوب اشاره ابنه اريان ديدردی
يا بچه وادبن ايده يه
دا اد

داماد عمواوغلی یاخشی مقام وفاده سن
باخ هرچه آشکار ده سن نه خفاده سن

قرخگونده‌ی سن آیریلیم چوخ کلّ اوزاق
شام یتیشنه سون منی ای بی‌وفا کنیز
سن یاخما دون مگر دیدون فکر یته قالا

حوریله جنت اراسن حفاده سن
حوریله جنت اراسن حفاده سن
آخر حضور باهره مصطفاده سن

دوباره ایلدی شامی دین بوزین تکرار
دوام قیلمادی کلثومدن کسلدی قرار

یوزین دولاندیروب او فکر زشت بنیاده
دانشما هرزه ایطالم بوبه یاور کنیز اولماز
عروس فاطمه بنت شهید کربلادور بو
گوزوه اعمی قولاقون کره دولال دلّ و شوندکی
زینده حضرت کلثوم اونا که نفرین
دخی شل ولدی شاره یدن لی درحال
شاوحد قیلوب اهل بیت پیغمبر
دوباره قیلمدی یزید پلید نظاره

خطاب قیلدی که ای ناکس زنازاده
عیال مصطفی اولاد پیغمبر کنیز اولماز
مه برج حیا جان علی اکبر کنیز اولماز
اولون شل ای ستمگر عترت حیدر کنیز اولماز
یتوب قبوله کر و گور و لال اولوب پین
کناره چکدیله مجلسدن آیدی حق پامال
نه چونکه آلدی جزاسین او شوم بداختر
کمال ذلت ایلن عابدین پیچاره

سؤال قیلدی دیون که بو نوجوان کیمدور
زمین ماریه ده آلیوب قالان کیمدور

شام شوم

دوران ایچره عالمی پر انقلاب ایدر

[illegible]

آرایه عابد بیماری آلدی آل عبا | دیردیلر بو مقالاتی ایلیوب انشا

جاندا با شوق یکسر قرایه
دوشوبدور باشمز یوزمین بلایه

امان دوریا علی دور کل هرایه
اولوب قرداشلاریم گرفتار بلاده
کمانم پرکلوب نه یین آل عبا ده
قالوب دور قرخ اسیر ولگدر
بو بیچاریده مظلوم الدور و للر
اولوبدور نوجوانلار پاره پاره
امان الله یزه سن ایله چاره
قالوب نعشلار بو صحرای بلاده
دونوبدور گلشن ایمان خزانه
نجف شاهی بابا یا تا نجف ده

بوگون یوخ رحم ایدن آل عبایه
قالوبدور جانمز یوزمین بلاده
اونی سالمشلار دورده پدوایه
نه قاسم وار نه عباس و نه اکبر
الیم تیمز آتام شیر خدایه
اسیروق باغلانوب زنجیر و ناره
بوقوم اسیر گنه سالسون عزایه
دمشق اهلی باخالار هر طرفده
داخی صبر ایتیمه گل شام جفایه
گوروم یارب داغلسون بو زمانه

گلوب دور قسمری نالان فغانه
حسین وای ناله سیلن آه وایه

مجلس احوالات وفات جناب سکینه خاتون در خرابه

وفات

[illegible]

ظلمت غمامنی چخاروب اوج رفعته — سد فروغ شعشعه آفتاب ایدر

صباغ دهر چوخ بویا دورتکرک غم — پیوسته قد عاشقه الوان خضاب ایدر

اولاد وآل جمله جانندن ال چکوب — خاکستر اهی نقشی ایچون زرخضاب ایدر

دورتمین یارانی بربری اوستن ایدر قبول — ارتورماکه دوبارکه سؤال جواب ایدر

بزم وصاله تیکه قان دستماز آلور — یارین اوجانیتنده مجیب مجاب ایدر

عطشان دیرور بو غازینی خنجر قباقنه — باشین کسنده حنجره نازعتاب ایدر

پرذوق وشوق اله ویرو جانانه جانینی — جان ویرمکین عوالمه شیئی عجاب ایدر

سرپا برهنه دوست یولنده اعیانی لعینی — کل یوزلرنده کوز یاشنی چو گلاب ایدر

پرایل قالور عیالی وطن بیر خرابه ده — مغلول دست بسته غل وطناب ایدر

اوچ یاش یاریم سکینه سی ویرانه خرابه ده — آغلار گیجه صباحه کیمی اضطراب ایدر

قربان اولوم وفاوه شه کربلا حسین — قمری خمنده آهیله دنیا خراب ایدر

بیله روایت ایدوب راویان محنت شام
قالوب خرابه ده بیکس عیال خیرانام

گیجه گوندوز الی قوینده دیده سی گریان — اوپرشکسته لرایلردی ناله وافغان

کچوردیلر نیچه مدت بو حزنلن ایام — فغان وناله دن هیچ دوتمازایدیلر آرام

زمان عصر ایدی بیرگون سکینه مضطر — دوشوب خیالنه عزتله بسلنن گونلر

خرابه ده گوزی یاشلو ایدردی رازونیاز — دکلدی هرگز اونی ساکت ایلمک آرام

سکینه زینبه باخدی چکوب طراخ اه اه — جواب ویردی که ای دختر ولی اله

عجب دکل که بو حاله قوزن سکینه دوچوب — ززیغ غم ایچون یاد ایله سینه دوچوب

یامان اوزنم ای بنت پادشاه حجاز — امام امام حسینه مدام ایدردم ناز

دوقوزیدی یاد ایله ایتمه ملک منظر — محبتیله آتام وبیردن ترحن دیدی

عالم

[illegible]

علی اکبریمون یاده خط و خالی دوشوب
سبب اودور که آخار چشمه‌نگ گوزیمدن یاشی
گیندیروب من دلخسته زرینه لباس
منی گورنده گولردی آچوب قوتلی آنام
تنیجه زنگی لباسین تمامه گیمیشم

ایکی الا گوزی اهم آی کیمی جاله دوشوب
دوشوبدی خاطریمه اکبرون قلم قاشی
آتوب قوجاقه گزردی منی عموم عباس
باساردی باغرینه قویمازدی اوزگه ایله تمام
بو وقت اولوبجه بی کهنه جامه گیمیشم

همیشه باغلامیشم باشه معجر گلدوز
من اولمشام آنامون آی جمالنه دلدوز

نظاره ایله بو اگینده لباسمه یا رخ
دوتوم که من دیه‌لیم ایلهسن اوزون انصاف
خرابه‌لرده قوری یرده اوچ گون اوچ گیجه
یاپاردی زینب عمه‌م یدیده الم پرور
غروب وقتی ایدی اولجاقت غالی
سکینه باخدی دیدی عمه قیل منه اظهار
جوابی وردی او نازنین فرشته مقام
گیدوبلر ایولرینه چون اولوبدو وقت غروب
سکینه چکدی بو سوزده یانوب کنه پرآه
مگر هرزیم بو حدده خانمانیز عمه

یاتان قوری یره باخ زینت سما یاتاخ
یاتولمیور که سالام اوستمه یاتاندا لحاف
یاتیشم آچوق قالاپر کهنه معجر محتاج
ولی دیردا اوشاق ساکت ایلین دیلیه
گچردی دسته بدسته یانندا اطفال
هارا گیدیله بو اطفالیلن صغار و کبار
بو دسته دسته گیدیلردی اهل کشور شام
بولارا اوشاقلار یدا اونلارا اولوب حنجوب
دیدی بوتسترن دایه بی منی آگاه
خرابه‌لرده امان چکدی جانیمیز عمه

وفات

[illegible]

[illegible]

اگر اولوبدی آتام خانهٔ خدایه روان
سبب ندور که تمام اهل بیت پیغمبر
نچون صباحه کیمی هر گیجه اولار نوحه‌خوان
اتوب سکینه نه کیردی خرابیه زینب
پیری اوپردی گوزندن پیری دوداقیندن
اولوبدی نصف شب هر قسم اولسه زر الی بوش
باشندا زینب و کلثوم با ملال و کدر
نه گوردی که یوخودا اول صغیرهٔ مظلوم

نچون اولار باشیمه تازیانه شمر شنیعان
کهی دیه حسین وای کهی علی اکبر
دیر سوزا و خشیو بان قولاری دوشن عباس
ایتدی آل علی باشنه اوظلمت شب
او طفلی هیچ یره قویمازدیلار قوجاقیندن
او طفل الیدیلر خواب راحته مشغول
یاخوب یو اتش یو اش اغلار او هر گیجه
آتاسینه بو مقالاتی ایلیور معلوم

سندن صوره زیاده خوار اولمشام بابا
یوزمین غم و بلایه دوچار اولمشام بابا

اول یوردور که کرب و بلاده تا لانمشام
قرخ کون یولی پیاده قولی باغلو گلمشم
کاهی اوروب منی دوه دن سارباننجوب
کاهی دیوبدیلر منه اینجار جی قیزی
باشیم آچوق محله و بازاری گزمشم
عمم تیمک آدینی او ستمه قویوب
ایدی اودن آدی گوزریم اغلار خرابه ده

شمر دون الینده بسته تار اولمشام بابا
کاهی برهنه ناقه سوار اولمشام بابا
مشغول آه و ناله زار اولمشام بابا
که تازیانه الینده زار اولمشام بابا
الله بیلور نه نوع فگار اولمشام بابا
بی‌صبر و بی‌ثبات و قرار اولمشام بابا
ویرانه لرده تعزیه دار اولمشام بابا

[illegible]

یا اباتا من کان رأسه علی السنان
یا اباتا من لیس یبعون الا الکیان
یا اباتا من الاصابعات بعمامه
یا اباتا من بعد کی و من جسده
یا اباتا من یتغور ان لم [illegible]
یا اباتا من بعد کی و [illegible] بناه
یا اباتا لیتنی و بعدت الیوم
لا اری شیبک مخضبا بالدماء

دیب بو سوزلری عمی ایدوب ...
ایدوب ... ناوکی اوردن [illegible]

او طفلی زینب ...
... بیر زنبه

او وقت ... ایکن اوردوکی ...

... اوردن ...

... دیدی ...

مکتوب تمام اسیران کربلا داده
خرابه ده او گیجه ظلمت شب دیجور
حرم سراده یزید لعین بلا ایمان
غلام گوندروبن اولدی هر دو آگاه
حسین باشین آپاروب اول تمام لاله
قویوب باشی طلا ظرفده چکوب مندیل
خرابه ده گتوروب قویدی گوروده غلام
او دم خرابه شام اولدی پیله نوحه سرا
اوتوب سکینه قباقنده قویدیلار شورا
بویوردی زینب ایا نور چشم شاه زمن
الندی چونکه کناره او ظرفدن مندیل
ازل او باشی او توب باسه غلو سینه
او قدر اغلادی اولیاشه سبکه قیلدی تخالی
او دل فکار اسیر جماعت اعدا
دوتوب تبرک ایچون اول کلامنی منظور

قیامت اولدی عیان اولشب نجم فزا
قیامت اولدی هویدا ایدون نفخه صور
گوروب که چیخدی سمایه خرابه دن افغان
مقرر ایتدی او بیدین ظالم گمراه
گوروب تسلی قاپا تصور ایلدی فغانه
یوزینه چکدیلر دیباج سبزدن مندیل
قویوب سکینه قباقینه تا دوتا آرام
گورن دیردی قوپوب شور یوم عاشورا
دیدی سکینه طعام ایستمز اورک هیهات
من ایستین بو دور ایتمه قریحم داخی شیون
یخلدی اول باشون اوسته سکینه اولدی دخیل
باخاردی حسرتیلن اولشه مدینه سنه
غمندن اولدی او آگاه کیمسه جز الله
ایدوب بحکلن بو مقالاتی حزنلن انشا
کتابه نوک قلم یازدی اولیوب مسطور

یا اباتا من ذا الذی خضبک بدماک
یا اباتا من للنساء الحاسرات

او تلفلن گوزینی ...
... دیدی ...

دیدی و دوغن [illegible] آه اوردی ... لیلا
... ایچمدی ... اوردن ... آغلاما لیلا
... سوز ... عالم اولدی ایندیده
سیال خونیله ... اولمسم لیلا
بایجا لیلا دیدی ... ایلیه
ایکی جنت قاره ... جانان ... باغلاسون
بیر وصال ... جان ... باغلاسون
سمزاده

گلزار حزن لاله سی ایدیم خرابه ده
هر زینت وقدار کیمی جا بجا قیلون
پر بلبلم او چوب گیدرم ابر کاشنه
ایدی بو بزمه قابض ارواح تیرکور
آل باشیمی دیزه اوستنه بیمار قرداشیم
پیشواز ایچون قباقه چخانلار چوب دیلار
دیر شاهزاده قرداشیمون قانلو کونکین
سیزده بو کون منی ایله بوش سالمیون یولا
کهنه لباسیلن منی کوندرمیون امان

دونسکلکه خزانه گلستان یاد قیلاشوب
اولماقدان اوتری شکل آسمان یاد قیلاشوب
هنگام شور وفغان یاد قیلاشوب
دوزر زنانه اچیکه بو جان یاد قیلاشوب
منده تلاوت ایتیکه قرآن یاد قیلاشوب
اولما قلوقم او عالمه جهان یاد قیلاشوب
لیلا آنام اودور منه درمان یاد ایشوب
پرتازه تحفه ایتیکه احسان یاد قیلاشوب
وقت عطای خلعت الوان یاد قیلاشوب

گتوردی آهله اول قانلو کونکی لیلا
سکینه آگدی چکوب ناله قیلدی واویلا

او کونکی باسوبان سینه سنه سوکلدجان
علی عیالنه پرباخدا اول ابر نقب
جفامی چکمسن البته خملو چا قوزده
اوتو تمارام منه کومتر دیکون وفالر بو
نه کون اوزی نه کجه یاتمسان نه بو خلاصان
اون آیدی قویاسام پر کجه سنی راحت

بو کون باجون گلکه جک قرداشیم سنه مهمان
دیدی که منی دلتله ساخلیان زینب
یاتو رسان کجه لر صبحه دین قوجاقوزده
گلنده شامه بو یولده چکن جفالر بو
آلوب منی دوه دن سیون اوسته خلاصان
منی فرصت ایدوب چکمسن اوزون دولت

دولاندیروب کوزینی اهل بیته پر باجدی دیدیکه اشهد ان لا اله الا الله	اوقانلو باشن اوره که اوسته کوزلری آجدی پیمبر ید و محمد علی ولی الله

کل ریاض عزا اسنده قمری نالان
سرشک چشم توکوب دمبدم ایدر افغان

احوالات مجلس مرخص شدن عترت خیر امام از آنشهر و خرابه شام و رسیدن آن اسرای نجبت قرا بصحرای کربلای پر بلا

بیله روایت ایدوب کاتبان خزن و ملال پر ایل خرابه ده محزون و بیکس نالان کوروب یزید بو مدتده چوخ علامتلر دخی سبب بو ایدی شورش جماعت شام علاوه هر کیجه رؤیاده اولنک غدار نصیب اولدی او ناپاک لعین بد اختر نه قدر دین قالا جاقدور عیال شاهِ امم مرخص ایلیوب اهل بیتی خضال	دیارشامده آل علی پریشان حال حسین دیوب کیجه کوندوز ایدر دیلر افغان عیال طاهره دن کشف اولان کرامتلر دوشوب خیالنه اولمشدی بسکه بی آرام کوروب که قورتمامیله حیدر کرار نه وقته تن دوشه جک دوره ده آل پیغمبر خرابه لرده قوری یرده ساخلیوب با غم اولورسان آتش قهر خدا ایله پامال

اکر جهان اولا یاقوت کوهر الماس	دکل بهای سر انکشت حضرت عباس
اکر طلا ایله بردن فلک طرازینه	عوض اولورمی علی اصغرن بوغازینه
فضای عالم اولا سیم زر ایله مالامال	اولورمی قاسم شهزاده قاننه تمثال
یزید آچوب دلینی ایلدی دوباره سؤال	بوقدر وقته کیدمه یچون دیدی ایله حلال

بو کفتکوده مناسب وار ایدی جای مقام
او ظالمه بو بوراید بو دیللر امام

سن بو عالمده مکر سر خانمانی بخمیان	بلکه باطنده ایدوب ایران جهانی بخمیان
جمله پیغمبرلره آتش باشنی قرباد ایدر	خانه آباد ختم انبیانی بخمیان
سن بخیان ابو باشنی ایوده رشکیه باخکلن	قلب پاکی حضرت خیر النسانی بخمیان
کوشوار عرش رب ذو الجلاله سند ویروب	باطنا عرش عظیم کبریانی بخمیان
توکدیکون پرقان دکل بو پرقان دکل بدن قان کل	عالمی والده رسین کوکده مکانی بخمیان
آلمسان آیت قرآنه ورقدن سر بسر	الده ورب قرآن ناطق پیشوانی بخمیان
سقف مرفوعی قیلوب ویرانکن الله حالکیلن	علم ایلن بیت معمور خدانی بخمیان
متن معنای کلام الهی جوریلن پوزوب	دهرده الله قویان رکن بنانی بخمیان
رشته حبل المتینی اوزن سن جشاد ایلن	شکل اشید ورسرورکل کشانی بخمیان
سن پوزوبان سن بخوبسان ایوی قالیوب	چرخ اطلسدن ولی تحت الثرانی بخمیان
شاهبازاوج عزت یوربالین سند یروب	طاوس کلزار جنت آشیانی بخمیان

سن فلکانه [illegible] ایلن یا اولوب ایران طلمنه
صبح [illegible] زیبان چیلر ده آل ... بخمیان
... عبا مصطفانه بخمیان اوزان ...
[illegible]

مصطفا ص آل عبانه بخمیان

خنز او بنجه قبری پنجانمان قوپاد ایدر
کلشنی ویران ایدوب سرور واند بخمیان

عرض ایله [illegible]

[illegible]

غرابه دن بویوردن اولکه بجاوه [illegible]
بعض بلار

سکینه قبری قبلدی وداغ اهل ولم

خرابه دن چیخوبان قبریلاری کنا ره قویم

دوزوبلر نظام و نظاره محمل ...

گلوب کجاوه یه الکیدی آل ...

بیر ایلنده علم اهل بیت حجه بوار

نظام اهل بولادو چیخمیک کجه دوزدولر قطار

نظام اهل عیالی کجاوه دل ماتم ...

باخوب [illegible] کوردی [illegible]

محمد ومضطرب الحال [illegible]

نقص ایتمک [illegible]

سینه‌ده بالار اسیر اجه‌سی پریشان بو او کربلاده ستمدن غمزدن اولالار		سکینه قبر بنوین اوستنده آچدیلار کیسو باخوب او قبره اورار دیه باشنه تکبیر

کیمی دیردی گل گلشن مدینم وای
کیمی دیردی گلغنچه اولن سکینه وای

کیمی دیردی اسیر جفا سکینم وای		کیمی دیردی عمه بتلا سکینم وای

او قبر ای باغریه زینب توب طلالیلن
دیودی بیر یار او بیلر زار حال ایلن

ایا دورگوزن اچ باخ بو آه و وایه بالام اولن آی خرابه ده دستمزا زوی چکدیکیم غریب اکه ده بیکانه لر آرا سنده اکر آتان حبر آسا ها نی یتیم قریم نجه دیوم قوری یرقو طلار اوسته چادرنی نجه دیوم که غریبه مزار اولوب قالدی بوروشه حالیوی هند اگر عمون عباس دیسه اکر علی اکبر ها نی سکینه باجیم غم ایتمه قبروی شام ایچره قویارام تکوز سنون کیمی اوزیمی ایلرم غریبه مزار		عمه ند حضرت زهرا گلوب نوایه بالام باتوروب آخریمی تازدن قرایه بالام سنی قویوب گیدیرم دشت کربلایه بالام نجاتم نه دیوم شاه کربلایه بالام قویوب خرابه ده گلدیکم اوزوم منایه بالام مزاری اوسته گیدن یوخدیر دعایه بالام نجه جواب ویروم من او بیوالوفایه بالام دیمیک اولورمی قالور حسرت اقربایه بالام گرکدو بیرده گلم من بو غم سرایه بالام منمده قبریمه اولماز گلن دعایه بالام

سکینه قبرینی اوستنده ... [illegible]

باخوب ... [illegible]

[illegible]

سنی قویوب گیدیرم ... [illegible]

[illegible]

سنون

[illegible]

سنون عنون شهد اخترندن اولدی زیاده | الن گونوندوده قبرون چکلدی غربته بابی
دوباره آل پیمبر گنه دوتوب ماتم | عروس فاطمه نه دور قوزوب یاقه اودم
کلوب کچی ده لره اولدیلار تمام سوار | دمشقدن یولا دوشدروانه اولدی قطار
گیدیلر نچه منزل یولی صغیر و کبیر | قباقجه بدرقه راه اولوب دشاه بشیر
یتوب ایکی یول آراسنده چونکه قیلدی نگاه | امامه عرض ایلدی اندیشه فلک درگاه
قباقدا وار ایکی یول ای امام جن و بشر | بیری مدینه یه یولدر اگر بلایه گیدر
جنابنه نیه معلوم اولان رها بو جواب | دیدی بشیره دیون ایلیون بو شهیده شتاب
زبسکه ایلمشم قوم اشقیادن هراس | دویونجه دوتمشام نوجوان انلره یاس
بو چولده آغلیوبن قلبی شاد ایتمه مشم | علی اکبر و عباسه یاس دوتمامشام
یارالو نعشی دوشن جمرا آت قباقینه | یتیمیوبدی حسین وای سسی قولاقینه
آچلمیوبدی حسین اوسته چادرن صونرا | ایشدمیوبدیلر وای سوزن ...
اسیر باجیلارون گلموق اوزاق یولدان | یولاق ساچیمزی قبر اوسته ساقیله صونرا
گوروبنجه جدمیزون قبر پاک تربتنی | ازل گرگ ایلیاک کربلا زیارتینی

ایدوب اطاعت حکم عزیز شاه نجف
بشیر قافله نی چکدی کربلایه طرف

تینده ماریه دشتنه عترت اطهار | باخوب نه گوردیله چردسته وید برزوار
اتاق یالین باش آچوق جمله سی گریبان چاک | حسین حسین دیوبن باشنه توکردیله خاک

[illegible]

دوباره ایتون اولادر زیارته قدام [illegible]

اولان

ولی قرات کی زبنده حضرت کلثوم
دیار دوستانه ده چوب ای ار امظلوم
لهینه اولان صورا بسن عجزه ده ایتم فودنی
سکینه ایام بانیده چکلر شم فودنی
ازانده ده قوری الده اه حالکدن
فرنجه ظالمانه دووب هیچ ده کولمنم فودنی
نجه کونوز اور کیمده کسون فراقیمدن
نه بو چلیب نه باتوب جانه کلمش فودنی
او دار و دیلار باشمه اغلینه اقوم جهان
[illegible] شم کلن مده بسم فودنی
پراپلدو قولاری زنجیره باغلادو ساقم
حبیب زیاره قوه ایکدی کلکم فودنی

اولان صورا بو سفارش امام ان الهیا
توکلدی ناقه لره دستن عیال شیر خدا
زمین ماریه صحراسی اولدی نوحه سرا
قبا قیجه سینه سجاد دلبینده عمامه
دالنجه زلفی پریشان اسیرلر نالان
زیارت ایتمکه اچدیلر امام نبیل
حسین نه یاره تنی ایلین زنان اتمام
اوزلرین کوتوریکچون عطر قبردن نوشه
کمال حزن له اولدیلار پریشان حالتده

الوب علم اله جابر او دمده اولدی کی زر
فغان و شیون و فریاد ایلین وجالد جدا
قیامت اولدی عیان مثل یوم عاشورا
ایاق یالین باش آچوق دیز ده تیز فراجه
توکلدی قبر امام اوسته جمله سینه زنان
دوروب قباقدا اسیران کربلایه دلیل
یقلدی باشینه اهل بیت خیر انام
یتشدی هر بیری پر قبری چکدی آغوشه
نبای شور و نوا قویدی اوزکلی و استه

حسین قبری نیون اوستنده زینب نالان
دیردی ای باجون اولسون هزار ده قربان

دوربرجه قیواده اولان آه ویه یاخ
قرداشم اسیر ماجیلاره شاهد کلوب
هیچ قومیوبدیلر آریمی ایام دوداق سینه
پراپل خرابه لرده قوری یرده المشم

فریاد و آه ناله و شور و نوایه باخ
پیشوازه چخ عیال شه لا فتایه باخ
ایکدی بو شغلو چولده قوروملش خرابه یه باخ
بو بنیدا وار دو شاخه رینید یادایه باخ

ای قبرا یچنده کوزلری زوارین اشکباران
زوواره باخ زیارته باخ کربلایه باخ

ده سمندن فلک تحمت نه واو ویلا
علی اکبر باشمه دی باغرینه بیلا
[illegible] دوباغ منه ای اغ یمون بها یالام
[illegible] ادن منه ایام روزکار بالام

[illegible] بیلدی ... بالام
[illegible] ... بالام
[illegible] ... بالام

[illegible]

فیض عیال علی بانوان اهل حرم

سنوز شهیدلره دوزنده یتیمه

اوغان ایلدی اوچ یاپ آل عبا ایلدی

اوچ دوداعده بالکی [illegible]

اولانلار دوچ ایتدیلر [illegible]

برهنه ناقه لر اوستنده کیدیشم شامه
دویونجه آغلا ناقه شمر قویمیو بدی مکنی
اوقدر قمچی اوروب باشمه بولونده سنم
بو درده تاب ایلدیم ایلدیم اما اولسون
عروس بخت قرا ایلیوب نوا آغاز

آلوبدی جانمی بو شمنون جفا اوغول
دوروبدا اولسه عیان ناله مو حسینی اوغول
اورکده وار کنه اولطالمون هرفنی اوغول
داخی ساقالمازا اولنجه اوغول زینبی اوغول
باخوب عجم اوغلو سنون قبرنه اولوب همراز

توکوب عذارنه اشک بجر هللیلین
دردی ویردی گویا زبان حالیلین

آچ بیر گوزوی ناسنه قربان عموقزی
مازیر قبرا ایچنده بیله یاتما بی خبر
برایلدی سندن آیرلالی چو خنجفا جکوب
گوردون که قتلگاهه گلنده باشین آچوب
عشقونده شهرلرده دونوب کوچه لرگزوب
دایم خرابه ده باشوه پاسبان اولوب
آیرلیوبدی قانو باشوندان صباحه دک

دوروش یاتونذا زلف پریشان عمو قزی
گلمش هزارون اوستنه نالان عمو قزی
ای بیوفا قالوب حیران عمون قزی
قانونه زلفون ایلدی الوان عمون قزی
بیر ایل چکوبدی محنت زندان عمون قزی
گوز یاشینی ایدوبدی قرلقان عمون قزی
شب تا سحر ایدوب نجه افغان عمون قزی

دینیدر دانشدوروب خبر آل دردینه یتیش
آخر گلوب بو گون سنه قربان عمون قزی

قمری کیمی فغانه گلوب هر صباح شام ×
ایلردی کربلانی گلستان عمون قزی

ویالده قافلدن دوسکه یولا اوار

ایدوب ماتم بیانا تمام

عرض عیال علی اولدیلار گیجه ایجرا

نشاقو بولده چکلیون جنبه سمت قطاز

وایله

[illegible]

واریدی بر گل گلدستهٔ شه حرمین
گوروب که قافلهٔ کرب بلادان آیریلدی
گجاوه دن اوزینی آتدی کربلایه رسیده
دیدی که گیدیجکسوز قویوب غریب آتامی
گوروب او طفلی تماما توکلدی اهل حرم
تمام گلدیلر قبر امام مظلومه
او قدر آغلادیلر او طفل اولدی خاموش
گتوردیلر اونی هوشه دوباره قیلدی نظر

ادی رقیه ایدی دختر امام حسین
بلا قطاری مکاندان بلادان آیریلدی
بسان کوکب خشا سمادن آیریلدی
توکوردی باشینه آچوب آل عبادان آیریلدی
قوردی لر کرب بلا ایچره تازه ماتم
یخلدی قبر شریفینه اول طفل معصوم
بابا بابا دیوبن دوشدی پیره یه بیهوش
دیدی بو سوزلر توکدی غداره اشک بصر

که ای قتیل جفای بنی امیه بابا
غریب جانوه قربان قرون قیته بابا

دخلنا یا ابی یا ابا رحیم
الا یا کربلا اودعنا جسما
الا یا کربلا اودعنا فوزا
الا یا کربلا اودعنا کنزا

الا فانظر الی ما حل فینا
بلا غسل ولا کفن و دفنا
لباری الخلق طرا اجمعینا
و زخر القاصدین الزائرینا

قوپوب قیامت کبرا اعیان اولوب محشر
ویردی ناله کنان اهل بیت پیغمبر

تخلصون چخوبان گلدی آیرلوق چاقی
حسین سنه امانت ایکربلا بیراقی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باخاندا برق اورار گنبد رسول الله
بو بورنه فکره دورغماشید همه گردون
بشیره ایلدی فرمان امام کل انام

سمایه بوز چخار آیت حنین گوزنور
نه حکمی وار بیوروب ایلیسونلر گوزنور
قبا قیجه ایلسون اهل شهره اعلام

فنون شعرده اولمشدی خواننده ماهر
سنون ده طبعوا اگر اولسه تیکلن ظاهر

بشیر عرض ایلدی شهنشه اخیار
بیوروری سید سجاد احمیده بیسر
خزان نیوب گله بلبلر آشیانه گلور
بر اهل فقنده قالان گلن اثرده
شکسته پرچمن حزن عندلیب لری
حرم غزاله لری قید بند دوتاروب
اسیر شامه گیدن اهل بیت پیغمبر
زمین ماریه ده قردشی ابن زینب

میمده شعرله طبعمده بس مهارت وار
گیدوب مدینه ایله تمام خلقه خبر
دوتوب تمامسون گلدی خزانه گلور
قوللر قادی سنوب قلبی یانه یانه گلور
فغان و ناله ایلن اتمگه ترانه گلور
دوتوبدی جمله سنون رنگی زعفرانه گلور
اولوبدیلری مجروح تازیانه گلور
غم حسین قدینی دوندروب کمانه گلور

الینده سینه سی دورت مین یارا او پیرهن
آناسی فاطمه یه ورمگه نشانه گلور

بشیر ایشیدی دوشسون یولا بیوردی امام
بشیر مکث ایلدی ابن سرور دوسرا

بو نوع گیدیه ایاق ساخلادی دیکلن آرام
گتوردی بونینه پیرقاره سالدی اهل عزا

الینده قاره علم گیدنده شال عزا
اولوب مدینه وارد بلد قیلدی صدا
بیلن که قاصد اولاد مصطفی ام من

بشیر سویلدی خواهش ایدن وضیح خبر
رسول روضه‌سنه جمع اولوب کلکیتز
مدینه‌ده بو خبر اولدی چونکه مشتهر
علیله فاطمه‌یه ویردیلر بو حالی خبر
دوروب یاتاقده قرنداشلری اولوبان صغرا
خطاب جدّه‌سنه ایلدی او بخت قرا

دورا یاتاقده جانلر زینه کللر کلور
گلشن بختیم آچوب گل طرفه بلبللر کلور
طالعم یار اولدی دنیاده قومادیم غصه‌دن
چخدی یاددن کچن کونلر سنه یاد کلور
جانمی هجران قیلمشدی فراقدن کباب
موسم غم آخر اولدی روح جان پرورن کلور
سال ده طاقه فرش تازه بالش و بستر کتور
یا کلنده رحمت اکلشون علی اکبر کلور
شال قیل آماده عطرلین قرا کیسوسنه
شانه اورام توز یاتوب زلفین او گل پیکر کلور
ذو قلوب پیر قول سالوب نعتن قوجاقلارالایم
گل جماله عالم آرا کاکلی عنبر کلور
المدیم جنّتیم ایشیق دنیایه قوتاردیم ای
قیلماقه غنچه نهی روشن نور کلور
کاسه‌یه قدابلدور رشته عطر الکتاب
اهم یا نم جهد با نم شبه پیغمبر کلور
نوجوانلار دسته‌سته کبری گوروملکه
اکننه گیمش مبارکباد چون زیور کلور
حاضر ایله باشه اورتوم معجر کلندوری
الثی عمه بش آنا او جمهریان جوهر کلور
گورسون یا جلبیم کهنه لباسلرین هنی
جمله‌سی الوان لباسلن زر معجر کلور

حاضر ایت گهواره زینت ایرکلین گهواره‌یه
راحت اولسون چوخ اوزاق یولدا علی اصغر کلور

یوردوق قیلمشدی او [illegible] اولیه بو یاره آرام
اولول روضه‌سنه کلدی بو [illegible]
دوروب [illegible] روضه‌ده [illegible]
کام قیلن [illegible]
قولاق ویرون شیدون [illegible]
عیال فاطمه اولاد مصطفی [illegible]
[illegible] مقام [illegible]
[illegible] الحسین [illegible]
[illegible] علی الغفاة [illegible]
[illegible]
دیوان

من کلام ...

دیون او شاقلار اکیبون دخی قرا کسیر
بو سوزده خلقون آراسنده اوتیدی شور شور

بو غازی او غلو سو سوزجا فوبرب علی اصغر
قارشدیریر به سر بسر اناث و ذکور

ویردیلر یول آچون شورشین بناسی کلور
سوأل قیلیا قه احوال فخر ناسی کلور

عفیفه حرم پادشاه ملک نجف
کلوب تیشدیچو ام البنین بناله و آه
بو یوردی ویر خبر احوال نور عینیمدن
بشیر عرض ایلدی ای الم کش دوران
خطاب قیلدی بشیره کنه اوکان وغا
آقا سوأل ایدرم من غلام ویره خبر
بشیر عرض ایلدی گت قرا گیوب ماتیس
اولوب آرایه اوغلی قوم ظلم
باشین کسوب ایمین قویدیلار دخی نیزه یا
ایشتدی بو سوزی ام البنین نیتکنها د

ایش شاه ولایت آلیغ آل ناسی کلور
با چوب قرا علمه بشیره قیلدی نگاه
سرور سینه خیر النسا حسیندن
اوچ اوغلوی جگر تشنه کیدیلر قربان
اوچ اوغلوم ایله اوزوم ده اولا حسینه فدا
مین اوغلوم اولسیده اولسون تصدق اکبر
قراتون اوسته سو سوزی الدی حضرت عباس
ازل ایکی قولنی اتیدیلر سو اوسته قلم
یارالوکون قباقنداد و داقلاری عطشان
دیدی بشیره منی غمدن ایلدوارا د

بو دوره وفا یولی ای ماه بی قرین اوغلوم
هزار دفعه سنه اولسون آفرین اوغلوم

هزار شکر منی غصه دن رها ایلدون
آتا آن علی قباقنده یوزیمی آغ ایلدون

[illegible]

دیدی بشیر ایا شیخ پیر نورانی
ویروم نشان سنه گل یاد بیاروب ...
سو سوز باشی کسلوب تا نه اولدیلر علیها ...
ایتیم تشنه دی اولسه اولام حسینه فدا
بو سوزده گل کیمی رنگی قرار دی عبدالله
اگر چه اولمادی هکمن نثار دیدیم من جان
دیدی بشیر حسیندن من علیله خبر
بشیر عرض ایلدی کاینات آغلادی بلا
بو سوزده آغلادی سوزدلیله عبدالله
دیدی یخلدی ایوم در دیمی اوزمیم ...
غریب بیکس بی اقربا حسینم وای
بشیر سویلدی ایجنت بلا شجری

خزان اولاندا او یار بلا گلستانی
ایکی جوانی اولدو ... صحرا ده
زمین ماریه ده ویردیلر کفن سیز جان
ایکی بالام عوض اولدی من علیله خدا
دیدی اولا سنه یین ... شکرای ...
ایکی جوان بالام اولدی اوسروره قربان
اولار تصدق موی سر علی اکبر
علی اکبر بده پارپاره دوغ آد بلاده
ایکی الیله اوروب باشه چکدی ناله آه
حسین فاطمه دن حسرت ایله آیلدیم
شهید تشنه لب کربلا حسینم وای
هنوز ویرمه مشم من سنه حسین خبری

بشیردن بو جوابی ایشتدی عبدالله
دوباره باشه اوروب چکدی ناله جانکاه

دیدی سبب بو دو که آه نالیه گلم
علی اکبرین سوزا بیر نفس قالمازه
حسین نه المکه لازم ... ولموب ... خنجر

حسین حسنی اکبره نذور بیلیلم
اونون فراقنه تاب ایلیوب حسین قالمه
یقین که الدوره جک فرقت علی اکبر

[illegible]

زینب سویلدی ای اوچراغ ده سیلادن
حسینین باشی بیلبله ده ... کیمدی هانی ن
بانامن دو قدیلا ... سینبله ده ...

ام البنین

بابان بی ... قاندی ...
امان زینب ... عقیلی ...
بابا زینب ... وفا ...
جیراندان ... ن
قالوب اولوب ... ن
قلمه او لد ... زیدن اونه
اولوب کل حسینی قانان اغوزه ...

ام البنین

کوروب گلنلری پیشوازه عابد بیمار
کچی وه دن توکلوب جمله عترت اطهار

امام آلوب الینه عمامه غملو سینه سینی چاک
محمد حنفیه گوتوردی عمامه
قارشدی بیر بیرینه آغلا شوب اهراکی گروه
چکاردی گوی گلره فریاد واه واه و یلا
محمد حنفیه اولپور شاه نجف
او قدر آغلادیلار تا ماهی دوشوب نهوش
حمومی قره دشنی او غلیله بیر قوجا قلا شده
فقط نظن باشی آچوب هاشمیه عورت لر
یاغاردی زینبه ام البنین ابدر ... ل
اوبحث قاره ایچون گیم ... تعبیره ...

باش آچیبیدی اهل مدینه بیر دباشنه چاک
ایاق یالین باش آچیق چاک ایدوب ...
اونوعلن که دوشوب ناله دن زلزله گوه
اوحالده محشر نفخ وصور اولوب باها
آچوب اکی قولنی گلدی عابد بیه طرف
دوباره هوشه گلوب لدیره ام ...
صدا عدایه وبروب ...
قوجا قلیوب ... قوروب قیامت
دیردی ای بوادغولو ... قربان
بودیلا ... الیه ایدی اونا ...

قرینم زینب هانی شاه مدینه
اولان جدی پیمبردن نشانه

سرور سینه زهرا حسینم نه اولدی سوله من بی خانمانه

مکالمه نمودن جناب زینب خاتون با ام البنین ع

سکینه ده کوفه ده ایجی ن مادر
آیا قلیشندن بالالام اکبر
اولار قالیون هانی شهزاده اکبر
قولوب اول یوسف عصر زمانه

زینب گوید

اولوب قرداشلاریم شهر و وطن بنز
جدادوه یا شلاری کیمدی بدن بنز
علی اکبر بالالام او لدی کفن بنز
نجیب آیم اوجولده آسمانه

ام البنین گوید

اوزوده الدون آل عبادن
بانومنده بنی هاشم پر افتادن
غلامی بنی قاسم نوکد خدادن
کیمونوره جه اوتون جالین بیانه

ابنز

الا ای تحفه وقت شنا ختاب امام رضا علیه ا

احوالات شهادت

او لور فیضی بو خلعه ۶ [illegible]

زینب گوید

دو توب طوی قاسمه شاه شهیدان
اوزوی اولدا و طاقه اولد تالان

او طوید ابنیاز آغلادی قان
عروسین اتید یر شامه روانه

ام البنین گوید

نه چون زکون سولوب گلعون گلمش
هلال نو کیمی قدون بوکلمش

آغار مش ساچلارون قیتا بوکلمش
دو نوبدور رنگ و رویون زعفرانه

زینب گوید

سولوب گلم حسیندن آیریلنده
آتانعشی علی اکبر گلنده

آغاردی ساچلاریم عباس لنده
نو کلدی قاسم دوندی کمانه

ام البنین گوید

یقین بلیدیم خراب اولدی مدینه
ها نه بس بلبل ماتم سکینه

قروب آل علینی اهل کینه
نه کلدی آخر اول شیرین زبانه

زینب گوید

سکینه و اغلادی کلا جهانی
قوری یرلرده حسرت ویردی جانی
قرا کونلرده کلدی آل اطهار

باتوردی یاسه اولاد عبانی
دونوب گلزار عمری تیز خزانه
حسیندن صوایین درده گرفتار

[illegible]

اودم بو یوردا بو اشعله سرور مدنلی
اوزاق زماندی که من تکلشم حراساته
دولان سراق ایله چرقاصد دولت ایله معدوم
قلم آلوب الله شاه عالم امکان

عجب بلالره سالدی بو روزگار منی
یانار دو شوب اورکیم سوزنار هجرانه
یازدم مدینه چرنامه نامن مظلوم
یازاری نامه ده گویا بو عیلین عنوان

که انجاندا بلا مبتلاسی معصومه
اولان زمانده یوزیمن بلاسی معصومه

اگر سئوال ایده سن حالیمی ایدیم معلوم
باجی محبتسی دوران غمی فلک ستمی
دوسن گورن گل زحم فراقدن سارالوب
مدینه دن نه گلن وار نه بیر خبر گتورن
نه واریدوم گجه لر نه گونوز لر آرامیم
نه واریدوم گجه لر نه گونوز لر آرامیم
نه مشکل اشید غربتده دلیل و مشتاق
کناره چخماقا قویماز دوخی منی مامون
گجه یاتاندا محمد تقی خیاله ایده
دوشوبدی یادیمه شوق زیارت ال چاتماز
اتام قراسنی باشوندان اجاقوی قالسون

سالوبدی درده منی یوخ دواسی معصومه
آتوبدی جانمی غربت جفاسی معصومه
گیدوبدی گوزلریمون ده ضیاسی معصومه
اوراقده شیرب ایلن طوس آراسی معصومه
چوخ انجیدور منی اهجران یاراسی معصومه
چوخ انجیدور منی هجران یاراسی معصومه
یاننداوالمیوبن اقرباسی معصومه
گیدن الندن امام رضاسی معصومه
بو جانون اودی بهجت فزاسی معصومه
حسین تشنه لبون کربلاسی معصومه
یاوقدی سالماقه قرداش قراسی معصومه

ديدي او ظالم پيرون وناكس غدار

منى بو تحفه انكوردن ايت معاف

امام بولدي مأمون بيت بعلى انصاف

بودى ايشده قيلدي كمس عرضه اولادنه نوبل

بو سوزلرى ايرو ب اول امام يگانه	قدم كوتوردى او بزم فساده اولدى روان

اولاندا مجلسه داخل امام ولمحزون
اياقده دوردى يرنيدن اولنچه مأمون

تكوب ادبله حضور شه خراسانه	سلام ايلدى بو نوعيله حقيرانه

كه اى شهنشه عرش آستان سلام عليك
قرار دايره كن و مكان سلام عليك

جلال و رتبه ده مافوق انبياى عظام
فروغ نورى ويرن آفتابه نور جمال
على شانه سى پيغمبر خدا نوه سى
بويوربو سنده داد ستنده توكلّى آرام

غلام دركهى كرد و بيان سلام عليك
وجودى زينت كون و مكان سلام عليك
مدينه شاهى امام زمان سلام عليك
فدا قدم ايره جسم و جان سلام عليك

جواب ويردى او دم پادشاه يگانه
ملول قلبى ايلن مسند اوسته اولدى نكين

دلا او كينه سرشت لعين و مكار مغرور
خطاب قيلدى سنه آچسه رو كوتوردن
بو كونكى ايكده هم علوم كوبت جهان
دين زمان بو جوابى او كان كبر و غرور
الين اوزاتدى او ناپاك ظالم و مردود

درست زهر ايله قيلدى بر خوشه انكور
توقف ايليون توت نيجان كتورون
دو ديله هر قدر انكور ارمغان كتوردن
شتابيلن كتورب حاضر ايتديلر انكور
كوتوردى خوشه نى هم اولمش زهر آلود

گیدنده قویادون اوز عیالیمیه شاد ایکیم گوزی یولونده قالان بیر بولوک عیالیم وار	ایدوب جگرلریمی پاره پاره گوندردون قویوب تمامینی انتظاره گوندردون

منیم بالالاریمی قالسون سنون بالالاریم
آیردون ال جرمدن کناره گوندردون

دیوب بو سوزلری چخدی کناره اوغلولا دوروب باخاردی او بصلت انتظار ایلن	نه حالت ایله بچه گونده آه و واویلا گوزین تکوب قاپویه سینه فگار ایلن

گوردی مجلسدن چخوب اول باوفا مولا گلور
سبط پیغمبر عزیز حضرت موسی گلور

حالتی بیر نوعدور هیچ گوزالی گورمیون باشنه چکمش عبا بین پرده تولمش آی کیمی ال اورک وستنده شکل صبح برپا قادر یلور گه باخار گوک سمتنه سویلر خدایا بیکسم	رنگ رخساری بوروب گلگلت بی باد گلور سر بسر برگ خزان تک تیره تور صحرا گلور جوش ایدوب غم سینه ده چون موجه دریا گلور گه دیر آتم غریب بیکس و تنها گلور

غرض بو حالت ایلن اول شهنشه مظلوم
یتشدی منزله زهر جفا ایلن مسموم

اولانده منزله داخل امام دل خسته اوشدیر یروب اوزگین بهر زمان دلیلانه دیردی توکمه باشمدن غریب مسموم	بخلدی آه جگر سوز ایلن حصیر اوزره باخاردی گوزلری چوخ حسرت ایله بر بیرنه نه بر ده سن یتیش ای بخت قاره مه

[illegible]

ایلری دوشوبدی یاد دیمه تاکام الندیم
چوخ بیکسم اوزوده غریبم بو شهرده

انصافدن اوزاقدی که بستر ده یاتورم
جدیم حسین کمی قوری یرلرده جان ویرم

الوب خبری ابو الصلت دیدی سی قربان
قوری یره اوسته یخلدی امام کون مکان

کتوردی طشتی اباالصلت قویدی آسته
بیوردی اغلاما ای پیشوا فدا قیمده
اولیدی باشنه ایکاش عالمون ترابی
قباقچه آخدی قزل قان گوروندی هر نه که
اوجانی قوری یرده ویرن دلیلانه
دولاندی روب گوزینی چار سمته پرخنده
گنه باخوب نگران چکدی سینه سندن آه
اوروب باشنه اباصلت قیلدی عرض امان
چوخ انتظار باخورسن چو ملال اولدی
عرصه حالت ده شیدی دولاندی جالون آقا
دیدیکه ای بو گونده اولانمه غمخوار
گیدیدی جان سفر آخرت خیالم وار
سبب او دور باخار هر سمته حسرتیم خونبار

الیندن ادروب یره قالخدی اوتشه دیزی اوستی
کتوردیر ابره پر طشت قویدی قباقیمده
عزیب آقام اوزکه قالخوب اتیده استفراغ
توکلدی تیمش ایکی پاره قانیلن جگری
ازل جگرینه باخدی دوردی پروانه
او انتظار گوزندن سرشک غم آخدی
دوباره هر طرفه حسرتیله قیلدی نگاه
او حسرتیله باخان گوزلره اولوم قربان
اورکده گیمدی کیمی گورمکه خیالون وار
مگر دوشوبدی گنه یاده عیالون آقا
گنه بر آه چکوب اولدی ایده خونبار
ولی گوزیمده نه جانم ونه عیالم وار
اولیدی کاش یانمدا بو گونده زوارلریم

[illegible]

آتا بالا کوروبن هر برین قوجا علاشندی
دیدی بیون نجه دوریب کلن منه علام
دیدی دوز شوهدی من کوردیکوم ظفر ایله بوند
دیدی سوالوبدر مکرز لک روی کلفامی

زبان قوت ایدی هر ایکسی علاشندی
دیدی کجه کونوز آغلار سنه غمزده لام
دیدی کمانه ده توب قامتی مصیبتده ن
دیدی ضیاء دوب آغلار کسلمش آرامی

عرض چوخ ایلدیلر بیر بیره راز و نیاز
بیوردی او علمنه اول پادشاه ملک حجاز

وحشتیم بو دورای نور هر دو دیده سنه
ایشیم تمامه یتوب کورسن دوباره منی
یانمدا تعزیه دوتما قلعه بهانه قیلون
کلن زیارته دسته دسته زنو آزریم
دینوله جان جفا زهر سینه یانان آقا وار
حسن اغریدن احبابه سلام یتور
داخی دوباره نصیب اولمادی وطن القدیم
همیشه باسین دوتون اغلیون شهادته
وحشتین بیوروب آخره امام علیه
کوره ندی عارض رو ینده زهر اثاری
دوتوب امام محمد نقیه بیر باخدی

کوروب ندار کیمی غسل ویردی توب کفنه
اوزون نمازینی قیل تو کلمن مزار منی
جکرلریم تو کلمشی پرنشانه قیلون
باخوب او طشته کرک دوداول عزادارم
جکری تو کلمش طشته دوغرا اتانا آقا وار
وفا تو شیعه لره ظاهر ایت سلام یتور
ایچو ندیر منه زهر جفا غریب الدیم
جفا ریمیون منی یاد اوان کلون زیاره
امامت علمنی منلیدی اوزا وغله تسلیم
عرق کتوردی جبینه قرار دن خارجی
توجه ایلدی عقبیه کوزلری آخدی

[illegible]

هر حکایت بیر شکایت هر نصیحت دورده
ابر باضی باغ دهری سافلا یادونده یادکار

گردش دوراندن اگر خلق شقالیمه ورنم
گر منی آسمانده ایتو آثار وصالیمه ورنم

چرخ باغ گور باغریمی بیر دفعه گونده قان ایدر
گاه غمگین گه وصال امیدینه خندان ایدر

انجکیمی جانانده قویا زبو فلک بیر عمرده
اکتمکلی هجر ایلده باشین جست آتوبار
که سؤال ایتمیون بالام غربتده احوالون ندور
کنج غربتده غریبم دردغم پامالیم
باغلیوبدور تار ایله وهمه فلک الآن یهنی
بیر خیالم بیرده دوردیوار بیرده آه
بیلیرم قلبمده وار یادار گوزیمده چشمه لر
یاره دیشن جسمی می نار غمم ایتمش آب شور
چار عنصردیلر مطلقا افسانه دور
چریدن اولمش مجسم نضعی آب نضعی نار
مرغ بی آرام قلبم چوخ عجب صبا غدور
پر طلاطم دور که ده بحر غمانک شار
هم مریض بی طبیبم هم غریب بی نصیب

گه گدا شاهی گدانه خسرو و خاقان ایدر
گه منیم تک شادی هجرتده سرگردان ایدر
یار ده دورام باغ گوران آتالین غنچه غنچه خندان ایدر
هر نه ایتیرسن غریبه گردش دوران ایدر
هر زمان ما بین السماء والارض روزان ایدر
بیرده وار الله بورکده حفظ فلک جان ایدر
یا سنجاق آسماندور بارش نیسان ایدر
یا خدیروب عینن بیر دچور غلطان ایدر
وار ایکی عنصر ولی آتش دین تهنا ایدر
اود جگردن سوجگردن متصل هیجان ایدر
در اشک چشمیمی بیر لحظه ده مرجان ایدر
گون بگون سانی غمت دمبدم طوفان ایدر
غصه هجران متاع صبریمی تالان ایدر

[illegible]

[illegible]

خوبدن هر دم اویانام کیم دیم جعفردر
قورخورام مجنون اولوب آخر دوشم صحرا یه
هر کیجه جعفر بوجوندا یا او یانشام قلبه
نیلیوب کلمز اجل یا غصه‌دن قوتاریدم
یوخدو بر دردیم داشاندا ونیدیرو کوکلوم آکلان
ابر نیسانی منانی اکوریاندیور اشک غم
اولمادی پوشیده مژکان بو آب شوردن
صخرهٔ صماسن ای عارض آغلار ساننن بن نجوو
اولمامی سا کت ایلب ... ایش تاب پو

مکر جعفر ذکر جعفر تعقلی حیران ایدر
ذوق جعفر ثبات عقلدن حیران ایدر
صانه سین دائم قباقمده کزوب جولان ایدر
تمشم دورانه دونیانی سنه زندان ایدر
برق آهم منزلی چون شعله رخشان ایدر
بار شون آخر بدن ملکین نجوب ویران ایدر
مردمک سقاسی هر دم اوستمه فشان ایدر
ماه دان دائم آقاخر بو نه جوخ جریان ایدر
جوخ دنشتاق آخری سرمایه‌نی نقصان ایدر

ایمحا سین بس ندن سولدو اغاردون
نجه سیراب اولمادو یا آه او داندن یا نمادون
سن مکر سینهٔ پر شور آتشگاه سسن
تیک آهنکر سن ایدل یا مکر فولادسن
دوریا یا زجوش ایدر سن هر یاتوب
یا سمندرسن مکر اود آشیانو ندو ویرنیون
ایجو کل کاشانه سی ویرانه تک اولدون کنه

کیم دیلر سو نیا تانی تر دوریان ایدر
آه اودی البته عمرین خرمنین سوزان ایدر
او دوتوب هر دم یادونه انشیر حیران ایدر
بونجه غم چکو چینه طاقت عکرسنده ایدر
هر شراردن کتفای عالم امکان ایدر
شعلهٔ ناره و شکست آتش هیزان ایدر
کیم کوردم بوندان چو راسموره جانان ایدر

قاره بختم قرالسون چرخ دوارون یوزی
ای سپهر کینه جو بیراز زمان قوی و نجلوم
انفلاک مظلومون آهی کج کسرکاری کسر
ای زمانه هر دولت ولدورنی تیز قورتاروم
بیلاهم آخر مکر من کیمدن الدن ایستیوم
دوست دشمن سان تارب ایب بعقاب عاجنیف
عقرب بست دو اقربا دوست دیده کالالی سیا
مطلقا زخم لسان هر کزه کل مرهم پذیر
عقرب جرار بکسا نجار عقارب عقربی
اقربا و اخلا از سلا دوست حساب

بو نجه بیله رهانسی بیدین هانشتی کالدین ایدر
بیزه هر ظلم اهلی اینیه ده آسان ایدر
لطا قوی ویرا کسنونده آه مظلوما ایدر
چو خدا ان جاوستنده قویاجابی اوز بچا ایدر
کیم بو مشکل درد بیور رحم ایلیوب درما ایدر
دیلرین جاقصدنه چو خنجر زان ایدر
چوخ شبه کریشه وجهین تقین نقصا ایدر
چوخ سنبز ایدیه باندیدرو ندا موی القصا ایکن
بوفسادی هارداز هر عقرب کالشان ایدر
وزنه بیر موزونی بیر صید قب باکان ایدر

اقربادن ناله عقربدن نیشیخ قورخما هیچ
ایلیه هرنه قرانلوقدا او بدکردار ایدر

پاسبان عقرب اوارنجون یا مار قربا
عقربه رد اقربا هارد اکرا انصافدر

ایلیه هرنه قرانلوقدا او بدکرنا ایدر
اقربا زخمی قطع ریش ابدان ایدر

قورخما دوشمندن همیشه دوستدن قیل احتیاط
بیرا یاقون بو درد شمنه ار توق دوستدار

دوست پنهان مکر ایدر دشمن ولی اعلان ایدر
هارد احباب ایلین حکمی سینه عدو ایدر

بر صدیق اولمش صدوق بر وجهی نص نعوق
هر کیمون ور بخشی وریون شاهمردانه جواب
هیچ کسه او غلوم انیا نما هیچ کس بیل باغلاما
ویر سلامی مخلصم دیکیج اشوینده محکم ال
هر اشوینده اول کلن اللهوه امیدوار
اولما بدخواه و بدگو دوسته یا دشمنه
اولما بدرفتار و بدخواه بدمزاج و بدسیر
هر کسه احسان قیلار سان قویه منت بو سبب
کبر اولما یا مغرور یا مطلق خفیف
قدروی اندازه‌دی بیل ایتکلین تمکین شعار
کر خبر ویر سه سخن چین اوزکه دن آزرده مو
کر ایتکلمده ویسه هم صحبتون قول کرمان
غیظون اولسه آیه والکاظمین الغیظه باخ
هرزه کو لقدان ایراق قیشلو قدان الحذر
خلق الحیده اولون خلقه اولما عیب جو
خواطر ونده هیچ کسیله هیچ ریا کین ساخلاما
دولتمندن اوتری هیچ دنفعه قیلما اعتنا

اسمی وار انبیا دور مولا بیله ایدر
صدق قول مرتضی کیم کوروب تجان ایدر
خلق ایندن کله غنا کیمله سنی یکسان ایدر
باغلاماق بیل خلقه نفعی تابع شیطان ایدر
شبهه یوخدور رحمی اوز مخلوقینه رحمن ایدر
چو مکافات عمل رب عظیم الشان ایدر
کیم بو اوصافه مذمت قادر سبحان ایدر
چونکه منت قویماقی هر خالق منان ایدر
بلکه خفت قیمت انسانی چوخ ارزان ایدر
بلکه تمکین سنک همقدری لعل کان ایدر
با خطا اینا نما ار فتنه انکیزان ایدر
چوخ قولاقه آلما انسان سهو ایدر نسیان ایدر
عفوه آخر دلالت آیه قرآن ایدر
بو ایکی از رذل صفت انسانی چوخ حیوان ایدر
عیب جولق بنده الله نافرمان ایدر
کینه دین الوین سنجار ایسانو خسران ایدر
اغنیا دولتدن اوتری فرقه دونانه ایدر

قمریا الدن بوراخما سن حسین دامانینی
ناهید ایتمز علاج اولقانینه علطان ایدر

حق ایتموین کوریم وطنیں ایچکون غریب
پیوسته نار غمزده سینه ایلیدر کباب ایدر
دریا کمی طلاطم ایدندن اوزک ده غم
تا یار ایچ اوزرادایلن مقتضی الرام
دریای درد وغصه ده بی بادبان کوز
همراه کوزخزینه جکره مشتری غدار
الله بیلور اورکنه چکرم هر زمان و شام
انگلنده یرده وخار جفا اوسته روزگار
هر کیم عیال ایله فرحناک قلبی شاد
هرکون ایچن چاین چوره کیم زهرمار اولور
دنیاده پیر اوخول غمی دشمن شماتتی
چوخ یار واشنا نه خلیل ونه یر حبیب
اصف تاک ایسم یوخ قده تم چخام
دار اوستم بو قوم آراسنده امیخ وار
دشمنلر اولدی شاد جباده بوخدیاد

چون قیلدی روزگار بنی بن کبی غریب
کورمز سرور بخش دل ساده سین غریب
غربتده بلمیون کیمه دردین سوین غریب
چرخون بو دور ستم آباده سین غریب
اوز ایچره بیلمیون سغینه طراره سین غریب
خونابدن توکر بوزه بیچاره سین غریب
خلقون کورنده طفل ونه زاده سین غریب
کلزاردن چیکوب چمن تناده سین غریب
شاد ایلمیون نجه دل ناشاده سین غریب
قویدی بو چرخ بن ایوی برباده سین غریب
غربتده قیلدی بن اجل آزاده سین غریب
اغیار ایچنده عجب واپسین غریب
چکون بو بلمیون دل بیداده سین غریب
کیملردن اسیته سو کوکل آزاده سین غریب
چون قیلمشم ملال محن جوده سین غریب

کوکلم ویرانه سنده اوزاوزدولمن چوغمقالم
طلاطم ایلینده سینه ده دریای دردو غم
تازه غم جکرده دوفواد یده بولود کورد
خلایق سیر کلشنده منم هجرانمده شوب بنده
جهان مخلوقی کلا ذوق عشرت عیش لذتده
بیله هجر خیانه یاتیشم کیم جایی ایچین ویده
کوزوم باجما چمن زاره دیا صحن کلستانه
اوچ الیدور قالمشام مجنون صفت چو اواره بلالرده
بودور چرخ جوشی آواره ایله دی ظلم ایلن جکمز
وجودیم فلکی سرکرده قالوب دریای حیرنده
نولا پیر باده بشرط سمت مشترنده اولا پیدا
نه پنهانم نه پیدارم نه زیربار سودایم
نه مجنونم نه فرزانه نه عاقل یا نه دیوانه
بیله عومرم داخی خار تعلق ایله سینمده تکار
ازل کاتب لسی تحریر ایدنده بخت مکتوبن
بودور عکاس قدرت عکسی لوح ضمیردن
غریب خانه بربادم غم واندوهه معتادم

مجیبم یوخ محبانم یوخ لسانم یوخ بیانم یوخ
حسابیدده هچ حیچهر شک چشم خون فشانم یوخ
صعود ایلر توکر یا یدی یا تمازر اروحانیم یوخ
کلوم یوخ بلبلم یوخ کلشنم یوخ کلستانم یوخ
ارادن پرچه من جنچند مهم جهانم یوخ
باخوب کوردوم ... امیدیم ایشکانم یوخ
پنجون کیم صحن کلشنده ما نم بوکیبی جانانم یوخ
قوتار ساقوم عزیزدن منی پرچاتقانم یوخ
مجرب دوری بومطلب نفسنده هیچ دوشانم یوخ
سکان یوخ لنکرم یوخ بادبانم یوخ
کوریم ساحل نجاتین اوز کشتانم یوخ
فنا ملکنده دیداریم نهانم یوخ عیانم یوخ
نه هشیارم نه مستانه جنیم یوخ خانم یوخ
خانم یوخ خانم یوخ منیم یوخ نشانم یوخ
اودفترده آدیم یوخ پاک بخت شادمانم یوخ
نعتسر دار تفکر و نه نختم ورعنادر آرتیخ
نه مولایم نه آزادم قاپوم یوخ آستانم یوخ

الدن

الحمد اولماسا صلای هیچ صلانی کیمی [illegible]

اودوزوم هیچ گوردیم [illegible]

[illegible]

الیمدن دل پریشانم ولی بیچاره هجرانم وجودیم باغلانوبدور عشقیق هجرانه سلیمان در اسیر اهرمن الیه بیچام او	حبیبم یوخ طبیبیم یوخ انیس مهربانم یوخ خلیلم یوخ دلیلم یوخ نه امداد ایلیانیم یوخ مساطیم یوخ یا هند اصفهیم یوخ قدر شانیم یوخ
مسیح و هجرانم بلاده عاجز و حیران احبادن جفا گوردیم تماما وفا گوردیم اولور شکل دوشن وقته اغیار صله بیگانه دیون هرکه سنو نیلن یره پوزیم و ... رحمت	عروج ایتمک ایچون بال و پریم یوخ آشیانیم یوخ دیا یحیی هیچ دنیاده احتیاج امتحانیم یوخ قاچار آهوی وحشی تک تیریم یوخ کمانیم یوخ دیر کلم اشرف ریدی وقتیم یوخ زمانیم یوخ
گیده یب گلمز یوزین یان دونده ر دوستدن وجود دوستی چون کیسر دور عالمده نابیدا آقاریب گل العقارب دور که عمر بد ساناجاز	گچر بو تو غیلن گویا اوخ اندیم پر کمانم یوخ اوپر بوزدر دو غمدن دورانا او زهر گز امانم یوخ دیرلر حرب ساتیلن ویر زخم لسانم یوخ
منزلده دهر هیچ هاردا اطرافه گلمز قاچار گویا قویون قوردن قاچانک هیچ	ز قیده دیرسنده اولسن پر سایه بانیم یوخ اگر بوزده وایده قاچانمه صلازمانم یوخ

کلام حضرت خیر النسا بگم دور الفو اثری
امن حسنت لسته صد قنه شاهانم یوخ

[illegible]

پروبالم سنوب قمری صفت کوکوزنان هردم
دولانانم آختاروب هرگلشنی سرو روانم یوخ

آه کیم دوران منی هر لحظه ناشاد ایتمدی	جانمی قیلدی بلاد غمدن آزاد ایتمدی
هر قدر محنت وار اولسه ییغدی توکدی باشمه	کم کیفین بیلمیوب هیچ بیرجه تعداد ایتمدی
کلمشم شکوه جفای چرخ بدبنیاددن	ال کوتور هر صفحه کاغذلن منی شاد ایتمدی
نور عینیم فکر قیلما بلکه چخدیم یاددن	کیم آتام هر صفحه کاغذلن منی یاد ایتمدی
بیلمش اول احوالدن زاریم عیان اولسون سنه	مطلقا کوسترمه سون البته بو حالی دشمنه
کوشه زنداندن اولوبدور صفحه دنیا منه	مطلقا کوسترمه سون البته بو حالی دشمنه
ملک غربتده ایشیدوز ناله و افغان و آه	یوخ سیم یوخ اهلدیم یوخ همعنیم بیناه
بیلمرم دورافتاده من نه ایتمشدیم گناه	هر کسی من تک فلک مأیوس و ناشاد ایتمدی
قیلمشام ترک وطن هجره دالدم دوستاقیتم	کردش دوراندن اینکه غمتا بدیدقیتیم
قویمادی بختیم سمندین هرگز اولسون پیش رو	منه آل آتیاشه قویسون قدم بیر نیم جو
جامه ذلت منه کیدیردی دوراننو بنو	هر قدر داد ایلدیم جاشا پیرانداد ایتمدی

نشتر غمدن عروقا تیمده ده قان قویمادی ملک جانیمده منم بو درد و غمن جا قویمادی اولمشم هرچند من دوران ایچره صیاد تک چالدی غم مسمارینی فرعون اوتاد تک	ایلدی چهریم ایوینن اسلیه ویران قویمادی بونجه قان الما قلوق عالمده فصاد ایمدی قانمی توکمک لکه خنجر چکوب جلاد تک وارمی بیر دم سینهمی سوراخ اوتاد ایمدی
قویماد شاد اولماقه احسان ناشاد می نیچه ظلمیله بخیدر کمی بنیاد می	دفتر اوده لقدن پوزدی یکسر آدیمی هر بلیه شدت کلنک چالماقده فرهاد ایمدی
او قدر خنجر یله یالوار دوم بو چرخ ظالمه دیش دو شدکاش فرق بختی قابلمه	قیلمادی رحم و مروت ذره جه احوالمه هر ایشی بخت ایلدی بو چرخ شداد ایمدی
ییلمرم اول بخت وارمی که بخت ایر وندان شمع هجرانه یوخ یاندیره در پروندن	بو چرخ آتیمز جهانک ایلمز پرواندن یاندی جانم هر جه وقع شر اضداد ایمدی
عاجزم بیلم نولوب رخت بهم کینه در کوزلر یمدن او قدر توکدی یاره خون ظلم بیداد دین منه کون کوند افزون ایلدی	هرچه الحاح ایلرم هر ذره جه اثر بونجه قان توکمک لکه هر حکم جلاد ایمدی قدرینی نحمدن بیان دوره نون ایلدی

بچوخ یمان حالتده من دشمنلر الله بخشی کام	بر قرار کون وار گرکیم هجر اولماد ایتمدی
چوخ دفادن دم اوران احبابی کوردیم بیوفا تاپمادیم ایسیجکمدن عالم ده بیقیلن صفا	بیوفالقدان تیره دوندی قیلوب جور وجفا طرح بنیاد وفا هیچ فرد اعدا ایتمدی
بیلکلی بو سوزلری چون دور معنددور سنه اقربا ایله احبا ایکی دشمندور سنه	گر قبول ایتسن کونون آیون محبتدور سنه من دیدیم صوز دیمه هیچ کیمه ارشاد ایتمدی
حاشا لله سن اولاردن اتمه دشمنلق شعار نیک وبد هر دین ویرور هر کسه پروردگار	احتیاطون ساخلا خوش اخلاق ایله اولگیل ایچکس ایلین بر عداوت ضعیف زمانه ایتمدی
قیلما الفت مطلقا هیچ کس ونادان ایلین صحبت هر نوع سازیت کیم دوتا ناوف تار ایلین	دور او تور هم صحبت اول عاقل ودانا ایلین پایه اولماق تقرب بایکه العباد ایتمدی

بد وقمری چکمه غم هجرانوین کوتاهی وار
حضرودن قورتارماقه چوخ چاره چوخ جراح وار

قورخما مشکل ایشلری آسان ایدن الله وار	ماننی غمگین قلب دور ایته کسه شاد ایتمدی

[illegible]

اگر میل طعام ایسم غذا دردِ ملالیمدر هلال صومی بیلرم قدیم اهل الیمدر	سویوم کوزیمدن آقان دردانه اشک آلیمدر اولوب بختم پایمال دردیله دوراولان کوکلوم
اوقدر تخلیلشم جهانده صیانشان یوقدر که عکاسلر عکسنده جاورمندن جا یوقدر	حواس خمسه قطعا یوق غباصرده کمالی یوقدر اولوبدر صولت بیچارگی بیچا اولان کوکلوم
چیندور تاب قلماقی کیردی چرخه دائره مروت وارمی مجنون تک آدی چیق ایدر قارلون قاچار	ایشی دائم کشاکشدر قورار هر کون هر نکاه مقامی کهنه پترپوخ کاه کرجبا اولان کوکلوم
نه دورنده مروت وار نه منده قوه و طاقت ویندده کلمهٔ تهلیله کافر قالا اوچ ساعت	هوا هن هوشمی الدن الوب آلایش محنت صور ایمان تا یارایله ایلن خبان اولان کوکلوم
شرار نار فرقت قلبمی صاقه دوندرمش کمان تک ایلیوب خم قدیمی پیر فنا دورمش	توکوب کوز چشمه سارندن شفا ده دوندرمش دوشوبدر خضرا به کوز یاشی مرجان اولان کوکلوم
بو بخت چرخ نیلوفرده چوخ غوغالو باشم وار اورکده آه و فغانم کوزنده قانلو یاشم وار	تا جم حزن زخمم غصه محنتنده فرشم وار قالوب چوللرده سرگردان کوزی کریان اولان کوکلوم

[illegible]

بنا و درد رنج چوخ بوروز رنج ایله شسته‌دن او درگده سوزش هجران تبر دوره سوز تنشده‌ن	اوزولدی رشته‌ٔ جان درد دوالنه اکن کنده‌ن شرار برق آهیله یانا ردیرن اولانکو کلوم

کوروب دور قباقیده قضا هجران نو ایسین
او دوب اهیشه او ازاوست رشته جام غصه پیناسین

خزان جور سموم ظلم بود ا سیسین منم وردیم قویولسه فرق قافه تیغ سکونه	قزل کل تک آتشه او قلمن بریا کو کلوم دوام ایتمز هماندم غصه دن ملتق اولور تونه

اگر هر ذره جیحونه کیره جیحون دونر خونه
نیجه تاب ایلسون بو نیجه غمزه نالان اولا کو کلوم

حکلیده جلوه قیلسه فره جه سینه‌ده کی غمدن کلوب اوج ثریانکه بو برق آه سینه‌مدن د اغلسون کاش نه طاق سپهر چرخ زنکار کلورمی فصل کل یاری کورمی تازه کلزاری ایدوبدور قدیمه دور الم پیرایه سیندن وجودیمده ایدوب بلبل نغمش آه سیندن	تماشای بهشت ایله جیحون کاف جهنمدن نکر کلزمی تنکه صبر اوبی نالان اولا کو کلوم ایدر سیل کیدور کلستان عمریه جاری بهار عمری خزمله نابسا ن اولا کوکلوم سالوب ظلماته کوستر مرکونین یاپیاسیندن دونوب زنک کدر آینه حیران اولا کو کلوم

نکر قور تاره وی ظلمون ایدرسن انقلاب تاکه
کیچوب عمرون بهار کلدی ایام زمان وی

مقامات جگر سوزیله پی آرام پی درپی	ایدر قائم ترنم مرغ خوش الحان اولا کو کلوم

[illegible]

یازدیلار قلم سرنوشتم از لوح مکتوبه منه نصیب اولیبدیلار هرچه باخوش حال تعقوب		دوشوب جانکیر دوار محنت و دردیر آشوبه بنی یارادیم مقام کلبهٔ احزان اولان کوکلوم
فراق یوسف یعقوب فرخ ایل الله تعالیدن او پیغمبردی جبری اولمادی من تاب بیر ایشان		اقاردی کوزلری ود بقت عیناه میر یجان دوام ایتیون نیجه یعقوب همدستان اولان کوکلوم
او پیر یوسفی پیر یعقوب کلدی کتدی دنیایه چکیبدر اذاردینی هرکس بقدر قوه پایه		ایکی تشبیه ناقص کلمه جایزدور بو معنایه کلوب چوخ تنکه جیش محنته میدان اولان کوکلوم
گر کدوردوو تماشوا ایلردمند ووت یاد سمن غراب اول نیچه سین مجموع قوشلار دوروبدور		بنیون اولاده نیغون کل عالم دورنیا بالقوزسن کسرمی لفتن بلاسی فیان اولان کوکلوم
کوکرمز قیرمو تیراتی کریوزمین بهار اولسه آچیلماز قلب محزون کل دنیا لالهزار اولسه		کچرمز اتش هجرانی عالم چشمه سار اولسه سیز یلدار حشر اولونجه شورشی پنهان اولان کوکلوم
عجب بیضا فنیر کوردم فضاده هر لقا شیشن بوداعیلین اگر اسماده جانتمو قربون شیشن		دولاندردی غمزه تعویذ نقشین قلب مشا شین قویون قالسون نشانه سیز قایله یخیان اولان کوکلوم

هر کونوم شامه کیبی روز قیامتدی منه
ذوق اکونده فنا دهر ده قسمتدی منه
هر دقیقه توتاروب غم اور کیم شاد اولماز
ای فلک یاندیم الوندن بیله بیداد اولماز
ای شرار زمره هر لحظه اخار آب مثال
نه بیلوم بلکه دیر لیسدیم ایدیم فرصت مجال
بیلمدیم که نه وار دور عجب بو عالمده بلمش
اینده بولدیم باشمه اولدی قرا هم نه ایتمش
اولقدر رحمی کلور ناله قیلا ندامت بیر
تو یادی راحت ادام بیرچه منی چرخ ...
بیر نفس بیرده جگر خسته اوزوم واحد فرد
کوه جسر ریکیمی توکدی فلک اوزه شسته دود
قسم اللهیه کزن او قنده ه تر روب نسیم
تو ریوب محض مقوایه ده ونوب خشم و تنیم
چکلوب نطق و نفس بیرچه قالوبدور فریاد
صبر یوق حوصله یوق بیلمیرم الیوم کیمه داد
چون قبول ایلمشم دوشکه بو سودایه

الحجه از قبر ده کویا شب و حشتدی منه
سالدی الدن بیهی غم جانی بیمار ایلدی
کوزیمون یاشی سیلمز کوکل آزاد اولماز
شب یلدا کیبی آهم کونمنی تار ایلدی
از قالوبدور بیتوره جسم بنا سینه زول
عالمه تازه دن الله منی حضار ایلدی
درد و انده ده نده ور غصه ایله غم نه ایتمش
چاه محنتده سرازیر نکونسار ایلدی
سمه سیس دیروب ایری قلمو نوکی حریر
مختصر بیرنه الندن کلمه نه ادا ایلدی
جسم لاغر اور کیم علو خوزرم چون بیرزدی
نه بالخوب ایلدی حجابت و نه معنا ایلدی
یادیمه دو شمیور اضلا نه او یوم نه وطنیم
بیر او غول جانمنی بی مونس و غمخوار ایلدی
دیمیون من ایشیرم فرض قیلون مختصر
سالدی الدن منی بو هر دل افکار ایلدی
ایتمیشم جانمنی غم موجی اولان دریایه

[illegible]

نیلیوم منده جهنده یانان اهل عذاب بسده و قمری بو قدر ناله چکوب آه ایلمه	المه مش گردش دوران پریمی تاراج ایلمه نه کرک درد و هیچ کیمسه نی آگاه ایلمه
بو نار شرح غمم و درد و حال زار ایدور فلک شکایتی اوز محنتوم زمانه سی یازان الیم قلمم دردینی وین اورکیم اوز اختیاریلن دردیاز مانام حاشا علاوه تحفه بوفوموند کیم ایلیم ارسال همیشه ساخلا یا نومدا عزیز دوستی با	گیجن ولایت غربتده روزگار ایدور نصیحتیم و علاوه اولان مدار ایدور حکایت دل بی صبرو بی قرار ایدور بو یازماقیم اثر قلب داغدار ایدور گلن لحکانمه و نیاده پربو ار ایدور نیشیمه سهم بون اوزیم حفظ یادگار ایدور
افسوس دار گونده پریار گورمدیم خون جگر ییدیم بو جهانده منیم کیمی قلبیم گتوردی گردش ایامدن درم هر گلشنه گیروب ال اوزاتدیم که گل دروم اولدیم فضای عالم آرا خوار روزگار	گوردوم دده اولسه لیک وفادار گورمدیم اوستنده غم متاعی گرانبار گورمدیم هیچ تاپمادیم زمانه ده پریار گورمدیم سانجلدی خار پر گل بی خار گورمدیم قیلدی فلک منی اله دسبدم دچار

چخدیم ولایتمدن اولوب شیمی کنار
جاندن اولان منیم کیمی بیزار گورمدیم

[illegible]

باخانده اوزوم بیلمیرم کیمیم
نه یوخی وار نه اورگده تاب
که قالب پر روح دوست حباب
تنگ ایلیوبدر باشمه دوران بو عالمی
بو شهر شوم اولوب منه دنیا جهنمی
پر یالقوز ایوده عاجز و مبهوت لال مات
پر کوز یاشمدی پرده ایلیم پر قلم دوات
نازک دکل اورک کیمی صیلا هر آتشینه
تمیز ایلیم نه منهج و منهاج و منهجه
تاب ایلیوم بو درد و غم فرقته نخجه
محنت کباب ایدوب جگرمی یاندورور
دایم قرا دوکون منه لیل الدجی کیمی
اهمده قاصد یدو نسیم صبا کیمی
تاراج ایلیل غم باشمی سندیروب
هجران جفاسی قدیمی چوکانه دوندروب

که قلب زارینی کوردیم
مرغ قفس تک جوخ اضطراب
اولسه ده خیالدن آثار کوردیم
قویمش درون سینه پر کوز یمان غمی
یاندی سو مکلریم غمه غمخوار کوردیم
قلبیم همیشه مضطرب و صبر بی ثبات
بو نالدن آیری پرجه هوادار کوردیم
هر کیمسه درد یم ایتمه اظهار کوردیم
دائم کیجم کوندوزی قرا کوندوزیم کیجه
بختیم همیشه خوابده هشیار کوردیم
هیچ ایشمی بو قوه جرار کوردیم
رنگیم فراقدن سارالوب کهربا کیمی
امداد ایچون معاون و انصار کوردیم
من تک بلا و درده کرفتار کوردیم
روز وصالیمی شب هجرانه دوندروب

قورخوم بودور که قوه ادراکی یاندیرور
آهم شرار قبه افلاکی یاندیرور

سر شطیه قفزان دو غنیده وبسته اینه یوخ
کوککوم آشتی ماپاقه زه بهانه یوخ
بیکانه لر ایچینده اورک تنگ دیدیم
بیلمم کونوم نه نوع ایله کیچون صباح شام
ثبلوم منه بو محنت غربت نصیب دور
کر من غریب اولسه ده اینه غریب دور
من اولمشم جلای وطن اختیار ایلین
قوی هر قدرکه تاوشوم روزگار ایلین
سن کینه جو ستمگر من پر وفا قوتن
الچک اماندی قویمه سین منده جسم جان
ایطالعم نه خوشلیمیان بو چ غربی
چرخ پهروالان حمله اولوم منده مطلبی
یوزدن آچ استاره قیال چهر نقاب
اقتاده قویمه هرچه اولوم منده کامیاب
اتیمز سنه بو سوزلر اثر بد نهاد سن
دورسوزوم بوچر حیله اهل عاد سن
ای بخت شوم ویرمدون جلا مرادیمی

یوسته آه وزار ایدرم بعطر انه یوخ
سولمش کلیم خزانیله گلزار کوردیم
اسلام اهلی یوخ قیشوب دوریمه صیام
غمدن اولان منیم کیمی بیچار کوردیم
همنزلم همیشه غم ورقیب دور
اوزکه رقیق داورکه سنرا وار کوردیم
کچون ندیم کیچور سه کونیم آه وزار ایلین
سنسد کون اولیا دیغیم وازار کوردیم
طلعون جفاده تاب اقیسون استخوان
افتاده سنو نکیمی خونخوار کوردیم
من اولموسان منه بو جفالرو سببی
اجزاوزنی هرچه سنکبار کوردیم
ور جلوه جمالوی چون قرص آفتاب
بش کون سرور ایلین سنی بسیار کوردیم
سندندی هر بلا منه ام الغسا دسن
سند بتر زمانه ده غدار کوردیم
مندن سنی کید استیدیم قیلمه یادیمی

عقرب دراید قویروقیده توتسون پیر اوچین دار
یوز او خلارین جگرلرده بردوچ اوران
عقرب ادوم کیا اوردی تانماز کیدر چار
پرز هر دو کوب بو مکیدن دلگیر
اولکه شنا لوقه دیندیر چکین دانار
منقار تیز الین باشیدون توکلرین یولار
اول کونه محبتی قلبیدن پوزار
دائم کیدر کهونده نهان چیا هر قازار
کر دولت اولسه خلق اولالار ستوفله خوش
هرکاه جیوان بوش اولسه دیلر باشیوند بوش
وابسته دور بولارها حی پیل پایی بستنه
چوخ طول ویریوب کچرم مطلب اوستنه
صد حیف کچدی عزت ایام سلف
گزدوم جهانی اینمش ایل یا خدیم هر طرف
دوشدیم جفا و محنت ایا یدن غمه
الما زله عقل و فهم معرفت بیک درهمه
چوخ مشکل امر دوراولیا یو بهاسنه

ول زهرشون بولارینه قیدر کوچوا اوران
بو طارکیمی رشید کماندار کوردیم
بو طاراوار دوارایدرانکار کوردیم
ساقب شهابه بیله رهوار کوردیم
هروقت بولور دی ایا قوون اوستنه قوتار
شهباز تیز روده بو منقار کوردیم
صورسیفنه چرکه سنه اوبوی یازار
حاشاکلنک ایلن بیله حقار کوردیم
مشهور ذل دوربقلوب دانه اوستنه قونش
یولدان سوابهانه جنار کوردیم
مجموع ووقتون هنر وضرب دستنه
یا عزتی و ذلتی پادار کوردیم
عزتده اولے عمر عزیزیم عجب تلف
عیرضد ادرهم و دینار کوردیم
یکان طعنه اوردیلار حباب سینه
هرگز متاع دانشه بازار کوردیم
پیررده وجیه جالون بهاسنه

ای کوکلمون سقارغمی ورشاه بولر
کوز نوریسین کوز یمدن اوزاق دوشمن اگر
سر شقه دوریازن بو نصیحت لریم
گرمین قوجالشیم سوزیم اتا قوجالمیوب
حمد ایله هر نفسده او پروردگار کریم
دنیاده مشکل ایش دوشرسان چو اوتی
یالغوز جهانده پرسن هیچون دیمی یوق ایش
چون حکم پادشاهده صبر ایلیک گرک
الله دیروب همیشه بلا ابتیا سنه
آسان ایدن چیقتین ایشی پروردگار دور
یعقوب من خیالیه سالیوم سنده یوسفی
چون دوشمن بولسه هیچ غصه ایلمه
هر دولتون زمانه ده عزتده ور آخری
زنداندن کور ایچون یار انوبته اتا الخون
کم جرأت ولماشیر دل اول پی جسارت
ترکون کلامی دور ایش ایکید باشنه گلور
باخ کور هر ایلده وانچه فضل ونچه آتو

ارام و طاقت دل بی صبر و بی قرار
تن دیرشیم قضایه که امید وصل وار
ساخلا همیشه باخ اوخی منده دیادگار
چوخ سهل صبانما هر بیدور لعل آبدار
قیلمش سنی جفایه منی فرقته دچار
صبر ایلمک گرک بیله دوردور روزگار
دارندور دوشمن بولسه بی حد و بیشمار
شهزاده لر گیده وبدو بوبوا انچه قطار
هر قسم درد و محنت و اندوه وار گورار
اوز قدرتنده وار اونون البته اختیار
آخرده اولدی تخت جلالتده برقرار
الله شکر قیلیب بیلوی باغلا استوار
هیچ ذلت اولمیوبدی بو دنیاده پایدار
زنجیر شیر ایچوندی نه روباه حیله کار
قورخار بو نوع حادثه دن طفل شیرخوار
کاهی خزان گاه بستان گهی بهار
کاهی حرف گاه زمستان گهی بهار

هرکس ایلقیون اولاد شمن حساب دوست
البته هرکسه نیانوب دردیوی دیه
اوغلوم دیه کلوب منی هرکوردی اتام
جانم گیدر سنوزیله دیم تاپیرام علاج
هیچ هر دقیقه چیخمه حکین جیا لدن
بش کون سیاحت ایلمه که آخر نجات ویر
هر قدر عمر ایستیوروم قورتارام سنی
هر قدر وار قوتوی نفسیم چل که دور مارام
یا جان گیدر ویا که سنه ایلرم علاج
چکمز اوزاق گنه اوزیوی ادر ابوده چل
من قیلمام اوغول سنی تنها اتمی
قسمده ورکسنه بوا نون نازونعمتی
قمری کیمی فغان ایدرم هر صباح وشام
چون من جبین نوکریم دارکونده
گردوست چیخسه طالع بختوندکامکار
اوزجاکیمونه بخشی اولاچیخمه اضطرار
کلسم اوزک دوام ایلیز ایلرآه وزار
دوزه اندوب ایشتیق کوی نیشل ییل ونار
دائم نظرده سن قارینجه منه مزار
امنم جانم چورکم اولدی زهرمار
یوخسه الوم چوخ آختاردورام لیل ونهار
هیچ قویمارام ولایت یا شهریاد یار
هرذره فکر چکمه بالام اولما دل نگار
هرگز منی امام رضا قویماز انتظار
اولسون معین وداد رسون حق کردگار
خالق ویرور نجات ایده دعالم وده رستگار
کلرز شمراولنجه وصالونله نوبهار
قویماز ذلیل نوکرین اول شاه تاجدار

بعد از محبوس شدن ورفتن میرزا جعفر بروسیه و وصف حال قمری در ایام هجران نشانموده است

قصد جفا ایتدی گوزی شاد کوروم دو گیجه‌لری
دوشمش نهالی عشقی آثوب دوغلی
گوزوم بو دور که باشمه دولانسین
دو بالای چکمکی نقصان ایدن بالام

بوده مال ببرمز زاد و اشته یا قاودون
دار فنا ده جانی چیخان قوتار ماودون
الدن دوشن زمان الیمی چکه دوتاودن
من بیکسی الم کش دوران ایدن بالام

آهومی گیجه خزانه گلوردون خرامه سن
دوستلرون جفای جور فلکدن گیده‌سن
زنان فراق دوسی ارادا سنده قوی ده سن
نازیله بیر گلشن بستان ایدن بالام

قیلدون نه چاره دیجره ده مغموم اولا زمان
مژده‌ن یا نار وصال اوده محروم اولا زمان

ایام دو شرمی یاده ده ظلمون اولا زمان
الشناد الغم ناله و فغان ایدن بالام

دوقو بیرده گوز شرار ده اهدم زمان سنم
دو دوب فغانم ایدن نقصان ایدن بالام

وح گوندی گوز میوه‌ید بو حسرت گوروم سنی
گر باغ ایچینده هر آغاج اکسه باغبان
سن نخل باغ عمرمیدون جسمیده جان
پیوسته گوز یاشم تو گلوریاده صاف تک
قدیم بوکلدی غم لردن التنده قاف تک
المش ضعیف جانمی بو زحمت والم
هر فرقده دور هیچون قسم قسم غم

گوز یاشمی جوموجه عمان ایدن بالام
چوخ ذوق ایدر باخوب اوغلان باغه گیرن
گوزر گوز سنده چاره جولان ایدن بالام
رو حم چخوب بدندن قلجیر غلاف تک
هر گورد گل دومنی هر جا ایدن بالام
از عالدیکه بنای وجودیم اولا ورم
الم ی سینه‌ده غمی پنهان اولان بالام

هیچ بیلمرم نه وقعه دور گلدی باشیمه
هر گون اینانیم قار شور قانلو باشیمه
درد فراق او خشار یه هیچ آری علتّه
صبح و مساه دیری توجه و قسمت ذلتّه

خار جفا و غم تو گلوبده ور قرشیمه
گیسوی بخت نکهت میدان ایده بالام
آهم او دی اثر ایدر هشاد هلتّه
صبح و مساه دیری فغان ایده بالام

بیلوم جهانده قالمافیمی ایدیدن صورا
دشمنده اوزرا یوریم اوزر یه سن گیدن صورا
سینوالیم حنا اله یا خما قلق ایشیم
چخون گوزیم ایشق گونه یا خما قلق ایشیم

دوران منی بوور ده گرفتار ایدن صورا
سن گن منی غلغله بیابان ایدن بالام
ساق قالمیوم سبا حسنه چخما قلق ایشیم
ایام وصلمی شب الهجران ایدن بالام

خنجر دویب غمنده دن منی نقصان ایدن بالام

بیلوم جهین ... ایدیلوح چاره گیدم
... ایدن بالام
... اولدون بالام ...
... ایده بالا

بجبرانیلمز

هجرانیله گیچوردی فلک زار عمر یمی
شام و سحر زمانه ده گلزار عمر یمی
دوشدیم عجب فراقوه پیدا دچر خدن
وصلون نه بهشتکه ایدا دچر خدن

طوطی نطقیله شکرستان ایدیه بالام
تار اچه ویره طفلیله بازار شمر یمی
هر لحظه اولماداوه رکیم شاد چرخدن
اولدی فلک بهشتی ایدوب ایدیه بالام

یعقوبه‌ روزنای سیم منده حصه وار
الله ییلوره یانان اور کیمده نه غصه وار
ولمش ثبات حزن الم جیانه الم
سن سیز کوز یارده گوشه ظلمات دور یم

جسمم ضعیف ولوبده جانه ار جیته ار
قلبمده هجر غمکیمی هیجان اولابالام
لیل الدجاده شعله آهده پرتویم
صبح هرائی رشک گلستان ایدن بالام

مادوان چنچار یارام سنی هر لحظه هر نفس
ماز فراقوه یاناراد بوغدی وادرس
نغمه‌ن سوملکیم ایلوب بایه دودمشم
جلد بشرده وحشی صحرایه دودمشم

دادایلرم اورو کیجه چون ناله جرس
وار هر خلیله نار گلستان ایدن بالام
گویا هلال لیله الا خراده دونمشم
جان یوخ منده قدیمی چوکانیدوبالام

ساکدر زمانه هر بیله صحرالره منی
عز تله بسلیوب بو یودوب ساخلادیم سنی

قیلد حرام سیر گلستان گلشنی
وار ایتمش بنای فرقتی بنیان ایدیه بالام

مجنون تخیلم دل غمدیده بند ... محتشم نقشونو چکسه یازوب بند ...
جانم بخم ... قربان ایدن بالام

... دخیل امام رضا ... ایدن بالام

خالقدن ایستدیم اولا ... ایدن بالام

فرخ ایلدو اولمشم ... کورباشی روان

اوزنلاردی ... ایدن بالام

گلدیم وشاندا اورکده اولانزمان شام — دور یاز کورنده یاش قویولاندایره طعام
سن الکلشن یره باخورام آغلارام مدام — خون جکرله اشکیمی مرجان ایدن بالام
زنجیمده کهربا کیمی غمدن سارالمشم — آهیم شراره سیله اوو افلاکه سالمشم
حیران ومات گوشهٔ ظلمتده قالمشم — غمخانه می جمالی چراغان ایدن بالام

غمدن قورتارمادیم گوزمون یاشنی سیلوب — فالام می ساقی زمانه ده سندن آیریلوب
سیلوم اجل تشیمو یوری قورتولوب الم — اولسید پرچه قتله فرمان ایدن بالام
سیلیم نه اولدی گوکب قبالمه منم — چکدیروی طرح صورت غم فاتنم
اوسم بوداغ هجر یلدوی حالمه منم — الحیر تنلیه عمریمی پایان ایدن بالام

هر غصه گورشم آغاریوخ گلن گونیم — مشکلدی دارفانه دن آیریلان گونیم
دنیاده چوخ ذلیل ولاجاقدور الن گونیم — سن اولمانسا تلاوت قرآن ایدن بالام
هانسی آنا بودرده چکوب اولمیوب قالور — روحی بدنده جسمده اولمیوب قالور
جان تا بشوراندا گوزلریم اولمیوب قالور — ال چکمه سون کلوبنی گریبان ایدن بالام

چوخ دور اورکده طعنهٔ اغیاره دیارام — ویرمز اجل پیاله ایچیم بلکه قورتارام
وصلون امیدینه کنه پر هیجان اولارام — بو خدور شکسته کوکلیمی خندان ایدن بالام

... کلیات ... وقصیده ... رباعیات ...

... وجبهٔ موجود ...

... فیض ... نفیسین

بعضیسن ایدوب فقیر سالوبدور مشقته
بونلاری سرو ارا اوزیدور عالم خبیر
باب فتوح صدق صفادور تفضلی
آثار خیر اولمازیدی دار کونده
شاهد وصدق مطلبه حقا حضرت خدا
ممنون ایدوبدور هر کسی هر نوع لطفلن
هم بنده حقیری قیلوب طبع شعر ایلن
توفیق ویره حضرت خلاق ذو الجلال
شاید سهو اولور وقصور کمال اولور
ترکون کلامدور که اونی تازه ایرن ویرن
ظاهرده خاک باطنی جوخ پاک نظم دور
نسخه غلط ووشنده منه ایتمیو عجب
اعلا جناب معتمد الحاج ذی الشرف
بکارخانه سنده ایلین تازه نسخه سی
جوخ سعی قیلدی نسخه ده کیم اولمیه غلط
تحریر نسخه قیلدی اومیرزا خوشنویس
سوز یوخدر رسم خطنه یا اهتمامنه

بعضیسنه ایلیوبدور عطارد دخی ثنا
چونکه حکیم دور ایدوب حکمتی جابجا
اوز آثارنده نشر ایلین روا
مکرر اولماسید مرحمتی خلقه رهنما
قرآن ایچنده آیه یهدی لمن یشاء
حکم ایتمک شرف وعزت وجلا
مدح مصائب سعد ده علم کشا
تیغ شهنام کتاب ولدی شهرت ابا
عفو ایله سوزله اهل کمال ودودوا نسخه
قویده اولدوقین سیور وب قیلمیشام ردا
زیرا که اوزکه دکل خاک کیمی بلا
فریاد وواویلا کاتب الندن صد ده ادوا
عباس ایلن علیه مستما اوخوش لقا
قیلدی چاپ ووداخل مضمون ایلن بکا
اختار وتاپدی کاتب مقبول با صفا
وید ار بو الفرج فرج الله باوفا
کاتب کرک بو نون کیمی بن وفعه جیا

صاحب عزا یار انلار خصم اولا کوریم
آیا کوزون چخوبدور یا بالغلط نویس

هر کیم بن اولسه بیلرم ای نسخه نی یاران
یا رب قلم دوتان الون اولسون کوریم

تشدید و نقطه یا شوه و کسون اولا کجر
پر صفحه ده اولور هی مگر آتمش غلط

هیچ بیر جه یا چیوب کورا و کوز تکن سوخولما
تو لسون قاطر کمی بوخولور سان نو لوب مگر

مست اولما یار اندو یا نخواب استن
چوخ یرده ورکه باش بر ینه نقش ایدوب

زیرا که آج طویوق یوخودا داری چوخ کورر
یا توتون قلم ایکی کوزوده نوک نیزه تک

تبت یدا ابی لهب سن ابی الحب
بو جهلدن زیاده دو جهلون ابوشرر

یا رب و الدیغون یوله هیچ سایه قوریم
سن نظمی نحسلونله صفادن سالان کیمی

هیچ رسم خطی الیوب قیلما بدل

هیچ یاخما یون قرا یوزنه شاه لا فتی
یا رب چخا یدی کاش اولوب نور بی ضیا

سنن چوخ هوشیاردی شاگرد ناتوا
بیلم نچون اونامادو ایزشت و بیحیا

انساندن سهو اولورمش اولا دو شر و خطا
سطری تمام وزنده چون اسب لنک پا

آخر سامان یک دگل ایکا و بدچرا
یوک آلما بو نسو آهردن یوخسه مطلقا

یا چوخ تخو بیبان انسکه دیا پیش دو قوت خدا
قارنون و شلیوب آختشن ایچیندن صاحب

کوکلو بنده کی کلوب قلمه یاخما قونن کبی
اولسون الهی مثل مرکب یوزون قرا

حماله الحطب کیمی سن معدن جفا
الله سنی جزاده یوزر سون جهان آرا

اولسون سینه کفن یولی عمرن و اولوب فنا
قیلسون وجودی الم دهر بی صفا

مغنایه رخنه اورسان ای فهمی نارسا

ای دوستان ... رباعی

اصلا نه ده ... [illegible]

قرآنده آیه لیس للانسان آشکار
یعنی مبنه بو قدر بوزده ادتوق ایله یین
شکر اوباشد ایچلکن الکوک کلور یقین
بوندان صوکرا اکر یاریمی خط یازان اغلط
قری کلامه ویره داخی طول قیلمام

هر امر کسبه رده الا که ما سعی
منک دلور فروشنده بش ادتوق اشعا
کل کمتر اولسه وزن ترازوده هر یا
خصم اولسون اول غلط یازانه ختم انبیا
دنی فهم اولان ایدر بو مقاله اکتفا

رباعی

صد سال معلق فگندن از چاه نگونسار
خوابیدن صد ساله برهنه بسر خار

صد بار بر آویختن از فوق سر دار
تفهیم بنا فهم از اینها همه دشوار

رباعی

فرهاد صفت کندن صد کوه بدندان
صد سال مقید شدن محبس ایران

نوشیدن صد ساله زهر از کف زندان
خوشتر زدمی بود هم صحبت نادان

رباعی

باخون دل اندود نه طاق مقرنس
از جامه سوزن شدن مثل ملبس

نه کوه زجا کندن و افکندن اپس
بهتر زدمی بودن هم صحبت ناکس

رباعی

صد کوه گران کنده و بادوش کشیدن
صد خار جفا بر جگر و چشم خلیدن

صد جام پر از زهر بهر لحظه چشیدن
خوشتر زدمی صحبت نااهل شنیدن

خاتمه شد ... [illegible]

قوتی بحب الفوز

جناب عمدة التجار حاجی احمد آقا کتاب فروش باشی ... [illegible]

اول ربیع ... ۱۳۲۶

انطباع ... [illegible] ... الصورت ... [illegible]

تما بسین الیمون ذلیت ...
شهید اولدن ایدن آل مصطفی قنار
صدا ایلدی ابن سعد کینه طراز
گل به اعمال بدن دیده کرم ناز و نیاز
یا توب تیغ الا لبسن یانه قوجاقلیلر
محبتی جوش ایتدی عدودن ...
اکر دوغوم یری وار باسنده قانلو بیلمسم
بنیا بال ایدیش ... سکینه

اتام ربابه اوغول وای ایدیرقبا قنده دوشوب فرات کنارینده دوغرانوب عباس سریه قاسمی اخشار یاننده یا جیم وار هانی اتام بو یانکوزنده فکریمه قالسون بیوردی زینب مظلومه ای اسیر محن	پیری ویر باشی اوسته پیری ایا قنده یاننده ایش یاجیبی باش آچوب دوتوبلار یاس سنده ورد یمه اخر یبی علاجم دار سیلوب کوزیم یاشی پیرقوجاقینه اسون غریب الن آناوی گل نشان ویریم سنه حسن

قریم گل ورد یون درماینده ور بو
علی المرتضی نون جاینده ور بو

عیال حیدرون کچمش خراجی قالان نعشی قوم اوسته پاره پاره دخی احتار رماچکمه واحسیناه	اتام حیدرلنا قرباینده ور بو بو دوشتون پیکر عریاینده ور بو اتان کرب بلا قرباینده ور بو

پراه چکدی عرض ایلدی سرو یم بابا
شکل کونینده دادرس یاوریم بابا

ارنبکه یانشم غم نار فراقوه نازیله بسلنن قزوام اولمشام اسیر جایقامدورریم اچلدی قولین حسین چوخ یانسان کنه یانا جاقسان فراقیمه گل پرحه سینم اوسته دویونجه قوجاقلاشاق	چوخ گزمشم بو قتلکهه ایچره سرا نوه اچ قوللارون اماندینی باس قوجاقوه گویا دیدی سکینه اول شاه مشرقین جان ای باشی بلالو قریم گل قوجاقیمه قوی بو سوزو داقوی قانلودو داقیمه

احوالات اسرا

...

مجیب